تصویر ابو عبد الرحمن الکردی

تاریخچه جنگ جهانی دوم

نویسنده: سایمون آدامز

مترجم: دکتر پرویز دلیرپور



تاریخچه جنگ جهانی دوم



نویسنده: سایمون آدامز

ترجمه: دکتر پرویز دلیرپور

سبزان

سرشناسه	: آدامز، سایمون، ۱۹۵۵ - م. Adams , Simon
عنوان و نام پدیدآور	: تاریخچه جنگ جهانی دوم/نویسنده سایمون آدامز؛ ترجمه پرویز دلیرپور.
مشخصات نشر	: تهران: سبزان، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	: ۱۲۸ ص.: مصور.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۱۱۷-۰۵۲-۲
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: عنوان اصلی: Eyewitness World War II . ed. ., c۲۰۰۷.
یادداشت	: واژه‌نامه.
یادداشت	: نمایه
موضوع	: جنگ جهانی دوم، ۱۹۳۹ - ۱۹۴۵م. — ادبیات نوجوانان
شناسه افزوده	: دلیرپور، پرویز، ۱۳۵۰ - ، مترجم
رده بندی کنگره	: D۷۴۳/۷/آ۴ت۲ ۱۳۹۰
رده بندی دیویی	: ۹۴۰/۵۳[ج]
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۴۱۹۰۶۰



انتشارات سبزان — انتشارات آمه

میدان فردوسی ـ خیابان فرصت ـ ساختمان ۵۴ تلفن: ۸۸۸۴۷۰۴۴-۸۸۳۱۹۵۵۸

تاریخچه جنگ جهانی دوم

نویسنده: سایمون آدامز

مترجم: دکتر پرویز دلیر پور

ناشر: سبزان - آمه

حروف‌چینی و طراحی و لیتوگرافی: دفتر فنی سبزان

۸۸۳۱۹۵۵۷ - ۸۸۳۴۸۹۹۱

نوبت چاپ: دوم -۱۳۹۲

تیراژ: ۱۵۰۰ جلد

قیمت: ۵۵۰۰ تومان

چاپ و صحافی: معراج

فروش اینترنتی و online از طریق سایت‌آی‌آی کتاب www. i i k e t a b.c o m

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۱۷-۰۵۲-۲ ISBN:978 - 600 -117 - 052 - 2

فهرست

مقدمه ۵
جهان تقسیم شده ۶
گسترش فاشیسم ۶
قدرت کارگران ۷
ژاپن امپریالیست ۸
پیش به سوی جنگ ۹
پیمان ورسای ۱۰
حمله ژاپن به چین ۱۱
تجاوز به لهستان و آغاز جنگ جهانی دوم ۱۲
آماده شدن برای بدترین رویداد........ ۱۲
حمله برق آسا ۱۶
پیمان عدم تجاوز آلمان و شوروی ۱۶
تسخیر فرانسه ۱۸
اشغال ۱۹
هیتلر در پاریس ۱۹
عملیات دینامو ۲۱
مقاومت ۲۲
نیروهای فرانسه آزاد ۲۲
پارتیزان های تیتو ۲۵
در ارتش آلمان ۲۶
نبرد بریتانیا ۳۰
نیروی هوائی بین المللی ۳۰
بمباران‌ها ۳۳
بمباران درسدن ۳۵
جنگ تمام عیار ۳۶
سه رهبر بزرگ ۳۷
ایتالیای موسولینی ۳۷
ژنرال توجو ۳۸
سرزمین دشمن ۳۹
اسیران جنگی ۴۴
علامتگذاری اسیران ۴۴
زندگی در کنار دشمن ۴۷
رمزگشایان ۴۸
کامپیوترهای اولیه ۴۸
صفر انیگما ۴۹
رمز مخملی ۵۰
ورود امریکا به جنگ ۵۲
مسلسل برونینگ ۵۲
زنان در عرصه کار و فعالیت اجتماعی ۵۶
کودکان زمان جنگ ۶۰
نازی های جوان ۶۳
نبرد اقیانوس آرام ۶۴
پرچم متبرک شده ژاپن ۶۴
ژاپن در جنگ ۶۸
جنگجویان وفادار ۶۸
نبرد آتلانتیک ۷۲
به سوی استالینگراد ۷۶
در درون اتحاد شوروی ۸۰
نبرد در صحرا ۸۴
عملیات روباه صحرا ۸۴
نبرد العلمین ۸۵
تبلیغات و روحیه ۸۸

هیتلر به عنوان رهبر ۸۸

نسل کشی ۹۲

اردوگاه های مرگ ۹۴

شرایط اردوگاه ۹۵

حمله روز دی ۹۶

بمب هسته ای ۹۹

انولاگی ۹۹

بمباران ناکازاکی ۱۰۰

هراس بر فراز هیروشیم ۱۰۱

آزادسازی ۱۰۲

آزادی از فاشیسم ۱۰۳

سقوط برلین ۱۰۴

آزادی فرانسه ۱۰۴

پیروزی ۱۰۵

روز پیروزی در شهر نیویورک ۱۰۵

تسلیم ژاپنی ها ۱۰۶

پیامدها ۱۰۷

سازمان ملل ۱۰۷

آمریکای ثروتمند ۱۰۹

دادگاه های جنایت جنگی ۱۰۹

آیا می دانید؟ ۱۱۰

پرسش و پاسخ ۱۱۲

بیشتر بدانید ۱۱۷

واژه نامه ۱۲۵

نمایه ۱۱۵

مقدمه

به نام خداوند جان و خرد

دانایی، توانایی است

یادگیری علم ومطالعهٔ تاریخ گذشتگان، در واقع استفاده از تجربیات همهٔ کسانی است که پیش از ما زندگی کرده و رنج و زحمتی را برای کسب تجربه، متحمل شده‌اند. ما با مطالعهٔ صحیح تاریخ و با استفادهٔ درست از علم در واقع با بهره گیری از تجربیات گذشتگان توانایی‌های خودمان را افزایش داده و دنیایی زیبا، آرام و دلنشین را برای خود و دیگران مهیا خواهیم ساخت.

انتشارات سبزان با آماده‌سازی و گردآوری مجموعه‌های متنوع در شاخه‌های گوناگون علم و تاریخ تمدن ملل‌مختلف، سعی دارد از این طریق گامی هرچند کوچک، در جهت افزایش دانستنی‌ها و دانش نسل جوان بردارد و در حد وسع و توانایی خود بر معلومات آنها بیفزاید. جا دارد از کوشش نویسندگان و مترجمان گرانقدر که در آماده سازی این مجموعه ما را یاری کرده اند تشکر نموده و دست یاری به سوی همه کسانی دراز کنیم که می‌توانند در رشد و اعتلای این مجموعه به کمک ما بشتابند. بدون شک با گسترش حیطهٔ همکاران خود، سریع تر و بهتر به سر منزل مقصود خواهیم رسید.

لازم به ذکر است که نویسنده، مطالبی در مورد نسل کشی و کوره های آدم سوزی نوشته که در مورد واقعی بودن آنها نظرات مختلف و متضادی وجود دارد.

جهان تقسیم شده

طی نخستین دهه‌های سدهٔ بیستم، دنیا به سه اردوگاه سیاسی اصلی تقسیم شده بود که هر کدام مبتنی بر ایدئولوژی خاص خود بودند. اردوگاه نخست، کشورهای دارای نظام سرمایه داری با حکومت‌های انتخابی و شامل ایالات متحده امریکا و در اورپا بریتانیا، فرانسه و کشورهایی با قدرت کمتر مانند هلند، بلژیک، سوئد، چکسلواکی می‌شد. اردوگاه دوم، ایتالیا و اسپانیای فاشیست، آلمان نازی، ژاپن ملی‌گرا و اردوگاه سوم دولت‌های تک حزبی اروپای شرقی از آن جمله اتحاد جماهیر شوروی را در بر می‌گرفت، که نخستین کشور کموئیستی دنیا محسوب می‌شد و ظاهراً قرار بود در آن کارگران کنترل دولت را به دست داشته باشند، اما در واقع، رهبری خودکامه؛ یعنی ژوزف استالین (۱۹۵۳-۱۸۷۹) ادارهٔ کشور را به دست گرفت. علت اصلی ستیز و اختلاف بین این اردوگاه‌ها، ریشه در ادعاهای ارضی و منافع اقتصادی آنها داشت که سرانجام در سال ۱۹۳۹ به جنگی جهانی منجر شد.



نماد شوروی

داس و چکش، نماد اتحاد شوروی بود و روی پرچم ملی آن به چشم می‌خورد. چکش نماد کارگران صنعتی و داس نماد روستائیان (کارگران کشاورزی) محسوب می‌شد.



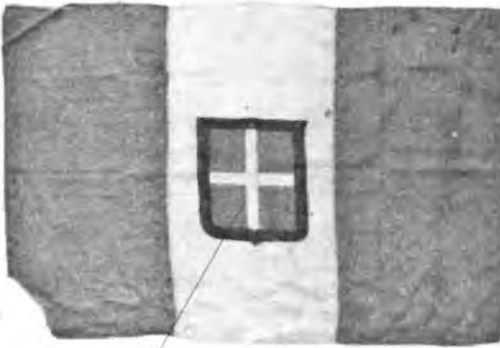
رژهٔ جوانان فاشیست ایتالیایی

گسترش فاشیسم

در سال ۱۹۲۲ بنیتوموسولینی (۱۹۴۵-۱۸۸۳) در ایتالیا به قدرت رسید و کشور را به کشوری فاشیست مبدل ساخت. در دهه ۱۹۳۰، حکومت‌های فاشیستی در اسپانیا، پرتغال، اتریش، رومانی و آلمان به قدرت رسیدند. در آلمان حزب نازی ایده‌های فاشیستی را تا افراطی‌ترین حد خود به پیش برد.

فاشیسم ایتالیایی

ملی گرایان ایتالیایی، «فاشس» به معنی دسته‌ای از ترکه‌های به هم بسته شده که نماد قدرت روم باستان بود، را برای خود برگزیدند، اما در سراسر دوران فرمانروایی موسولینی، ایتالیا کشوری دارای نظام پادشاهی تحت حکومت ویکتور ایمانوئل سوم بود و روی پرچم رسمی آن نیز همان‌گونه که در تصویر می‌بینید نشان سلطنتی به چشم می‌خورد.



نشان شاهنشاهی لبه آبی



پولادین ضد زنگ، مجسمه انسان‌های جوان، قوی و جذاب هستند.

تندیس کارگر و روستایی وراموخینا در نمایشگاه جهانی پاریس سال در ۱۹۳۷ برای غرفه شوروی ساخته شد.

قدرت کارگران

در سال ۱۹۱۷ کمونیست‌ها در روسیه به قدرت رسیدند و اتحاد شوروی را تشکیل دادند. آنها تمامی زوایای حیات اجتماعی و اقتصادی این کشور را در اختیار گرفتند. برخی کشورها به اتحاد شوروی یا به رهبر آن، استالین، اعتماد نداشتند و حاضر به پشتیبانی از عقاید او نشدند.

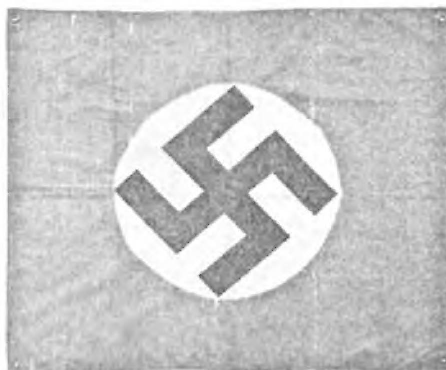
پس از ۱۵ سال نومیدی، مردمی بزرگ برپای خود ایستاده‌اند.

آدولف هیتلر، ۱۹۳۳


یونیفورم ارتش امپریالیستی ژاپن دهۀ ۱۹۳۰

ژاپن امپریالیست ◄

طی جنگ جهانی اول، ژاپن در کنار بریتانیا، فرانسه و آمریکا جنگ می‌کرد، ولی هنگام بسته شدن پیمان صلح، به دلیل دست نیافتن به سرزمین‌های مورد نظرش احساس شکست نمود. در دهۀ ۱۹۲۰ دولت ژاپن تحت سیطرۀ رو به گسترش ملی‌گرایان افراطی قرار گرفت که با ارتش متحد بودند و قصد داشتند از ژاپن، قدرت امپریالیستی نیرومندی در آسیا بسازند.



► نمادسازی از ملت نازی

صلیب شکسته نماد مذهبی باستانی بود که به ویژه در یونان و هندوستان رواج داشت. در هند، گاه در معبدهای هندو مورد استفاده قرار می‌گرفت. آدولف هیتلر (۱۹۴۵-۱۸۸۹) صلیب شکسته را نماد حزب نازی قرار داد. علامت صلیب شکستۀ سیاه، داخل پس زمینه سیاه و قرمز در سال ۱۹۳۵ تبدیل به پرچم ملی آلمان شد.


دفتر عضویت حزب نازی

حزب نازی ◄

حزب ناسیونال سوسیالیست کارگران آلمان یا حزب نازی در سال ۱۹۲۰ بنیانگذاری و توسط هیتلر رهبری شد. نازی‌ها عقیده داشتند که نژاد آریایی شاخۀ آلمانی، نژاد برتر است و آلمان باید به جایگاه قدرتمند سابق خود بازگردد.

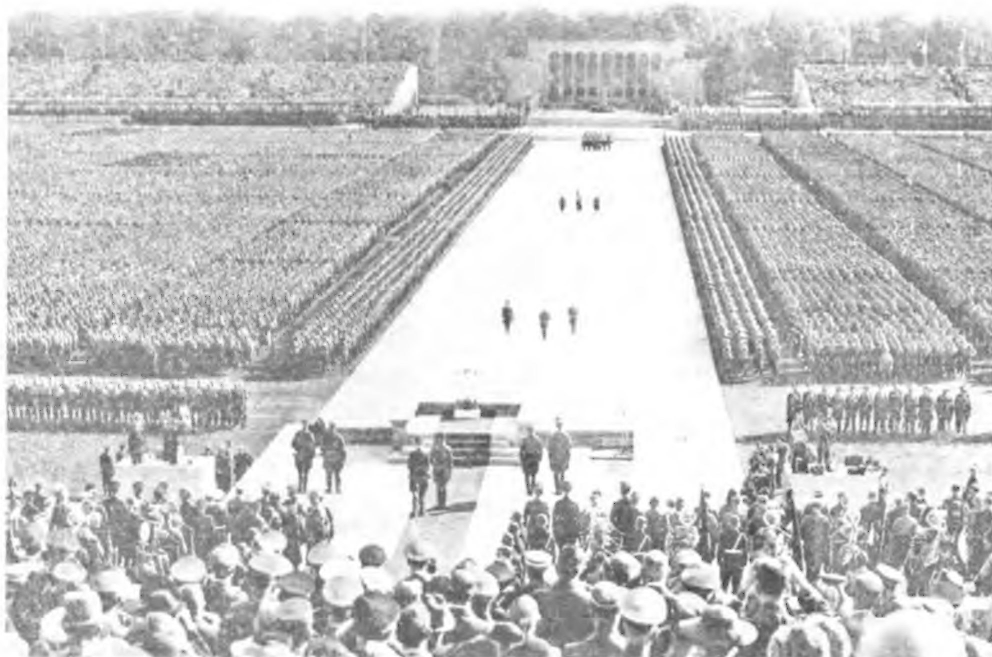




جعبهٔ یادبود برای کتاب نبرد من

پیشنهادات هیتلر

در سال ۱۹۲۴، زمانی که هیتلر، به دلیل توطئه برای غصب قدرت در آلمان در زندان به سر می‌برد کتاب نبرد من را نوشت. در این کتاب به ضرورت وجود رهبری قوی، ارتش نیرومند، خودکفائی اقتصادی، سرکوب کمونیسم و نژادهای غیر آریایی و اقلیت یهودیان در آلمان تأکید شده بود. اگرچه این کتاب در آن زمان چندان توجهی به خود جلب نکرد، ولی آشکارا بیانگر اهداف هیتلر در صورت رسیدن به قدرت بود.



نازی‌ها در همایش نورمبرگ در سال ۱۹۳۵

همایش‌های نازی

نازی‌ها به طور منظم همایش‌های گستردهٔ نمایشی در فضاهای باز برگزار می‌کردند و اعضای حزب با حمل پرچم به سخنان هیتلر و دیگر رهبران نازی گوش فرا می‌دادند. وقتی حزب نازی در آلمان در سال ۱۹۳۳ به قدرت رسید، آنها هر سال در نورنبرگ، جنوب آلمان، همایش‌های باشکوهی به راه می‌انداختند. این گونه وقایع نشانگر توان و قاطعیت نازی‌ها و قدرت عظیمی بود که هیتلر بر حزب خود اعمال می‌کرد.

پیش به سوی جنگ

در سال ۱۹۳۳، در آلمان حزب نازی آدولف هیتلر به قدرت رسید و شروع به بازسازی قدرت نظامی آلمان کرد. در پایان جنگ جهانی اول، راینلند، ناحیه صنعتی آلمان نزدیک مرز فرانسه و بلژیک، به عنوان منطقه غیر نظامی تعیین شد. هیتلر در سال ۱۹۳۶ نیروهای خود را به راینلند گسیل داشت. سپس اتریش و بخش هائی از چکسلواکی را در سال ۱۹۳۸ اشغال نمود. در همین حال ایتالیا سرگرم توسعه قدرت خود در حوزه مدیترانه و شمال افریقا بود، و ژاپن نیز در سال ۱۹۳۷ به چین تجاوز کرد. از این رو، روابط بین آلمان، ایتالیا و ژاپن قوی‌تر می‌شد. در ابتدا، فرانسه و بریتانیا سعی می کردند از متجاوزان دلجوئی کنند. اما، در پایان دهه ۱۹۳۰ هر دو کشور اقدام به تجهیز نیروهای مسلح خود کردند. ایالات متحده امریکا در حاشیه بی‌طرف ماند ولی با نگرانی نظاره‌گر افزایش قدرت ژاپن در اقیانوس آرام بود. بیست سال پس از پایان جنگ جهانی اول، دنیا در حال آماده شدن برای جنگی دیگر بود.



پیمان ورسای

آلمان پس از شکست در جنگ جهانی اول مجبور شد در سال ۱۹۱۹ پیمان صلح ورسای را امضا کند. آلمان تمامی مستعمرات خود در خارج را از دست داد و همچنین بخش هائی از سرزمین آن به همسایگان واگذار شد و از داشتن ارتش بزرگ منع شد. اکثر آلمان‌ها مخالف این پیمان بودند و از مقاومت هیتلر در پذیرش آن حمایت می کردند. از این رو، پیمان ورسای که از سوی طرف‌های برنده جنگ جهانی اول به آلمان تحمیل شده بود، یکی از عوامل جنگ جهانی دوم محسوب می‌شود.



رویدادهای انفجارآمیز شمال آفریقا

ایتالیا به اتیوپی که در آن زمان یعنی در سال ۱۹۳۵ به حبشه معروف بود، تجاوز کرد. فرمانروای این کشور، هایلاسلاسی (۱۹۷۵-۱۸۹۱) به تبعید فرستاده شد. رهبر ایتالیا می‌خواست در شمال آفریقا امپراطوری روم را از نو سازد و مدیترانه را به دریاچه‌ای ایتالیایی مبدل سازد. ایتالیا همچنین به همسایه کوچک خود، آلبانی، تجاوز کرد.



حمله ژاپن به چین

بعد از تسخیر استان منچوری چین در سال ۱۹۳۲، ژاپن برنامه عظیم تسلیحاتی خود را شروع کرد. در سال ۱۹۳۷ ژاپن تهاجم همه جانبه به چین را عملی کرد و پایتخت نانکینگ و اکثر بخشهای ساحلی آن را اشغال نمود.



هیتلر اتریش را تسخیر می‌کند

در مارس ۱۹۳۸، هیتلر نیروهای خود را به اتریش گسیل کرد و آنشلوس یا اتحاد آلمان و اتریش را اعلام نمود. هیتلر پیمان ورسای را که آلمان را از اتحاد با هر دولتی منع می‌کرد نقض کرده بود. اکثر اتریشی‌ها از این حرکت پشتیبانی می‌کردند هر چند کشورهای همسایه نگران قدرت رو به افزایش هیتلر بودند.



دیکتاتورها کنار یکدیگر

در ابتدا، رهبر ایتالیا، موسولینی دشمن هیتلر و حزب نازی بود. زیرا هیتلر قصد اشغال اتریش را در سر می‌پروراند که همسایه شمالی ایتالیا بود. اما به تدریج دو کشور به یکدیگر نزدیک شدند. در سال ۱۹۳۶ آنها به تدریج همکاری با همدیگر را شروع کرده و محور رم – برلین را به وجود آوردند که بعدها ژاپن نیز به عضویت آن درآمد. سپس ایتالیا و آلمان پیمانی رسمی در سال ۱۹۳۹ به نام پیمان پولاد امضا کردند و در نخستین سالهای جنگ جهانی دوم کنار یکدیگر جنگیدند.



اتحاد بریتانیا و فرانسه ▲

روابط نزدیک بین فرانسه و بریتانیا در سال ۱۹۳۸ با دیدار رسمی شاه جرج ششم (اخری از چپ) و ملکه الیزابت از فرانسه آشکار شد. پشت صحنه، این دو کشور شاهد گسترش قدرت هشداردهنده آلمان و ایتالیا بودند. در سال ۱۹۳۹، که جنگ گریزناپذیر به نظر می‌رسید، فرانسه و بریتانیا توافق کردند به لهستان، رومانی و یونان، در صورت حمله آلمان یا ایتالیا کمک کنند تا از استقلال خود دفاع نمایند.



راه صلح آمیز ▲

جمعیت به دیدار نخست وزیر بریتانیا، نویل چمبرلین از مونیخ در سال ۱۹۳۸ خوشامد گفتند. رهبران اروپا در تلاش برای حل تنش‌ها موافقت کردند از هیتلر دلجوئی کنند. آنها موافقتنامه صلحی امضا کردند که به آلمان‌ها اجازه می‌داد منطقه مرزی سودتن در مرز چکسلواکی را به خاک خود منضم کند. چک‌ها مخالفت کردند، اما چمبرلین اظهار داشت که ماندگاری این پیمان صلح را تضمین می‌کند. شش ماه بعد، هیتلر بقیه خاک چکسلواکی را نیز اشغال نمود.

تجاوز به لهستان و آغاز جنگ جهانی دوم ▼

نیروهای آلمان، آماده حمله در سال ۱۹۳۹ در حال برداشتن پست مرزی لهستان و آلمان دیده می‌شوند. هیتلر از لهستان خواسته بود که دالان لهستان – نواری باریک که پروس شرقی را از بقیه خاک آلمان جدا می‌کرد – را به آلمان واگذار کند. لهستان مقاومت کرد. بنابراین در اول سپتامبر وی لهستان را اشغال نمود. بریتانیا و فرانسه تضمین کرده بودند در صورت تجاوز به خاک این کشور به کمک لهستان بشتابند. بنابراین آنها در ۳ سپتامبر به آلمان اعلان جنگ دادند. جنگ جهانی دوم آغاز شده بود.



آماده شدن برای بدترین رویداد

با افزایش احتمال جنگ در سالهای ۱۹۳۸ و ۱۹۳۹، بریتانیا، فرانسه، آلمان و ایتالیا کسب آمادگی برای بدترین رویداد را آغاز کردند. آنها برنامه‌هائی برای سهمیه بندی غذا و مواد خام حیاتی تهیه کردند. فرانسه قبلاً خط ماژینو، که در سالهای ۳۴-۱۹۲۹ برای دفاع در برابر حمله آلمان ساخته شده بود را دوباره مستقر کرد. دولت بریتانیا انتظار داشت لندن و دیگر کلانشهرهای این کشور طی ساعات اولیه آغاز جنگ به شدت مورد بمباران قرار گیرند، بنابراین برای حفاظت از جمعیت غیرنظامی خود دوراندیشی‌های زیادی انجام داده بود. در پارک‌ها و خیابان‌ها پناهگاه‌هائی حفر شدند و ماسک ضد گاز بین مردم توزیع شده بود. برای تخلیه هزاران کودک و انتقال آنها به روستاها برنامه‌هائی تهیه شد. با آغاز جنگ در سپتامبر ۱۹۳۹، بسیاری از این برنامه‌ها به اجرا گذاشته شد. در زمان حمله آلمان به کشورهای اسکاندیناوی، بلژیک، هلند و فرانسه در آوریل و مه ۱۹۴۰، بسیاری از این استحکامات برای نخستین بار آزمایش می‌شدند و هنوز میزان استحکام آنها معلوم نبود.



دستگاه هشدار قابل حمل ◄

زنگوله‌های چوبی، که در اصل برای ترساندن و دور ساختن پرنده‌ها از مزارع کشت غله طراحی شده بودند، بین نیروهای احتیاط هوابرد بریتانیا (ARP) توزیع شدند. این دستگاه‌ها که برای اعلان خطر حمله شیمیائی طراحی شده بودند، هنگام خطر صدای بلندی ایجاد می‌کردند و برای هشدار به مردم برای رفتن به پناهگاه‌های مناسب و ضد بمب بود.



◄ پاسداری از پشت جبهه

در سال‌های آخر جنگ، مردان آلمانی بین سنین ۱۶ تا ۶۰ سال که قبلاً در ارتش نبودند برای شرکت در گارد مردمی (Volkssturm) به خدمت فراخوانده شدند. مانند گارد مردمی بریتانیا که در مه ۱۹۴۰ ایجاد شد، آنها یونیفورم‌های اندکی در اختیار داشتند و آموزش کمی دیده بودند، بنابراین مجبور بودند با هر سلاحی که در اختیارشان قرار داده می‌شد به دفاع بپردازند.



نیروها و تسلیحات با استفاده از قطار زیرزمینی به جبهه منتقل می‌شدند.

دفاع فرانسه

نام استحکامات دفاعی اصلی فرانسه، خط ماژینو بود. ظاهراً پنج سال طول کشید تا این خط ساخته شده و سرتاسر مرز خاوری فرانسه با آلمان، یعنی از لوکزامبورگ در شمال تا سوئیس در جنوب، امتداد یابد. این خط دارای دفاع ضد تانک، پناهگاه‌هایی برای توپخانه برای مصون ماندن از بمباران هوایی، سنگرهای مستحکم و بسیاری تجهیزات دیگر بود که توسط راه آهن زیرزمینی به یکدیگر مرتبط می‌شدند.

ماسکهای ضد گاز

در بریتانیا ماسک ضدگاز در اختیار همگان قرار داده شده بود. اما در آلمان تنها افرادی که در معرض خطر شدید بودند مانند کودکان، گردانهای هوابرد و مقامات حزب نازی چنین ماسک‌هایی در اختیار داشتند. از آنجا که هیچ یک از دو طرف از بمباران شیمیائی استفاده نکرد، این ماسک‌ها نیز عملاً مورد استفاده قرار نگرفتند.



ماسک ضد گاز آلمانی

فیلتر گاز



نارنجک ساخته شده از بطری شیشه ای



پوکه خمپاره

سلاحهای پیشرفته

گارد مردمی بریتانیا سلاحهای اندکی در اختیار داشت و اغلب ناچار بود کارکرد این سلاح‌ها را بهبود بخشد. آنها از قوطی‌های فلزی برای ساخت خمپاره و از بطری برای ساخت بمب‌های بنزینی و نارنجک استفاده می‌کردند. گارد مردمی سازمان داوطلبانه‌ای بود که برای حفاظت از تاسیسات حیاتی مهم ایجاد شده بود و مراقب هرگونه حرکت نفوذی دشمن بود.



خاموشی‌های شبانه ◄

در پوستر آلمانی فوق نوشته شده «دشمن چراغ‌های شما را می‌بیند، آن را خاموش کنید» در این پوستر از مردم خواسته شده تمامی چراغ‌های خود را در شب خاموش نگاه دارند وگرنه بمب افکن‌های دشمن قادر می‌شوند شهر آنها را پیدا کنند. از هنگام آغاز جنگ، خاموشی‌های سراسری در آلمان و بریتانیا اجباری شدند.

کارت جیره بندی غیر نظامیان آلمانی

◄ سهمیه بندی منابع

از آغاز جنگ، مواد غذائی و بنزین در آلمان جیره بندی شد. برای بسیاری از آلمانی‌های فقیر، توزیع مواد غذائی یارانه‌ای توسط دولت به معنی رژیم غذائی متنوع و سالم تری نسبت به قبل از جنگ برای آنها بود. تنها در سال ۱۹۴۳ و با نزدیک شدن شکست ارتش نازی، در جیره بندی، غذای کمتری پخش می‌شد و زندگی سخت و دشوار شد.



حفاظت بالونی ◄

بالون‌های دفاعی عظیم بادکنکی از بیشتر شهرهای کوچک و بزرگ بریتانیا در مقابل حملات هوائی حفاظت می‌کردند. این بالون‌ها قبل از حمله بالا برده می‌شدند و شبکه‌ای از کابلهای فلزی زیر آنها شکل می‌گرفت. بمب افکن‌های دشمن ناچار بودند برای جلوگیری از برخورد با این کابلها در ارتفاع بالاتری پرواز کنند که این باعث کاهش دقت آنها می‌شد.



◄ پناهگاه‌های حمله هوائی

اکثر ساکنان شهرهای بزرگ بریتانیا که دارای باغ بودند برای حفاظت در برابر حملات هوائی، پناهگاهی موسوم به اندرسون ایجاد کردند. اندرسون، تونل آهنین کرکره‌ای بود که بعد از کندن زمین به عنوان سقف استفاده شده و روی آن با خاک پوشانده می‌شد. در فوریه ۱۹۴۱، پناهگاه‌های موسوم به موریسون (قفس‌های آهنینی که برای استفاده در داخل منزل تهیه می‌شد) در اختیار افرادی قرار گرفت که صاحب باغ نبودند.



۴۸-مین دریائی بریتانیائی

دفاع ساحلی ◄

در سواحل جنوب بریتانیا و شمال فرانسه، مین‌هائی برای مقابله با حملات احتمالی کار گذاشته شد. مین‌ها برای وارد آوردن حداکثر خسارت به هر گونه نیروی متجاوز طراحی شده بودند.

حمله برق آسا

«بلیتز کریگ» واژه‌ای آلمانی به معنی حمله برق آسا است، که به عنوان استراتژی نظامی برای رسیدن به حداکثر پیروزی درکمترین زمان ممکن، توسط آلمانها طی جنگ جهانی دوم به کار گرفته شد. نیروهای زرهی باسرعت بسیار در پیشاپیش نیروها حرکت کرده و حرکت توپخانه سرعت کمی داشت و معمولاً در عقب، برای درهم شکستن هرگونه مقاومتی، مواضع دشمن را گلوله باران می‌کردند. آنها بدین ترتیب راه خود را به درون سرزمین دشمن می‌گشودند. سرعت و وحشیگری این گونه حملات به حدی بود که اغلب، دشمن غافلگیر می‌شد.

هنگامی که حملات برق آسا، خاک لهستان را در سال ۱۹۳۹ درنوردید، بریتانیا و فرانسه به آلمان اعلان جنگ دادند. از مه تا ژوئن ۱۹۴۰ قدرت آلمان در اورپای شرقی نسبت به فرانسه و کشورهای هلند، بلژیک و لوکزامبورگ برتری داشت. ولی در اروپای غربی آلمانها نسبت به نیروهای مشترک بریتانیا، فرانسه و بلژیک، تانکها و نفرات کمتری داشتند. ولی در عرصه نیروی هوائی از برتری برخوردار بودند. برنامه ریزی زیرکانه، حملات سریع و قدرت آتش متمرکز تا ژوئن ۱۹۴۰ آلمان را در جبهه غرب به پیروزی رسانید.



وزیر خارجه آلمان یواخیم فون ریبنتروپ

رهبر شوروی، ژوزف استالین

وزیر خارجه روسیه ویاچسلاو مولوتوف

پیمان عدم تجاوز آلمان و شوروی

در ۲۳ اوت ۱۹۳۹، وزیران خارجه روسیه و آلمان در مسکو پیمان عدم تجاوز امضا کردند. این پیمان به آلمان اجازه داد بدون ترس از تهاجم شوروی، به لهستان و اروپای غربی تجاوز کند. آنها بار دیگر در ۲۸ سپتامبر برای تقسیم لهستان بین دو کشور با یکدیگر دیدار کردند.



پیشرفت موتورسیکلت

آلمان‌ها با استفاده از سایدکار، واحدهای پانتزر خود را مکانیزه کردند که برای حرکت سریع در خاک دشمن مناسب بود. پیشروی سریع آنها قبل از رسیدن ارتش اصلی، اغلب دشمنان را شگفت زده می‌کرد و موفقیت‌های قابل توجهی به بار می‌آورد.

روزنامه انگلیسی آغاز جنگ جهانی دوم را اعلام می‌کند



ZAM-BUK

Daily Herald

WAR DECLARED BY BRITAIN AND FRANCE

The Fleet Moves Into Position

POLES SMASH WAY INTO E. PRUSSIA

London Hears Its First Raid Warning

WAR CABINET OF NINE



بمب افکن‌های شیرجه ای ▲

یونکرهای یو ۸۷ (اشتوکا) یا بمب افکن‌های شیرجه ای، هواپیماهای اصلی بودند که در حملات برق آسا مورد استفاده آلمان قرار گرفتند. اشتوکا مجهز به سوت بود که وقتی هواپیما تقریباً به صورت عمودی برای افکندن بمب بر سر مردم وحشت زده در آسمان شیرجه می‌زد، صدائی شبیه به جیغ زدن از خود ساطع می کرد و بدین سان روحیه مردم را درهم می‌شکست.

اعلام جنگ ▲

بریتانیا و فرانسه در سراسر جهان دارای مستعمراتی بودند و اعلام جنگ بریتانیا و فرانسه علیه آلمان در ۳ سپتامبر ۱۹۳۹ بدان معنی بود که امپراطوری‌های وسیع آنها در فراسوی دریاها نیز وارد جنگ خواهند شد. اما اکثر کشورهای اروپائی از جمله ایرلند، سوئیس، اسپانیا و پرتغال همراه با ایالات متحده امریکا، بی طرف ماندند.

حمله پانتزر ▼

نقش اصلی در حملات برق آسا که بلیتزکریگ نام داشت با واحدهای تانک و حمایت بمب افکن‌های هوائی بود که موقعیت مناسبی برای پیش روی تانک ها فراهم می کردند. پیشرفت این تانک ها در تخریب مواضع دشمن به قدری سریع و کارآمد بود که این واحدها، که به پانتزر مشهور بودند، اغلب مجبور می شدند کمی از سرعت پیشروی خود کم کنند تا واحدهای توپخانه از راه برسند.



سلاح‌های پرتابی

توپخانه آلمان‌ها هنگام پیشرفت در خاک دشمن از نارنجک‌های دستی و چوگانی استفاده می‌کرد. نارنجک‌ها برای قتل نیروهای دشمن و پاکسازی ساختمانها از نیروهای کمین کرده استفاده می‌شدند.

نارنجک دستی

نارنجک چوگانی



تسخیر فرانسه

ویرانی‌های ایجاد شده در شمال فرانسه بعد از بمباران یا در جریان حمله برق آسای آلمان در این تصویر، قابل مشاهد است. این گونه ویرانی‌ها که در عرض شش هفته رخ داد به فروپاشی فرانسه و شکست ارتش این کشور منجر شد.



نارنجک چوگانی برای پرتاب سریع به سوی دشمن به چکمه سرباز آلمانی بسته می‌شد.

درنوردیدن کشورهای بنلوکس

در مه ۱۹۴۰، نیروهای تا بن دندان مسلح آلمان به کشورهای بلژیک، هلند و لوکزامبورگ سرازیر شدند. هلند بخش اعظم خاک خود را با شکستن سدها به زیر سیلاب فرو برد تا از پیشرفت سریع دشمن جلوگیری کند اما نیروهای آنان هماورد ارتش آلمان نبودند و درنتیجه پس از ۴ روز تسلیم گشتند. خیلی زود بلژیک و لوکزامبورگ نیز تسلیم شدند.

اشغال

در اروپا، مردم به شکل‌های مختلف به زندگی تحت اشغال آلمان واکنش نشان می‌دادند. برخی به نیروی مقاومت (جنبشی که مخفیانه سعی می‌کرد برنامه‌های آلمان را بر هم بزند) پیوستند یا از همکاری با اشغالگران خودداری ورزیدند. برخی دیگر به همکاری فعال با آلمانها مشغول شدند و آنها را به عنوان مدافعان خود در برابر کمونیسم گرامی داشتند. اما برای اکثر مردم، گزینه‌های زیادی وجود نداشت و منفعلانه وضعیت موجود را پذیرفتند. در فرانسه و نروژ، دولتها به صورت جدی با آلمان همکاری کردند. نام رهبر طرفدار آلمان در نروژ، ویدکون کیسلینگ در زبان مردم عادی واژه‌ای معادل کلمه خائن بود. اما رهبرانِ پیش از جنگ لهستان، چکسلواکی، نروژ، هلند، لوکزامبورگ، یونان و یوگسلاوی همه به لندن گریختند. آنها در آنجا دولت‌های در تبعید ایجاد کردند. شاه لئوپلد بلژیک زندانی شد. پادشاه دانمارک، کریستین دهم، و دولت او در دانمارک باقی ماند و کمابیش به همکاری با آلمان پرداخت. قدرت واقعی همیشه در اختیار اشغالگران آلمانی بود.



نشان لژیون داوطلبان فرانسوی (LVF)

برادران مسلح

لژیون داوطلبان فرانسوی (LVF) سازمان شدیداً ضد کمونیستی بود. LVF داوطلبان را به جنگ در کنار آلمانها در جبهه شرقی علیه شوروی تحریک می‌نمود.



بعد از در دست گرفتن کنترل پاریس، هیتلر نه روز از این شهر دیدار نمود

هیتلر در پاریس

نیروهای آلمانی در ۱۴ ژوئن ۱۹۴۰ پس از نبردی که کمتر از یک ماه به درازا انجامید، وارد شهر بی دفاع پاریس شدند. بعداً دو میلیون شهروند موفق به فرار از شهر گردیدند. اما همین که شوک ناشی از اشغال تمام شد، همچون قبل از جنگ زندگی عادی با وجود اختلاط افسران آلمانی با افراد محلی از سر گرفته شد.



گیرنده بی‌سیم دست ساز که خانواده‌ای دانمارکی
طی دوران اشغال از آن استفاده می‌کرد.

صلیب انگلیسی سنت جرج

رادیوی سری ◄

خانواده‌ای دانمارکی برای گوش کردن به فرستنده‌های رادیویی کشورهای دیگر، این رادیو را در جعبه‌ای پنهان کرده بودند. برنامه‌های اکثر این رادیوها شامل اخبار کلی جنگ، پیام‌هائی از خانواده سلطنتی در تبعید دانمارک و پیام‌های رمزی به عوامل سری در مناطق تحت اشغال می‌شد. داشتن رادیو در بسیاری از کشورهای تحت اشغال ممنوع بود ولی این باعث رویگردانی مردم از رادیو یا استفاده مخفیانه از آن نشد.

موی یک زن خائن فرانسوی چیده می‌شود.



همدستی با آلمان‌ها ▲

در سراسر دوران اشغال، بسیاری از افراد به همدستی جدی با آلمان‌ها روی آوردند. برخی به همسایگان خود که حامی جنبش مقاومت بودند، خیانت کردند برخی دیگر به آلمانها اطلاعات می‌دادند. تعدادی از زنان حتی با افسران آلمانی ازدواج کردند. با آزاد شدن کشورها، برخی از افراد محلی با ضرب و شتم و حتی اعدام خائنان یا با تراشیدن موی سر زنان خیانتکار به انتقامجوئی دست زدند.

تامزین، کوچکترین قایق غیر نظامی که طی
عملیات دینامو عرض کانال را پیمود.

پلاک یقه با علامت تبر دو سر
دولت ویشی



◄ نمادهای جدید

در دوران حکومت دولت ویشی، بسیاری از نمادهای جمهوری فرانسه جای خود را به نمادهای دولت ویشی دادند. تبر دوسر و رایج تر از همه، تمثال‌های مارشال پتن، از این دسته نمادها بودند.



عملیات دینامو

بین ۲۶ مه و ۴ ژوئن ۱۹۴۰، ۳۳۸۲۲۶ سرباز از سواحل دونکرک فرانسه طی عملیات دینامو تخلیه شدند. با حرکت ارتش آلمان از شمال فرانسه به سوی کانال انگلیس، آلمانها ارتش بریتانیا و بخش اعظم ارتش فرانسه را به دام انداختند. ناوگانی از کشتی‌های بریتانیائی، فرانسوی، دانمارکی و بلژیکی در عرض کانال برای نجات سربازان به عقب و جلو حرکت می‌کردند. تمامی تجهیزات به غنیمت آلمان‌ها درآمد. نبرد فرانسه شکست بزرگی برای ارتش انگلیس بود ولی تخلیه موفقیت آمیز سربازان در زمانی خطرناک، کمک موثری به افزایش روحیه نمود.



فرانسه ویشی

رهبر فرانسوی، مارشال پتن، در ۲۱ ژوئن ۱۹۴۰ با آلمان به آتش بس رسید. فرانسه ناچار بود اشغال شمال و غرب فرانسه توسط آلمان را بپذیرد. پتن ریاست دولتی دست نشانده (ظاهراً مستقل ولی عملا تحت کنترل آلمان) واقع در شهر ویشی در جنوب فرانسه را عهده دار شد. دولت ویشی با آلمان‌ها همکاری کرد، یهودیان را اخراج و نیازهای حیاتی ارتش آلمان را تامین نمود. در نوامبر ۱۹۴۲، آلمان‌ها اشغال را ادامه دادند و سرانجام این دولت در اوت ۱۹۴۴ فروپاشید.



نجات غریق

با تنها ۱۴ فوت (۴/۴ متر) طول، تامزین کوچکترین قایقی بود که در عملیات دینامو (بنگرید به بالا) شرکت کرد. این یکی از حدود ۹۰۰ قایقی بود که شامل مین روبها، کشتی‌های جنگی و قایقهای تفریحی خصوصی و قایق‌های ماهیگیری می‌شد و برای کمک به سربازان به دام افتاده در محاصره آلمان‌ها رفته بودند. تامزین پیش از بازگشت به انگلیس توسط یک قایق ماهیگیری بلژیکی مردان بسیاری را از ساحل به آبهای عمیق تر منتقل کرد.

مقاومت

در ابتدا، واکنش مردم اروپا به تجاوز و اشغال میهن شان، ناهماهنگ و ناموثر بود. مقاومت مسلحانه به شکل پراکنده انجام می‌شد و به عهده افراد از جان گذشته‌ای نهاده شد که زندگی خود را برای کمک به فرار عوامل متفقین یا دادن سرپناه به افراد تحت تعقیب به خطر می‌انداختند. رفته رفته، گروه‌های سازمان یافته شروع به شکل گیری کردند که از سوی بریتانیا حمایت تسلیحاتی و اطلاعاتی می‌شدند، البته گروه‌های کمونیست نیز در اروپای شرقی بعد از سال ۱۹۴۱ کمک‌هائی از سوی شوروی دریافت می‌کردند. خشن تر شدن آلمان‌ها، استفاده آنها از کار و محاصره مخالفان، اسلاوها و دیگر مردمانی که آنها را «شبه انسان» تلقی می‌کردند، باعث شد مقاومت درسراسر قاره اروپا گسترش یابد. قبل از ان که در ۴۵-۱۹۴۴ آزادی از راه برسد، گروه‌های پارتیزانی در کنار نیروهای تهاجمی بریتانیا، امریکا و روسیه می‌جنگیدند.



جاسوسی علیه دشمن ◄

مقاومت دانمارکی‌ها علیه اشغال آلمان به موازات بدتر شدن اوضاع، گسترش یافت. در سال ۱۹۴۳ جنبشی بزرگ برای جاسوسی به نفع بریتانیا و به راه انداختن اعتصابات و اعمال خرابکارانه شروع گردید.



رنگ آزادی ◄

گروه‌های مقاومت دانمارکی در اروپا بسیار موثر بودند. اعضا از افراد تحت تعقیب حمایت و برای آنها جان پناه تهیه کرده و کمک‌های ارزشمندی در اختیار خلبانان متفقین و نیروهای هوابرد قرار می‌دادند.



نیروهای فرانسه آزاد ▲

هنگامی که فرانسه به دست آلمانها افتاد، ژنرال شارل دوگل به لندن گریخت. او در ۱۸ ژوئن ۱۹۴۰ برای پیوستن مردم به جنبش «جنگ برای فرانسه آزاد» درخواست کمک فرستاد.



نشان دادن حمایت ▲

گروه‌های مقاومت اغلب، بازوبندهای تشخیص هویت مانند بازوبند فوق که متعلق به ارتش میهنی لهستان است، می‌بستند. این گروه در سال ۱۹۴۲ برای پیکار با ارتش اشغالگر آلمان به وجود آمد و این مبارزات در اوت ۱۹۴۴ به شورش ورشو منجر شد ولی آلمانها آن را در هم کوبیدند.

اشغال ایران

در سپتامبر ۱۹۴۰ (شهریور ۱۳۲۰شمسی) نیروهای سه کشور انگلیس، شوروی و امریکا به کشور بی‌طرف ایران حلمه کردند. ایران در آن زمان تحت حاکمیت رضاشاه بود. رضاشاه از سیاست‌های هیتلر طرفداری می کرد و از دخالت سه کشور نام برده در ایران می‌هراسید، ولی با توجه به پیشرفت آلمانها در خاک شوروی ترجیح داد منتظر نتیجه جنگ باقی بماند تا در صورت موفقیت هیتلر به نفع آلمان وارد جنگ شود. دولت‌های شوروی، انگلیس و امریکا ابتدا به دولت رضاشاه اخطار دادند تا کارشناسان آلمانی را از ایران اخراج کند. ولی با بی‌توجهی وی به اخطار این سه کشور، به ایران حلمه کردند. امریکا و انگلیس از راه ایران به شوروی کمک رساندند تا در جنگ با لمان پیروز شود. بعد از جنگ به خاطر اهمیت ایران برای ارسال نیرو و تجهیزات به شوروی و شکست آلمان، ایران پل پیروزی نام گرفت.



تمبرهای مقاومت، در زیر چشم چپ، پف کردگی بزرگتری داشتند

تمبر ساختگی



تمبر اصلی

علامتی برای شناسایی

برقراری ارتباط از طریق پست برای گروه های مقاومت مخاطره آمیز و خطرناک بود. نیرو های آلمانی باکنترل و بازبینی نامه ها و تغییر متن آنها، توانسته بودند به اطلاعات سری نیروهای مقاومت دسترسی پیدا کرده و از این طریق تعداد زیادی از اعضاء آن را شناسایی، دستگیر و به قتل برسانند.مبارزان فرانسوی برای اطمینان از واقعی بودن نامه های ارسالی شان، از تمبرهای مخصوص که تفاوت اندکی با تمبرهای اصلی داشت و توسط سازمان اطلاعاتی انگلستان چاپ شده بود استفاده می کردند تا با تغییر تمبر توسط نیروهای آلمانی به جعلی بدون آن پی ببرند.



کارت سهمیه بندی، گواهینامه رانندگی و برگه جعلی فرانسه

کارت هویتی جعلی یو - تامس؛ او ناچار بود امضای دقیق فرانسوا تیرللی را تقلید کند.

زندگی مخفیانه

ماموران مخفی از کارت هویتی جدیدی که براساس اسناد تقلبی تهیه شده بود، استفاده می‌کردند. مامور انگلیسی، فورست فردریک ادوارد یوتامس (۶۴-۱۹۰۱)، معروف به «خرگوش سفید» در سه ماموریت با مقاومت فرانسه همکاری کرد. او خود را به عنوان فرانسوا تیرللی جا زد در حالی که تیرللی در الجزایر زاده شده بود. در سال ۱۹۴۴ آلمان‌ها او را دسگیر کرده و توسط گشتاپو مورد شکنجه قرار دادند. اما وی جان سالم به در برد و از خطر اعدام رهایی یافت.



تفنگ‌های دست ساز جنبش مقاومت

تفنگ نیمه خودکار انگلیسی به نام استن، تفنگی سبک و ساده بود. تولید آسان و ارزان این تفنگ امکان پذیر بود و گروه‌های مقاومت در اروپای تحت اشغال از آن الگوبرداری کرده هر یک نمونه خاص خود را تولید کردند. در تصویر رو به رو تفنگ ۹ میلیمتری مارک تواین را می‌بینید که ساخته اعضای گروه مقاومت دانمارک بود.



حمله از پشت بوته‌ها

فرمانده یک گروه مقاومت فرانسوی به نام ماکیز، قبل از حمله برای جنگجویان توضیحاتی ارائه می‌کند. به مجرد ورود ارتش آلمان در مه ۱۹۴۰ به خاک فرانسه، مقاومت فرانسویان در برابر اشغال آغاز شد ولی عمدتاً ناموثر بود. در سال ۱۹۴۱، تعداد اندکی از گروه‌های سازمان یافته مقاومت، دست به انجام عملیات می‌زدند، آنها معروف به ماکه بودند که اصطلاح کورسیکانی معادل بوته یا خرچنگ است، زیرا آنها در زیر بوته‌ها پنهان شده سپس برای جنگ علیه متجاوزان به بیرون می‌پریدند.

پنهان در آستین

نیروهای فرانسه آزاد در یقه یا بالای آستین خود، برای حمله به اسیرکنندگان خود و فرار از دست آنها، چاقوهای کوچکی پنهان می‌کردند. این چاقوها موثر بوده و اغلب به فرار آنها از دست دشمن منجر می‌شد. نشان فرانسه آزاد – صلیب لورن – را می‌توان روی غلاف چاقو مشاهده کرد.


غلاف به بازوبندی متصل است که زیر لباس بسته می‌شود.



بیوه دلیر

ویولت سزابو (۴۵-۱۹۲۱) در لندن پیش از پیوستن به اجرای عملیات ویژه (SOE)، عطر می‌فروخت. پس از کشته شدن شوهرش به گروه نظامی فرانسه آزاد پیوست. سزابو دوبار برای کمک به گروه مقاومت به فرانسه نفوذ کرد. وی دستگیر و در اردوگاه کار اجباری درگذشت.



شاه کریستین دهم ◄

هنگامی که آلمانها در ۹ آوریل ۱۹۴۰ به دانمارک حمله کردند، شاه کریستین دهم (۱۹۴۹-۱۸۷۰) برخلاف پادشاهان اکثر کشورهای تحت اشغال، بر تخت سلطنت باقی ماند. دولت دانمارک تا حد ممکن از همکاری با آلمان اجتناب کرد و حتی به اکثر ۸۰۰۰ جمعیت یهودی خود یاری رساند تا به کشور بی طرف سوئد بگریزند.



صدا خفه کن بیشتر صدای شلیک گلوله را از بین می‌برد.



◄ سلاح‌های بی صدا

این هفت تیر ۹ میلیمتری براتا، توسط ماموران سازمان ایتالیائی دی ویجیلاتزا اپرسیونه دل آنتی فاشیسمو (OVRA) مورد استفاده قرار می گرفت. این گروه برای سرکوب مخالفان فاشیسم ایتالیا ایجاد شده بود که با گروه‌های مقاومت فعال در منطقه آلپ فرانسه و منطقه بالکان می جنگیدند.

پارتیزان های تیتو ▼

موفق ترین گروه مقاومت اروپائی، پارتیزان های یوگسلاو بودند که در تصویر در حال آموزش نظامی دیده می‌شوند. رهبر حزب کمونیست، تیتو (۱۹۸۹-۱۸۹۲) این ارتش را سازماندهی کرد که اعضای آن به ۱۵۰۰۰۰ نفر رسید. در سال ۱۹۴۴ پارتیزان ها در کنار نیروی ارتش سرخ ابتدا پایتخت و سپس کل کشور را از اشغالگران آلمانی‌ها باز پس گرفتند.

در ارتش آلمان

خدمات مسلح آلمان نام نیروهای نظامی این کشور بود که نیروی جنگی واحدی را تشکیل نمی‌داد، بلکه از مجموعه سازمان های مختلفی شکل گرفته بود که هر یک جداگانه به هیتلر در مقام فرمانده کل قوا گزارش می‌داد. ورماخت ارتش اصلی بود و کاملاً از شوتستافل (SS) که در اصل بادی گارد هیتلر بود، متفاوت بود. بسیاری از اعضای پلیس مخفی (گشتاپو) از مقامات SS بودند. لشگرهای زرهی (پانتزر)، ناوگان دریائی (کرایکسمارین) و نیروی هوائی (لوفتوافه) نیز نیروهای جداگانه‌ای بودند، نیروهای ذخیره، شبه نظامیان متعدد، و پیراهن قهوه‌ای‌ها نیروهای نظامی جداگانه‌ای محسوب می‌شدند. یونیفورم‌ها و آرم‌ها نقش مهمی در ایجاد هویت و وجهه‌ای قوی برای سربازان داشتند و نیروهای جوان و وفادار را به خود جلب می‌کرد. خدمات مسلح آلمان بسیار مجهز و در مواردی بسیار سازمان یافته بود و تا اواخر سال ۱۹۴۲ بسیاری آن را شکست ناپذیر می‌پنداشتند.



سلاح‌های سنگین

نیروهای زرهی آلمان متعلق به ارتش زرهی (پانتزر) بودند. پانتزر واژه آلمانی معادل زره است یکی از ۲۵۰۰ تانکی بود که در سال ۱۹۴۰ به فرانسه وارد شد؛ ۱۰ لشگر زرهی به فرانسه تجاوز کردند.



علامت پرافتخار

این علامت عقاب نقره‌ای بر زمینه سیاه نشان ملی بود که وافن – اس اس یا لشگر پیاده اس اس نصب می‌کرد. وافن – اس اس در اوج خود در ۳-۱۹۴۲ دارای ۳۹ لشگر با بیش از ۹۰۰۰۰۰ سرباز بود.







لباس کشتار

اعضای نیروهای زرهی SS ژاکت‌های کوتاه چسبان سیاه به نام پانتزر ژاکت به تن می‌کردند که برای شرایط داخل تانک کاملاً مناسب بود. کلاه صحرائی آنها با نشان ملی آلمان، علامت SS و کله اسکلت، تزئین شده بود.





هراس انگیز پنهان

یکی از پرکاربردترین سلاح‌های ضد تانک ارتش آلمان Pak۳۸ نام داشت. این تنها سلاحی بود که قادر بود تانک‌های T۳۴ شوروی را که بسیار مستحکم و شکست ناپذیر تصور می‌شدند، نابود سازد. برد آن ۲۷۵۰ متر بود و لوله کوچکش اجازه می‌داد سربازان بتوانند آن را از چشم دشمن پنهان نگاه دارند.





◄ نمادهای خدمت نظامی

نشان ملی جدید هیتلر - صلیب شکسته در چنگال عقاب - به تمامی یونیفورم‌های نظامی استاندارد آلمان اضافه شد. اما او اکثر نمادهای سنتی مانند درجه‌های نظامی ارتش آلمان را حفظ کرد. قیطان به رنگ‌های مختلف، نشان دهنده شاخه نظامی بود: رنگ زرشکی برای ستاد کل، رنگ سفید برای پیاده نظام و رنگ قرمز برای توپخانه.





پیراهن قهوه ای‌ها ◄

سربازانی که در لشگر طوفان (SA) خدمت می‌کردند به دلیل نوع یونیفورم شان به پیراهن قهوه ای‌ها معروف بودند. این نیرو در سال ۱۹۲۱ برای حفاظت از سخنرانهای حزب نازی در نشست‌های عمومی تشکیل شد و شمار آنها به بیش از ۵۰۰ هزار تن رسید. اما به دنبال نبرد قدرتی که بین SA و ارتش روی داد، در ژوئن ۱۹۳۴ اختیارات آنها به شدت کاهش یافت.





بازو بند اس اس ▲

اعضای شوتستافل (اس اس)، مخوف ترین سازمان در آلمان نازی، این نوع بازوبندها را به بازو می‌بستند. اس اس که به خشونت و وحشیگری معروف بود، مسئول اداره اردوگاه‌های کار اجباری نیز بود.



خمپاره شش لول به صورت پی در پی، دو به دو، شلیک می‌کرد.

نی نی غرغرو

مه افکن یا به آلمانی نبلورفر، نام سلاحی بود که می‌توانست موشک‌های ۳۲ کیلوئی را تا برد ۶۹۰۰ متری پرتاب کند. با شلیک آن به هوا، به دلیل خروج شعله درخشان ۱۲ متری از دهانه لوله، شناسائی مکان استقرارش به راحتی امکان پذیر بود. انگلیسی‌ها به دلیل صدائی که به هنگام شلیک از آن برمی خاست، این پرتابگر را نی نی غرغرومی‌نامیدند.



لباس ویژه

اس اس‌ها که در تصویر در حال سلام نظامی دیده می‌شوند در اصل توسط هیتلر و به عنوان بادی گارد او به وجود آمدند. رئیس آن، هاینریش هیملر، اس اس‌ها را به نیروی امنیتی جداگانه‌ای در دولت نازی تبدیل کرد. اس اس‌ها که کت‌های قهوه‌ای و کلاه‌های دارای علامت مرگ به تن می کردند، مسئول بسیاری از بدترین جنایت‌های نازیها به شمار می‌روند.



در خط مقدم

یک پیاده نظام ارتش آلمان در مقابل مزرعه‌ای در حال سوختن در روسیه ایستاده است. او یکی از ۱۲/۵ میلیون سربازی بود که طی زمان جنگ، در ارتش آلمان خدمت می‌کردند. پیاده نظام نقش مهمی بازی می‌کرد، آنها قبل از عقب نشینی برای دفاع از برلین، در تمامی مسیرهای منتهی به حومه مسکو در حال نبرد بودند.

نبرد بریتانیا

با سقوط فرانسه در ژوئن ۱۹۴۰، هیتلر امیدوار بود بریتانیا آماده صلح و سازش با وی گردد. اما بریتانیا به رهبری وینستون چرچیل چنین قصدی نداشت. بنابراین، هیتلر تصمیم به انجام حمله دریائی عظیمی به بریتانیا، به نام عملیات شیر دریائی از طریق کانال انگلیس گرفت. برای انجام این کار، نیروی هوائی آلمان (لوفتوافه) مجبور بود نیروی هوائی شاهنشاهی بریتانیا (راف) را شکست دهد. نخستین حمله به فرودگاه‌های بریتانیا در ۱۰ ژوئیه ۱۹۴۰ آغاز شد. امواجی از بمب افکن‌های موسوم به دورنیر آلمان که جنگنده‌های مسراشمیت آنها را اسکورت می کردند، جنوب شرقی بریتانیا را درنوردیدند. در مقابل، هوریکان ها و آتشبارهای انگلیسی در آسمان به پرواز درآمدند. روز به روز جنگ هوائی سخت تر می‌شد. راف به تدریج در اکتبر ۱۹۴۰ کنترل را به دست گرفت و آلمان عملیات خود را متوقف کرد.


هشت مسلسل براونینگ در لبه جلوئی بالها قرار داشتند.

آتشبارهای هوائی

در آغاز جنگ، مدرن ترین سلاح نیروی هوائی انگلیس، هواپیمای آتشبار ام کاو ان ای نام داشت. این سلاح قادر بود با سرعت ۳۶۲ ام پی اچ حرکت کند و در ارتفاعات بالاتر سرعتش سریع تر هم بود و قدرت مانوری بیش تری از رقیب آلمانی خود یعنی مسراشمیت بی اف ۱۰۹ ئی، داشت.

دو خلبان راف (RAF) در سمت چپ مشغول بررسی نقشه‌ای همراه با خلبانهای لهستانی دیده می‌شوند.



نیروی هوائی بین المللی

راف (RAF)، خلبانانی از سراسر جهان از جمله لهستان، چکسلواکی و فرانسوی داشت که از کشورهای تحت اشغال آلمان گریخته بودند. همچنین کانادائی‌ها و نیوزیلندی‌ها و هفت امریکائی در این نیرو فعالیت می‌کردند. البته در این زمان هنوز امریکا وارد جنگ نشده بود. خلبانان جدید قبل از اعزام به صحنه جنگ، حداکثر ده ساعت آموزش می‌دیدند.



نیروی هوائی گورینگ

رئیس لوفتوافه، رایش مارشال هرمن گورینگ، به همراه افسران خود نبرد بریتانیا را از ساحل فرانسه تماشا می‌کرد. گورینگ عقیده داشت لوفتوافه قادر است دفاع هوائی جنوب شرقی انگلستان را در عرض ۴ روز و RAF را در عرض چهار هفته نابود سازد. وی امیدوار بود آلمان بدین سان بتواند بریتانیا را تسخیر کند، اما لوفتوافه در رسیدن به این هدف، شکست خورد.



شناسائی دشمن

رادار برای موفقیت RAF بسیار مهم بود زیرا باعث شناسائی هواپیماهای در حال حملهٔ دشمن می‌گردید. سیستم‌های رادار از دکل‌های ۹۰ متری برای ارسال امواج رادیوئی استفاده می‌کردند. امواج به هواپیماهای دشمن برخورد می‌کرد و پژواک آن توسط رادارها دریافت می‌گردید. این به خلبانها هشدار می‌داد برای ادامه نبرد به هوا بلند شوند.



دوربین‌ها قادر بودند در تمام جهات برای مشاهده هواپیما های آلمان بچرخند.

گاهبانی

خدمه زمینی از دوربین‌های قوی و دقیقی برای مشاهده هواپیماهای دشمن استفاده می‌کردند. لوفتوافه در جبهه مرزی آلمان از این دوربین‌ها استفاده می‌کرد. هر دو طرف از رادار برای شناسائی از راه دور استفاده می‌کردند. در جنگ‌های هوائی رودررو، خلبان‌های جنگی مجبور بودند همیشه مراقب حرکات هواپیماهای دشمن باشند.


مسراشمیت بی اف ۱۰۹ ئی

هرگز جنگ‌های تاریخ بشر تا این اندازه مدیون شمار اندکی از افراد نبوده است.


دو بالچه در دم هواپیما

مسراشمیت ▲

دو نوع مسراشمیت بدنه اصلی نیروی جنگنده لوفتوافه را تشکیل می‌داد. BF۱۱۰C جنگنده اسکورتی برای بمب افکن‌های دوربرد بود. اما این جنگنده کند و استفاده از آن دشوار بود و نمی‌توانست با هوریکان ها و اسپیتفایرهای انگلیسی رقابت کند. همتای سریع تر BF۱۱۰C جنگنده‌ای به نام BF۱۰۹E بود که از هوریکان ها برتر بود ولی برد ۶۶۰ کیلومتری آن باعث می‌شد اثربخشی آن کاهش یابد.



جنگ RAF و لوفتوافه برای به دست گرفتن کنترل آلمان‌ها، به جنگ سگ‌ها معروف بود زیرا نبرد رودررو و نزدیک بین جنگنده‌های هوائی در گرفت. این گونه جنگ‌ها که در عکس رو به رو در فیلم نبرد بریتانیا به تصویر کشیده شده اغلب مستلزم شجاعت و دلاوری بسیار زیاد جوانان یعنی خلبانان کم تجربه و خسته بود.

بمباران‌ها

در جنگ، صدائی وحشتناک تر از صدای آمدن بمب افکن‌های دشمن وجود نداشت. آنها حامل مواد منفجره قوی و بمب‌های آتش زا بودند که بر سر خانه‌ها فرو افتاده شهرها را نابود می‌ساختند. هر دو طرف عقیده داشتند که نابودی تاسیسات استراتژیک مانند پالایشگاه‌های نفت، کارخانجات و خطوط آهن، ماشین جنگی دشمن را فلج خواهد ساخت. همچنین هر دو طرف امیدوار بودند که بمباران اهداف غیر نظامی روحیه جنگی را نابود و باعث تسلیم طرف مقابل خواهد شد. انگلستان از سال ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۱ حملات هوائی آلمان به نام بلیتز را به اهداف غیرنظامی تحمل کرد ولی در نهایت اهداف غیر نظامی آلمان را از سال ۱۹۴۲ و ژاپن را از سال ۱۹۴۴ مورد بمباران‌های هوایی خود قرار داد. هزاران غیر نظامی کشته شدند، ساختمان‌ها ویران شد و بناهای باستانی تخریب شدند.



دو بازمانده از حمله هوائی آلمان، که خانه شان ویران شده از یک پناهگاه برای حفظ جان شان استفاده می‌کنند.

جان سالم پس از حمله هوائی

طی حملات هوائی، برخی افراد در پناهگاه‌های زیرزمینی مخفی می‌شدند و برخی دیگر از زیرزمین منزل خود یا از پناهگاه‌های موقتی در خانه‌های خود استفاده می‌کردند. بمباران سنگین شهرهای اروپا، ژاپن و چین ویران کننده بود. با این حال بسیاری توانستند جان سالم به در ببرند.



خدمات آتش نشانی انگلیس



آتش نشان‌های لندنی سرگرم فرونشاندن آتش در یک انبار، در سال ۱۹۴۱، هستند.

آتش نشانی

اکثر خسارتهای بمب‌ها ناشی از آتشی بود که پس از انفجار برافروخته می‌شد. آتش نشان‌ها برای به کنترل درآوردن شعله‌ها جان خود را به خطر می‌انداختند. همچنین وظیفه آنها اطمینان یافتن از این بود که کسی در ساختمان‌های در حال سوختن به دام نیفتاده باشد.

V۲ ۱۴ متر طول و یک تن وزن داشت و در ارتفاع ۸۰ کیلومتری پرواز می‌کرد.

قدرت بمب

در پایان جنگ، آلمان مخفی‌ترین و مرگبارترین سلاح‌های خود را به کار گرفت. بمب‌های پرنده V۱ و موشک‌های V۲ (V به معنی انتقام) از این جمله بودند. هر دو بمب حامل کلاهک‌های ۲۲۰۰ ال بی (با قدرت یک تن) بوده و می‌توانستند خسارات سنگینی وارد سازند. اما بسیاری از V۱ها در آسمان منفجر می‌شدند یا به اهداف خود اصابت نمی‌کردند زیرا هدف گیری دقیق برای آنها دشوار بود.

بمب‌های آتشین

هزاران بمب آتش زا طی جنگ روی شهرهای انگلستان و آلمان افکنده شد. این بمب‌ها دارای ترکیبات شیمیائی آتش زا مانند منیزیوم یا فسفر بودند و برای به آتش کشیدن ساختمان‌ها و ایجاد شعله‌های عظیم طراحی شده بودند.

بمب آتش زای منیزیوم



بمباران مداوم

بمب افکن‌های سنگین، همچون این دژهای پرنده امریکائی، حامل بمب‌های ۵۸۰۰ کیلوگرمی بودند. این قدرت آتش، بمب افکن‌ها را قادر می‌ساخت خسارات سنگینی به تاسیسات نظامی و البته به مردم غیر نظامی وارد آورند.

خیابانی در لندن پس از شب بمباران طی عملیات بلیتز.

مسئولان دفاع هوائی و غیر نظامیان مشغول جستجوی بازماندگان حمله هوائی در بین خرابه ساختمانها هستند.





مسلسل عقبی یک بمب افکن هینکل

مسلسل بمب افکن‌ها

تنها سلاح دفاعی که یک بمب افکن با خود حمل می‌کرد، مسلسل‌های قوی بود. یک بمب افکن در هوا و هنگام پرواز آرام به دلیل حمل بمب‌های سنگین، هدف آسانی برای هواپیماهای جنگی یا پدافند ضد هوائی بر روی زمین به شمار می‌رفت. در بعضی اوقات، بمب افکن‌ها همراه با اسکورت جنگنده‌های کوچک و سریع به پرواز درمی آمدند تا از هر گونه حمله‌ای درامان باشند.



مدال جنگی

لوفتوافه (نیروی هوائی) آلمان براساس امتیاز، به سربازان خود نشان شجاعت می‌داد. فرو افکندن یک هواپیمای دشمن چهار امتیاز ارزش داشت. چهار هواپیما یا ۱۶ امتیاز برای دریافت این نشان لازم بود.



دفاع از خلبان

مسلسل جی یک بمب افکن، شغل بسیار خطرناکی به شمار می‌رفت. مسلسل جی‌ها برای برخوردار شدن از دید کامل از تمامی نقاط آسمان در برجک بدون حفاظ هواپیما می‌نشستند یا می‌ایستادند تا بتوانند هواپیمای دشمن را مورد هدف قرار دهند.



بمباران درسدن

بمباران شهر آلمانی درسدن در فوریه ۱۹۴۵ توسط نیروی هوائی متفقین یکی از بحث انگیزترین وقایع جنگ جهانی دوم بود. بمب‌ها باعث ایجاد طوفانی از آتش شدند که تمامی ساختمان‌ها را ویران و ۳۰ تا ۶۰ هزار غیر نظامی را به کام مرگ فرستاد. به دلیل وجود اهداف نظامی اندک در این شهر، بسیاری این حمله علیه غیرنظامیان بی دفاع را به عنوان جنایت جنگی تلقی کرده و آن را محکوم کردند.

حمله برق آسا (بلیتز)

بین سپتامبر ۱۹۴۰ و مه ۱۹۴۱، آلمان کوشید با بمباران شهرهای بزرگ انگلستان این کشور را وادار به تسلیم کند. آلمان ۱۲۷ حمله تمام عیار شبانه به انجام رساند. هفتاد و یک مورد از این حملات علیه لندن و مابقی علیه شهرهائی مثل لیورپول، گلاسکو و بلفاست بود. بیش از ۶۰ هزار نفر غیر نظامی کشته و دو میلیون خانه در حملات برق آسا معروف به بلیتز نابود شدند.



جنگ تمام عیار

تا میانه سال ۱۹۴۱، آتش جنگ تنها در اروپا و شمال افریقا شعله ور بود. در یک طرف دولتهای محور، شامل آلمان، ایتالیا و برخی کشورهای اروپای شرقی قرار داشتند و در طرف مقابل دولتهای متحد شامل بریتانیا، فرانسه و امپراطوری‌های وسیع آنها صف آرائی کرده بودند. پس از سقوط فرانسه در ژوئن ۱۹۴۰، بریتانیا در مقابل دولتهای محور تنها ماند. این وضعیت هنگامی تغییر کرد که آلمان به روسیه، و ژاپن به امریکا در پرل هاربر و بریتانیا در مالایا حمله کردند. در این هنگام جنگ مقیاس جهانی به خود گرفت. تنها امریکای جنوبی عملاً درگیر جنگ نشد. نبردها از آتلانتیک شمالی تا اقیانوس آرام و از صحراهای افریقا تا علفزارهای یخ زده (استیپ) روسیه و تا جنگل‌های آسیای جنوب شرقی گسترش یافتند.



◄ اروپای تحت اشغال

در نوامبر ۱۹۴۲، آلمان و ایتالیا خاک اکثر کشورهای اروپایی را اشغال کرده بودند. و تنها بریتانیا و روسیه علیه آنها می‌جنگیدند. در شمال افریقا، دولت‌های متحد، مراکش و الجزایر را اشغال و مشغول بیرون راندن آلمان‌ها از مصر به سوی لیبی بودند. این نقشه تسلط و کنترل دولت‌های محور در اروپا را نشان می‌دهد.

- دولت‌های محور
- نواحی تحت کنترل دولت‌های محور
- دولت‌های متحد
- نواحی تحت کنترل متفقین
- کشورهای بی طرف
- مرز نواحی تحت اشغال آلمان



◄ جنگ به خاطر فرانسه

هنگامی که آلمان به فرانسه تجاوز کرد، ژنرال شارل دوگل به بریتانیا رفت و پرچم فرانسه را برافراشت. ابتدا، حمایت از وی محدود بود. سرانجام وی گروه بزرگی از نیروهای فرانسوی را در دریا و نیز نیروی مقاومت این کشور را در داخل خاک فرانسه فرماندهی کرد.

واحدهای پانتزر آلمانی از یک دهکده کوچک روسی گذر می‌کنند، غیر نظامیان در حال فرار به سوی آنها مواد آتش زا پرتاب می‌کردند.



به درون روسیه

در ۲۲ ژوئن ۱۹۴۱، آلمان‌ها حمله‌ای برق آسا را علیه روسیه آغاز کردند. این حمله نقض پیمان عدم تجاوز بین شوروی و آلمان نازی بود که براساس آن هر دو طرف توافق کرده بودند علیه یکدیگر وارد جنگ نشوند. تجاوز به عملیات بارباروسا معروف شد و روسیه را در کنار بریتانیا وارد جنگ ساخت.

نخست وزیر بریتانیا وینستون چرچیل (۱۹۶۵-۱۸۷۴)

رئیس جمهور امریکا فرانکلین روزولت (۱۹۴۵-۱۸۸۲)

رهبر شوروی ژوزف استالین (۱۹۵۳-۱۸۷۹)



سه رهبر بزرگ

رهبران بریتانیا، روسیه و امریکا در این جا در کنفرانس یالتا در کریمه، جزیره‌ای متعلق به روسیه، در فوریه ۱۹۴۵ دیده می‌شوند. این سه تن دوبار در طول جنگ برای تصمیم گیری پیرامون استراتژی‌های همکاری نظامی با یکدیگر دیدار کردند.

ایتالیای موسولینی



موسولینی (راست) ایتالیا را در ژوئن ۱۹۴۰ به نفع آلمان وارد جنگ ساخت. در این زمان، ایتالیا به بریتانیا و فرانسه اعلان جنگ داد و به جنوب فرانسه تجاوز کرد. در اکتبر ۱۹۴۱، ایتالیا به یونان حمله و سال ۱۹۴۱ یوگسلاوی را با آلمان تقسیم کرد. اگر چه نیروهای ایتالیایی در اکثر جبهه‌ها از جمله در روسیه در کنار آلمان‌ها نبرد می‌کردند ولی همیشه ایتالیا در دولت‌های محور شریکی فرودست بود.



کنترل ژاپن

تا اوایل سال ۱۹۴۲، ژاپن کل آسیای جنوب شرقی و اکثر بخش‌های اقیانوس آرام را تحت اشغال درآورده بود. پیروزی ناوگان آمریکا در می‌دوی، در ژوئن ۱۹۴۲، پیشرفت ژاپن را متوقف کرد.

تصویر ژنرال هیدکی توجو روی جلد مجله زمان جنگ ژاپن



ژنرال توجو

هیدکی توجو (۱۹۴۸-۱۸۸۴) حزب طرفدار جنگ را در ژاپن از سال ۱۹۳۱ رهبری می‌کرد و با آلمان و ایتالیا روابط نزدیکی داشت. وی در اکتبر ۱۹۴۱ به نخست وزیری رسید. در دوران زمامداری وی، ژاپن به امریکا و مستعمرات بریتانیا در آسیا حمله کرد و امپراطوری ژاپن را در آسیای جنوب شرقی و اقیانوس آرام تشکیل داد. وی در سال ۱۹۴۸ به جرم ارتکاب جنایات جنگی محاکمه و اعدام شد.

یک کشتی طی بمباران ژاپن منفجر می‌شود.

حمله به پرل هاربر

در ۷ دسامبر ۱۹۴۱، ژاپن حمله‌ای غافلگیرانه به پایگاه نظامی پرل هاربر امریکا واقع در هاوایی انجام داد. نوزده کشتی نابود و ۲۴۰۳ ملوان کشته شدند. رئیس جمهور ایالات متحده امریکا از این واقعه به عنوان «ننگی که در تاریخ باقی خواهد ماند» یاد کرد. کنگره فورا به ژاپن و آلمان اعلان جنگ داد.

پرل هاربر زیر حملات ژاپن

سرزمین دشمن

در سراسر جنگ، مردان و زنان بسیاری با ورود به کشورهای تحت اشغال دشمن، زندگی خود را فدا کردند. آنها به قصد جاسوسی در مورد نیروهای متجاوز، همکاری با نیروهای مقاومت و انجام اقدامات خرابکارانه و نابودی برنامه‌های دشمن، به این کشورها می‌رفتند. انگلیسی‌ها، اداره عملیات ویژه (SOE) و امریکائی‌ها، اداره خدمات استراتژیک (OSS) را برای تربیت و آموزش عملیات پنهانی در عمق خاک دشمن به وجود آوردند. تکنسین‌ها به شدت مشغول طراحی راه‌های بهتری جهت پنهان سازی گیرنده‌ها، نقشه‌ها و دیگر تجهیزات لازم برای ماموریت‌های موفقیت آمیز بودند. البته همه ماموران موفق نبودند و بسیاری از اعضای SOE کشته یا به اسارت درآمده شکنجه شده و به اردوگاه‌های کار اجباری اعزام شدند. عده کمی که جان سالم به در بردند بعد از سالها از اعمال شگفت انگیز خود سخن گفتند.



قرص خودکشی

ماموران مخفی انگلیسی با خود قرص‌هایی به معنی مرگبار حمل می‌کردند. در صورتی که عوامل دشمن جاسوسی را دستگیر می‌کردند او قرص را فرو می‌داد. قرص در عرض پنج دقیقه وی را از پای درمی آورد که زمان اندکی برای انجام اقدامات درمانی و نجات جان او به حساب می‌آمد. ماموران قرص‌ها را در جاهای مختلفی مثل قاب گردنبند، انگشتری و دیگر جواهرات شخصی خود پنهان می‌کردند.



تهدید با قلم سمی

در این قلم، سوزنی تعبیه شده بود که آن را تبدیل به تفنگ می‌ساخت و از جمله سلاح‌های مبتکرانه‌ای بود که انگلیسی‌ها برای ماموران مخفی خود طراحی کرده بودند. ماموران با عقب کشیدن کلاهک و آزاد شدن سوزن تیر یک گرامافون، که در این قلم جاسازی شده بود، به سوی دشمن شلیک می‌کردند. این سلاح مرگبار نبود. اما همه تصور می‌کردند سوزنها سمی است و باعث قتل می‌شود. اما بعدا معلوم شد ماموران مخفی سمی بودن این سوزن‌ها را به عنوان یک شایعه پخش کرده اند.



◄ سرگذشت مخاطره آمیز

در سال ۱۹۴۲ سازمان اطلاعاتی انگلستان، یکی از ماموران فرانسوی تبار خود بنام سانسوم را برای کمک به واحد های نظامی ارتش سری فرانسه به شمال آن کشور اعزام کرد. رابط او در انجا شخصی به نام پیتر چارلی بود.آنها در سال ۱۹۴۳ هنگام انجام یک عملیات جاسوسی توسط نیروهای آلمانی دستگیر شده و به اردوگاه کار اجباری اعزام شدند. بعد از پایان جنگ و آزادی اسراء این دو با هم ازدواج کردند.



◄ ستایش یک جاسوس

در جنگ جهانی دوم، همگان ریچارد سورج (۱۹۸۵-۱۹۴۴) را یک نازی متعصب می‌دانستند. او در مدتی که مشاور سیاسی سفیر آلمان بود، اطلاعات سری آلمان را به دشمنان روسی آنها اطلاع می‌داد. تمبرهای شوروی، سورج را درمقام یک قهرمان نشان می‌داد.



نقشه‌های پنهان در چپق ▲

این چپق از بیرون کاملاً معمولی به نظر می‌رسید ولی در واقع حاوی اسرار پنهانی بود. لوله‌هائی در جام چپق قرار داده شده بود تا نقشه‌ها یا پیغام‌هائی در آن پنهان شوند، شخص جاسوس می‌توانست چپق دود کند. بدون اینکه آسیبی به نقشه‌ها و پیغام‌ها برسد. در لوله چپق نیز یک قطب نمای کوچک جاسازی شده بود.



قلم مرگ بار ▲

این دو اسلحه که با ظاهری شبیه مداد درست شده‌اند، در نبرد نزدیک استفاده می‌شدند. مداد خنجر مانند، شامل یک تیغ به شکل صلیب است، و مداد نوکی، یک تیر با روکش کُرم شلیک می کند. مأموران عملیات اجرایی ویژهٔ بریتانیا از این نوع سلاح، برای دست یابی برتری جزئی بر دشمن استفاده می‌کردند تا بدین طریق بتوانند سلاح‌های قدرتمندتری را از چنگ آنها بیرون بیاورند.

بندها این تخته کفش‌های لاستیکی را به چکمه ماموران محکم می‌کردند.

SOE به ماموران مخفی خود دستور می‌داد هنگام قدم گذاشتن بر ساحل، تخته کفش‌های لاستیکی شبیه به کف پا را به چکمه‌های خود ببندند. جاپاهای ایجاد شده باعث می‌شد جای چکمه‌ها مخفی باقی بملند. این حیله باعث می‌شد ژاپنی‌ها به غلط تصور کنند این جاپاها متعلق به افراد محلی است که با پای برهنه روی ماسه‌ها قدم می‌زده‌اند، به این ترتیب توجه آنها از ماموران مخفی دور می‌گشت.

تنظیم کننده موج



جلد همراه با برچسبهائی به زبان انگلیسی

بی سیم‌های جیبی ▲

ابور، نام سازمان اطلاعات آلمان بود که بی سیم‌های جیبی کوچکی در اختیار ماموران خود می‌گذاشت. ماموران می‌توانستند هنگام انجام عملیات به ارسال و دریافت پیغام‌های مورس با این وسیله دست بزنند. تمامی برچسب‌ها به زبان انگلیسی بود تا در صورت به اسارت درآمدن ماموران، دشمن گمراه شود.



پاشنه‌های حاوی پیام‌های سری ◄

قسمت‌های داخلی پاشنه لاستیکی چکمه‌ها، مکان مناسبی برای مخفی کردن پیغام‌ها، نقشه‌ها و دیگر اوراق چاپی بود. در طول جنگ، هر دو طرف از این ترفند ساده، استفاده زیادی بردند. اما بعد از گذشت مدتی، اولین جائی که بازجویان دشمن هنگام استنطاق از جاسوسان دستگیر شده، مورد بازرسی قرار می‌دادند، همین پاشنه‌ها بود.

پیغام مخفی شده در پاشنه



فرود مرگبار با چتر

هر عملیاتی که SOE انجام می‌داد با موفقیت توام نمی‌شد. مادلین دامرمنت همراه با دو مامور دیگر در فوریه ۱۹۴۴ به وسیله چتر در فرانسه اشغالی فرود آمد. او هنگام فرود دستگیر شد. پس از بازجوئی به اردوگاه کار اجباری داخو اعزام شد و همان جا اعدام گردید. بسیاری از ماموران SOE به سرنوشت مشابهی دچار شدند.

کبریت خارجی



این جعبه کبریت، ظاهری شبیه به یک کبریت فرانسوی دارد ولی ساخت بریتانیا برای ماموران SOE بود. مامورانی که از خارج به منطقه تحت تسلط دشمن نفوذ می‌کردند، نباید اشیائی غیر معمول با خود حمل کنند تا هویت واقعی آنها افشا شود. همه وسایل شخصی آنها باید شبیه وسایل مورد استفاده در محلی می‌شد که قرار بود در آنجا عملیات صورت گیرد. بنابراین تصاویر خاص اشیاء محلی روی آنها چاپ می‌گردید.



کلیدها برای ایجاد علامت مورس استفاده می‌شدند

دوربین کبریتی

شرکت کداک در امریکا اقدام به ساخت دوربین‌های کوچک کبریتی برای ماموران اطلاعاتی انگلیس کرد تا آنها بتوانند بدون جلب توجه دشمن عکسبرداری کنند. برچسب روی دوربین کبریتی، بر اساس کشوری که قرار بود در آنجا مورد استفاده قرار گیرد، قابل تغییر بود.



قسمت بالائی کارت باید کنده می‌شد تا کل نقشه معلوم شود.

کارت

در این کارت‌های بازی، قسمتی از یک نقشه فرار، پنهان شده است. نقشه به دو قسمت تقسیم شده است. برای متصل کردن این دو بخش به یکدیگر، اسیران فراری مجبور بودند قسمت بالای کارتها را خیسانده و دو بخش را به یکدیگر بچسبانند. سپس می‌توانستند راه فرار به سوی میهن را شناسایی کنند.

پیغام‌های ارسال شده از چمدان

هر دو طرف جنگ از بی سیم‌های جاسازی شده در چمدان برای ارسال و دریافت پیغام‌ها از داخل خاک دشمن استفاده می‌کردند. بیشتر بی سیم‌های امریکائی در چمدان‌هائی مخفی می‌شد که پناهندگان اروپائی به شهر امریکائی نیویورک، با خود آورده بودند. آمریکایی‌های نمی‌خواستند آلمان‌ها به چمدان‌ها شک کنند. پیغام‌ها با استفاده از علامت مورس یعنی مجموعه‌ای از صداها ارسال و دریافت می‌شد.



اسیران جنگی

با اوجگیری و شدت یافتن جنگ، میلیونها سرباز به اسارت نیروهای دشمن درآمده یا تسلیم شدند. در نخستین فصل سال ۱۹۴۱ یعنی زمان حمله آلمان به روسیهٔ فاقد متحد، بیش از دو میلیون سرباز ارتش سرخ به اسارت درآمدند. برای اکثر این اسیران روزهای جنگ به اتمام رسیده بود و آنها مجبور بودند ماه‌ها اگر نگوئیم سالهائی از عمر خود را در اردوگاه‌های ویژه زندانیان جنگی به سر برند. موافقت نامه‌های بین المللی مانند کنوانسیون ۱۹۲۹ ژنو، به معنی تضمین رفتار خوب با اسیران جنگی بودند. ولی برخی از کشورها به این موافقت نامه‌ها احترام نمی گذاشتند. اسیران جنگی در اردوگاه‌های آلمان به شدت رنج می کشیدند زیرا جیره غذائی آنها در آخرین ماه‌های جنگ، قطع گردیده بود. بسیاری از اسیران شیوه‌های مبتکرانه‌ای برای فرار طراحی کردند ولی اندکی از آنها به موفقیت رسیدند و گاه مجازات‌های سختی علیه کسانی که دستگیر می‌شدند، اعمال می‌شد.



علامتگذاری اسیران

تمامی اسیران جنگی مجبور بودند این گونه علامت‌های شناسائی را همیشه به گردن خود بیاویزند. این دو علامت از اردوگاه‌های افلاک XVILA و اشتالاک VI/A آلمان به دست آمده اند.



پول اردوگاه‌ها

اسیران کشورهای متحد در اردوگاه‌های آلمان در ازای کاری که انجام می‌دادند، پول ویژه اردوگاه (به نام لاگرگلد) به عنوان حقوق دریافت می‌کردند. از این پول مانند اسکناس می‌شد در خرید ریش تراش، صابون، خمیر دندان و گاه جیره غذایی بیشتر از غذاخوری اردوگاه، استفاده کرد.


تیغه اره‌ای کوچک

تیغه سگک

برخی از اسیران موفق شدند با ابزار ساده‌ای از اسارت بگریزند. تیغه‌ای که در سگک یک کمربند پنهان شده بود می‌توانست به یک اسیر کمک کند در صورت به بند کشیده شدن، بندهای خود را ببرد.



اسیران لهستانی روی بخاری‌های دست ساز داخل کلبه‌های خود در یک اردوگاه اسیران آلمان غذای قاچاقی خود را می‌پزند.

زندگی در اسارت

کنوانسیون ژنو، موافقت نامه‌ای بین المللی در مورد حقوق اسیران بود. در این موافقت نامه اعلام شده بود که اسیران باید از لباس کافی، غذا و رفتار مناسب مانند رفتاری که با نگهبانان آنها می‌شود، برخوردار بوده و اجازه داشته باشند اموال خود را حفظ و براساس مذهب خود رفتار کنند و از مراقبت و درمان پزشکی برخوردار شوند. این کنوانسیون همیشه رعایت نمی‌شد و بسیاری از اسیران در شرایط اسف باری نگاهداری می‌شدند.



سوزن قطب نما

قطب نمای دکمه ای

قطب نمای کوچک ولی خوبی در داخل یک دکمه مخفی گردیده است. یک فراری به محض فرار، از آن برای جهت یابی مسیر خود در داخل خاک دشمن به سوی کشورش استفاده می‌کرد.



میخ نگه دارنده تیغه روی پاشنه

تیغه‌های قابل چرخش

وسایل هوشمند

تیغه‌های مخصوص فرار که به شکل سکه های پول بود به پاشنه فلزی کفش‌های سربازان با میخ نصب و گاهی این تیغه‌ها به دو طرف سکه‌ها محکم می‌شدند. با این تصور که اگر به اسیران اجازه داده شود پول خردشان را نگه دارند هنگام فرار از آن تیغه‌ها استفاده کنند. نگهبانان معمولا اسکناس‌های زندانیان و اسیران را مصادره می‌کردند.

فرار به صورت پرواز



ساختن این هواپیمای بدون موتور در اتاق زیر شیروانی پادگان کولدیتز آلمان، یکی از چندین برنامه مبتکرانه فراریان بود. کولدیتز، اردوگاه تنبیهی برای افسران متفقین بود که سعی کرده بودند از اردوگاه‌های دارای ایمنی کمتر فرار کنند. از ۱۵۰۰ اسیری که آنجا نگاهداری می‌شدند، ۱۷۶ تن سعی کردند فرار کنند ولی تنها ۳۱ نفر موفق شدند.

مردان دارای ماموریت


اره و رنده دست ساز (زیر)

زندانیان در کولدتیز و دیگر اردوگاه‌ها از تمامی مواد موجود در اردوگاه‌ها برای فرار کمک می‌گرفتند. این ابزار ابتدائی از چوب تختخواب و تکه‌های فلز ساخته شده است که در کولدیتز، برای ساختن هواپیمای بدون موتور مورد استفاده قرار گرفت.

چکمه فرار


کفش بریده شده

چکمه پرواز

خلبانان نیروی هوائی سلطنتی انگلستان از نوعی چکمه هوانوردی استفاده می‌کردند که به راحتی قابل بریده شدن و تبدیل به کفش معمولی بود. به همین دلیل آنها برای این کار همیشه یک چاقو در جیب مخفی لباس شان داشتند. این فکر، هوانوردان را قادر می‌ساخت هنگام فرود اجباری و یا سقوط هواپیمای شان در خاک دشمن، برای جلوگیری از خطر دستگیری، خود را به عنوان غیر نظامی جا بزنند.


بسته غذائی صلیب سرخ

هدیه‌های کمیاب

براساس کنوانسیون ژنو، اسیران اجازه داشتند نامه دریافت کرده یا از غذا، لباس و کتابهائی که خانواده آنها ارسال می‌کردند، بهره مند شوند. صلیب سرخ که در یکی از شهرهای کشور بی طرف سوئیس به نام ژنو فعالیت می‌کرد، این عملیات را سازماندهی می‌نمود. ورود این مرسولات برای اسیران به شدت هیجان انگیز بود، زیرا بدین سان آنها با خانواده‌هایشان در تماس بودند و هدیه‌های خوراکی دریافت می‌کردند.

کروکودیل‌های اردوگاه



کنسروهای موادغذایی که در اردوگاه موجود نبود.

این آلمانی‌ها در ژوئن ۱۹۴۴ در نرماندی به اسارت متفقین درآمدند. آنها از طریق کانال انگلیس وارد انگلستان شدند و سپس در یک صف به سوی اردوگاهی در آن نزدیکی پیاده روی کردند. اسیران جنگی معمولا صدها مایل را برای رسیدن به اردوگاه می‌پیمودند. ایتالیائی‌های دستگیر شده در آفریقای شمالی به استرالیا، افریقای جنوبی و هندوستان برده می‌شدند. حدود ۵۰۰۰۰ نفر از ایتالیایی‌ها به ایالات متحده فرستاده شدند.



زندگی در کنار دشمن

پس از اعلان صلح، همه اسیران بلافاصله به میهن خود بازنگشتند. بعضی از آنها توانستند با افراد محلی روابط صمیمانه برقرار کنند. گاهی احساسات عاشقانه بین آنها به وجود می‌آمد. لودویک مایر (دومی از سمت راست)، معمار آلمانی زندانی در اسکاتلند در سال ۱۹۴۷ با زنی انگلیسی به نام لوسی توپر ازدواج کرد. او ناچار شد یک سال دیگر تا آزاد شدنش صبر کند.



خوشحال از زنده ماندن

در آوریل ۱۹۴۵، ۹۰۰۰ اسیر شوروی به دست نیروهای آمریکا از اردوگاه ۳۲۶ آلمان به نام اشتالاگ (زیر) آزاد شدند. متاسفانه ۳۰۰۰۰ اسیر قبلاً در آن جا تلف شده بودند. نگهبانان آلمانی با اسیران شوروی رفتار بسیار خشنی داشتند. آنها مجبور می‌شدند از جبهه شرقی آلمان هفته‌ها برای رسیدن به اردوگاه‌های آلمان پیاده روی کنند. با ورود به اردوگاه جیره غذایی ناچیزی به آنها داده می‌شد.

رمزگشایان

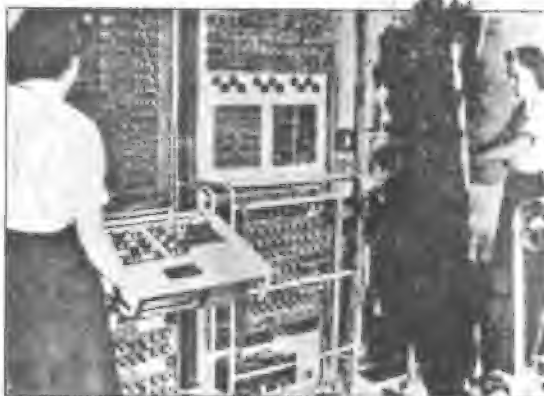
یک رمز، جایگزین کلمات، حروف، شماره‌ها یا نمادهای موجود در یک پیغام می‌شود. صفر شکلی از رمز است که به حروف یا شماره‌های یک پیغام افزوده می‌شود یا جایگزین آنها می‌گردد تا پیغام برای همگان مفهوم نباشد. هم متفقین هم دولت‌های محور از رمز و صفر در طول جنگ استفاده گسترده‌ای بردند. پیام‌های دستگاه‌های رمزی ژاپن به نام مخمل و آلمان به اسم معما، با موفقیت رمزگشائی شد.

کارشناسان رمز در آمریکا و اروپا ابتدا پیام‌های ژاپنی و سپس آلمانی را رمز گشایی کردند. از این طریق اطلاعات نظامی و دیپلماتیک ارزشمندی در اختیار متفقین قرار گرفت و برتری چشمگیری به آنها در برابر دشمن بخشید.



آلن تورن

ریاضی دان آلن تورن (۵۴-۱۹۱۲) از جمله افراد ارزشمندی بود که در طول جنگ برای اداره اطلاعات انگلیس کار و فعالیت می‌کرد. او در رمزگشایی انیگمای آلمان نقش محوری بازی کرد و فعالیت او روی نظریه کامپیوتر و هوش مصنوعی در سال‌های بعد به توسعه کامپیوترهای مدرن منجر شد.



کامپیوترهای اولیه

دانش پژوهان در مرکز رمزگشائی انگلستان یعنی پارک بلچلی، ماشینی به نام «بامبی» را برای رمزگشایی اولین پیام انیگمای آلمان، به وجود آوردند. بامبی می‌توانست هرگونه ترکیب حروف در دستگاه رمز آلمانی‌ها را کشف کند. با پیچیده تر شدن انیگما، انگلیسی‌ها کلوسوس یعنی طلایه دار کامپیوترهای الکترونیکی مدرن را پدید آوردند.



صفر انیگما

ماشین آلمانی انیگما اولین ماشینی بود که در سال ۱۹۲۳ برای رمزگذاری اسرار و مکاتبات تجاری به کار گرفته شد. بعدها این ماشین توسعه داده شد و به دستگاه رمزگذاری اصلی در زمینه‌های دیپلماتیک و نظامی تبدیل گردید که در طی جنگ جهانی دوم مورد استفاده قرار گرفت. انیگما هر نامه‌ای را جداگانه رمزگذاری می‌کرد. این کار از طریق مجموعه‌ای از حروف الفبائی چرخان انجام می‌گرفت که روی یک سیلندر با فواصل از قبل تعیین شده قرار داشتند و به مجموعه‌ای از فیش‌های واقع در پشت دستگاه متصل بودند. تنظیمات دستگاه هر روز تغییر می‌کرد و میلیونها ترکیب احتمالی از حروف را به وجود می‌آورد.

حلقه سری

اشیاء معمولی مانند این حلقه در طول جنگ برای مخفی کردن میکرودات استفاده می‌شد. میکرودات عکس بسیار کوچکی از یک پیغام رمزی است که تنها با میکروسکوپ قابل خواندن است. برای گشودن رمز میکروداتها، باید آنها به اندازه واقعی بزرگنمائی شوند.




بوریس هاگلین، دستگاه تبدیل کننده خود به نام M-۲۰۹ را نشان می‌دهد.

تبدیل سازی

در دهه ۱۹۳۰، کارشناس رمز سوئیسی به نام بوریس هاگلین دستگاه تبدیل ساز M-۲۰۹ را اختراع نمود. این اصلی ترین دستگاه رمز بود که طی جنگ مورد استفاده ارتش امریکا قرار گرفت. بیش از ۱۴۰۰۰۰ عدد از این نوع دستگاه برای نیروهای امریکائی تولید شد.


یان فلمینگ، نویسنده رمان جاسوسی جیمزباند.

از واقعیت تا افسانه

بعضی از افرادی که در طول جنگ مشغول رمزگشایی و کسب اطلاعات بودند بعدها تجربیات خود را به نگارش درآوردند. یکی از این افراد، یان فلمینگ (۶۴-۱۹۰۸) بود که برای اداره اطلاعات ناوگان انگلیس کار می‌کرد.



رمز مخملی

دستگاه رمز مخملی ژاپن از سوئیچ‌های صفحه کلید و تلفن برای ایجاد دستگاهی به پیچیدگی دستگاه انیگمای آلمان بهره می‌برد. سازمان اطلاعات امریکا در سپتامبر ۱۹۴۰ رمز مخملی را شکست و نسخه‌ای از این دستگاه را به وجود آورد.



رمز کرایها

کرایها در سال ۱۹۲۴ اختراع شد که از یک چرخ فنری برای درج الفبا و رمزگذاری پیغام‌ها استفاده می‌کرد. هر حرفی، در هر بار جایگزین حرفی دیگر می‌شد و در نگارش یک کلمه مورد استفاده قرار می‌گرفت و بنابراین کار رمزگشائی را دشوار می‌نمود. دیپلمات‌های آلمان طی جنگ از کرایها استفاده می‌کردند ولی نمی‌دانستند که امریکائی‌ها قبلا رمز ان را گشوده اند.

پرل هاربر پس از حمله ژاپن

اطلاعات نادیده گرفته شده

اطلاعات دیپلماتیک ارسال شده توسط دستگاه رمز مخلمی ژاپن توسط امریکا دریافت و سپس رمزگشائی می‌گردید. یک پیغام حاکی از حمله ژاپن در سال ۱۹۴۱ بود ولی روشن نبود که آیا هدف پرل هاربر در هاوائی است یا خیر و زمانی که قصد ژاپن معلوم شد دیگر خیلی دیر شده بود. با این حال در سال ۱۹۴۲ موفقیت در رمزگشائی پیغام‌ها، امریکا را قادر ساخت در نبرد سهمگین میدوی، ناوگان ژاپن را درهم بشکنند.

ورود امریکا به جنگ

پس از ضربه پرل هاربر، ایالات متحده اقتصاد خود را به ماشین جنگی عظیمی مبدل ساخت. همان گونه که پرزیدنت فرانکلین روزولت گفت، اقتصاد تبدیل به «رزادخانه دموکراسی» گردید. همه نوع سلاح لازم برای جنگ و پیروزی در هوا، زمین و دریا، در مقیاس گسترده توسط کارخانه‌های کشور تولید می‌شد. هزینه تولیدات جنگی افزایش گسترده‌ای یافت، بیکاری از بین رفت، و دستمزدها دو برابر شدند. اگرچه نظام سهمیه بندی کالا برقرار شد ولی خیلی کمتر از دیگر کشورهای درگیر جنگ ، مساله‌ای جدی به شمار می‌آمد.



رمان درقطع جیبی مربوط به نیروهای آمریکایی



تولید انبوه ◄

کارخانه‌های هواپیماسازی مانند کارخانه بوئینگ در سیاتل، نقش عمده‌ای در ساخت تسلیحات جنگی داشتند. در مجموع، کارخانجات ایالات متحده، بیش از ۲۵۰۰۰۰ هواپیما، ۹۰۰۰۰ تانک، ۳۵۰ کشتی جنگی و ۲۰۰ زیردریائی تولید کردند. در سال ۱۹۴۴ چهل درصد تسلیحات دنیا در امریکا تولید می‌شد.



مسلسل برونینگ ▲

مسلسل کالیبر ۵۰ برونینگ سلاح استانداردی بود که در بمب افکن‌های امریکا به کار گرفته شد. برای مثال بوئینگ جنگنده B-17، ۱۳ عدد از این مسلسل‌ها را با خود حمل می‌کرد. برونینگ در سایر بمب افکن‌ها نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت. این مسلسل معمولاً در حمله علیه هواپیماهای جنگنده آلمان بی رقیب بود.

نیروهای هوائی

این نشان‌های متعلق به نیروی هوائی ایالات متحده (USAAF) علامتی برای یگان های مختلف هستند. نیروی هوائی پانزدهم برای بمباران اهداف متعلق به آلمان از پایگاه‌های جنوب ایتالیا، تاسیس شد، نیروی هوائی نهم از عملیات متفقین در شمال افریقا و ایتالیا پشتیبانی می کرد. نیروهای هوائی هشتم، نهم و پانزدهم بعدا در نیروهای هوابرد استراتژیک امریکا در اروپا ادغام شدند.



نیروی هوائی پانزدهم



نیوری هوابرد استراتژیک ایالات متحده



نیروی هوائی نهم



جنگ با آتش

یک دریانورد آمریکائی که چهره اش با کرم محافظت کننده پوشانده شده، هنگام جنگی سخت در گودال کانال در اقیانوس آرام دیده می‌شود. این تصویر در سال ۱۹۴۹ گرفته شده و نشان می‌دهد که از آتش افکن چگونه استفاده می کند. آتش افکن‌ها برای آتش زدن ساختمان‌ها، نابود کردن علفزارهای خشک و فراری دادن دشمن استفاده می شدند.



لیبراتور B-۲۴

این لیبراتور B-۲۴ که راهی طولانی را از جنوب ایتالیا پیموده برای بمباران سکوهای نفتی در پلوستی، جنوب رومانی، در ارتفاع پائین در حال پرواز است. B-۲۴ بمب افکن سنگینی با برد طولانی بود که می‌توانست ماموریت‌های دور در داخل سرزمین‌های اروپائی تحت اشغال آلمان را انجام دهد.

حداکثر سرعت موستانگ ۴۳۷ Mph (۷۰۴ kph) بود

جنگنده ۹

موستانگ P-۵۱ یکی از بهترین هواپیماهای جنگی در زمان جنگ بود.
نمونه‌های اولیه ارتفاع و برد محدودی داشتند. ولی بعدا با تجهیز دوباره، بهبود عملکرد موتور و نصب مخزن‌های بزرگ‌تر سوخت آن را تکمیل کردند. قسمت عقبی بدنه هواپیما قابل جدا شدن بود و این باعث شد نمونه چهارم (P-۵۱ D) به جنگنده‌ای عالی تبدیل شود. این جنگنده برای اسکورت و دفاع از بمب افکن‌ها در ماموریتهای طولانی در خاک آلمان مورد استفاده قرار می‌گرفت.

چتر نجات فنردار



استراحت هوانوردان

استراحت مابین ماموریت ها، برای تجدید قوای هوانوردان ضروری بود. این خلبان‌های موستانگ P۵۱ بخشی از نیروی هوائی پانزدهم آمریکا مستقر در جنوب ایتالیا بودند.



کلاه محافظ که در برجک‌ها و دیگر موقعیت‌های جنگی یعنی جاهائی که کلاهخودها خیلی بزرگ بودند، مورد استفاده قرار می‌گرفت.

کلاهخود M۴ خدمه هوائی امریکا

پوشیدن ژاکت ضد هوائی

این گونه ژاکت‌ها مانند عکس بالا را خدمه هوائی امریکا برای محافظت از خودشان در برابر آتش هواپیماها به تن می‌کردند. این ژاکت‌ها در سال ۱۹۲۴ معمول شدند. در سال ۱۹۴۴، ۱۳۵۰۰ نفر در نیروی هوائی هشتم از این ژاکت‌ها استفاده می‌کردند که ماموریت آن بمباران خاک تحت اشغال المان در اروپا بود.

ژاکت یگان ضد هوائی به وزن ۲۰ ال بی (۹ کیلوگرم)

جیپ امریکائی می توانست ۳۶۰ کیلوگرم بار حمل کرده و در همان حال توپ کوچک ضد تانکی را نیز جابجا نماید.



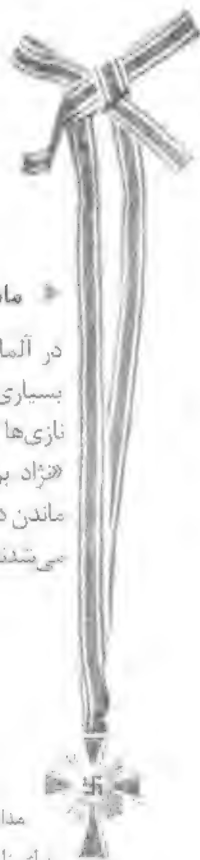
جیپ مخصوص عملیات هوابرد

ارتش آمریکا در عملیات هوابرد و ارسال نیروای چتر باز خود به پشت مواضع دشمن، به همراه نیروهای چترباز، جیپ های مخصوصی را نیز همراه آنها از هواپیما فرو می ریخت. این جیپ ها تقریبا تمامی تجهیزات مورد نیاز را به همراه داشته و چرخ های ان طوری طراحی شده بود که توانایی فرود در زمین های مختلف را داشت. آمریکائیان این جیپ را در سال ۱۹۴۰ تولید و بتدریج توسعه دادند. در آن زمان بیشتر ارتش ها آرزوی داشتن چنین جیپ هایی را داشتند.

محافظ چرخ ها، هنگام فرود از آسمان

زنان در عرصه کار و فعالیت اجتماعی

قبل از وقوع جنگ جهانی دوم، اکثر زنان هنوز در درون خانه فعالیت می‌کردند. اما به دلیل دور شدن مردان و رفتن آنها به جبهه‌های جنگ، زنان تبدیل به نیروی کار اصلی شدند. تقریباً هر وظیفه‌ای که قبلاً انجام دادن آنها به مردان محدود می‌شد اکنون بر دوش زنان وانهاده شده بود. از جمله می‌توان مشاغلی همچون رانندگی اتوبوس، اپراتوری بلندگوهای ایستگاه‌های قطار، مکانیکی و فروشندگی مغازه‌ها و عملیات مهندسی را نام برد. همچنین زنان نقش مهمی در نیروهای مقاومت بازی می‌کردند و بعضی از آنها به عملیات ویژه‌ای پیوستند که در خاک دشمن انجام می‌شد. بدون همیاری جدی زنان، ادامه جنگ و پیروزی در آن ممکن نمی‌شد. پس از جنگ، نگرش به زنان در محیط کار برای همیشه تغییر کرد.



مادران نازی

در آلمان، مادرانی که صاحب فرزندان بسیاری بودند، مدال دریافت می‌کردند. نازی‌ها از زنان آلمانی به عنوان مادران «نژاد برتر» تجلیل می‌کردند. زنان به ماندن در خانه و پرورش کودکان تشویق می‌شدند.

مدال نقره‌ای (درجه دوم) پاداش برای زایش شش تا هفت فرزند بود



سربازان جدید

در آلمان چون اعزام مردان زیادی برای جنگ ضرورت داشت، پوسترهائی برای جلب شمار بیشتری از زنان به عرصه فعالیت در پشت جبهه و صحنه نبرد چاپ شدند. این پوستر تصویر باشکوه از زندگی در مقام امدادگر لوفتوافه (نیروی هوائی آلمان) را به نمایش می‌گذارد.



تعمیر و نگهداری هواپیما ▲

کمبود خلبان‌ها و مکانیک‌های مرد بدان معنا بود که زنان باید پرواز و نگهداری از هواپیماها در طول جنگ را بیاموزند. به آن‌ها هواپیماهای جدیدی از سوی کارخانجات تحویل داده شد و آنها نقش عمده‌ای در سرویس و آماده سازی هواپیماها در بین ماموریت‌ها بازی کردند.

◄ دختران کشاورز

یکی از کمک‌های مهم زنان در عملیات پشت جبهه، به عهده گرفتن اداره مزارع و تامین غذاهای بسیار ضروری برای سربازان بود. در بریتانیا ارتش زنان کشاورز حدود ۷۷۰۰۰ نفر را برای انجام امور کشاورزی مانند شخم زنی و برداشت محصول استخدام نمود.





دوزندگان چتر ▲

خیاطان زن ساعت‌های متمادی کار می‌کردند تا نیاز مداوم به چتر را تامین کنند. نیروهای مسلح به هزاران چتر نیاز داشتند. سربازان و خلبانان پرواز در صورتی که مجبور به خروج از هواپیما می‌شدند و همچنین نیروهای هوابرد برای فرود از آسمان به عرصه نبرد، نیازمند چتر بودند.



نگهبانی شبانه

بسیاری از زنان، اپراتور نورافکن‌هائی بودند که جنگنده‌های مهاجم را ردیابی می‌کردند. به محض تشخیص موقعیت هواپیماهای دشمن توسط زنان، پدافند ضد هوائی برای نابودی آنها هدف‌گیری کرده و مانع از ریختن بمب‌های مرگبارشان می‌شد. اگرچه برخی از زنان وظیفه اماده سازی توپهای ضد هوائی را بر عهده داشتند ولی عملاً اجازه شلیک به آنها داده نمی‌شد. زنان غیر از همکاری با نیروهای یگان ضد هوائی، به نگهبانی از خیابان‌ها و محوطه پادگان‌ها به عنوان پاسدار مشغول بودند.

۳۴۳ (A) اپراتور نورافکن خانمی است که آسمان شب را برای شناسائی بمب افکن‌های دشمن تجسس می‌کند.

کیف ماسک ضد گاز



خطر حملات شیمیائی در انگلیس آنقدر زیاد بود که همگان همیشه باید ماسک ضد گاز با خود همراه می‌داشتند. این کیف دستی زیبای زنانه، قسمتی برای مخفی کردن ماسک ضد گاز دارد. اما اکثر مردم، ماسک‌های خود را در جعبه‌های مقوائی نگهداری می‌کردند که گاهی خانم‌ها با پارچه آنها را تزئین می‌نمودند.

قسمت ماسک ضد گاز



روزی ریوتر

در امریکا شخصیت افسانه‌ای روزی ریوتر به نماد ملی فعالیت‌های جدید زنان تبدیل شد. ضروری بود زنان وارد کارخانه‌ها شده و جایگزین ۱۶ میلیون شهروند امریکائی گردند که به خدمت نظام وظیفه فراخوانده شده بودند. مشاغل جدید زنان بمب سازی، هواپیماسازی، کشتی سازی و تانک سازی و اداره خطوط آهن و دیگر خدمات اساسی بود.

«روزی ریوتر» که توسط نورمن راکول برای مراسم شامگاه شنبه، مه ۱۹۴۳ به تصویر کشیده شده است.



تبدیل ماهی تابه به هواپیما

در زمان جنگ به دلیل کمبود آهن، قلع و آلومینیوم، دولت با چاپ و پخش پوسترهایی از زنان خانه دار درخواست کرد که وسایل خانگی بدون استفاده خود را به دولت واگذار کنند. قابلمه و ماهی‌تابه‌های قدیمی ذوب می‌شدند و از انها هواپیما ساخته می‌شد. میله‌های آهنی از پارک‌ها، باغ‌ها، خودروهای قدیمی و هر نوع آهن قراضه از نقاط مختلف جمع آوری شده و برای ساخت کشتی‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت. حتی لباس‌های پشمی قدیمی شکافته می‌شد و برای بافتن جوراب و شال گردن نیروهای نظامی مورد استفاده قرار می‌گرفت.

ماهی‌تابه ساخته شده از تکه پاره‌های هواپیمای آلمانی



ماهی‌تابه

هواپیماهای ساقط شده دشمن گاهی بازیافت شده تبدیل به ماهی‌تابه و سایر اقلام خانگی مفید می‌شدند.



آموزش حمله هوائی

در هندوستان، ترس از حمله ژاپن باعث شد دولت اقدامات احتیاطی انجام دهد. این زنان در بمبئی در حال آموزش انجام اقدامات احتیاطی ضد هوائی (ARP) هستند. برخی دیگر به عنوان دستیار برای نیروهای نظامی آموزش می‌دیدند تا از سربازان مشغول جنگ در خاور دور پشتیبانی کنند.

کودکان زمان جنگ

در سراسر دنیا، کودکان تمامی کشورهای درگیر جنگ، مانند پدر و مادر، پدربزرگ و مادربزرگ‌های خود تحت تاثیر جنگ قرار گرفتند. خانه‌های انان بمباران می‌شد یا در آتش می‌سوخت، پدران آنها به جنگ فراخوانده می‌شدند و مادران شان به کار در کارخانجات یا صنایع جنگی مشغول می‌شدند. خاک بعضی از کشورهای اروپای مرکزی و آسیای شرقی اشغال شده یا صحنه نبرد سربازان با دشمنان خارجی بود. تعدادی از کودکان نیز همیشه در زیر سایه تهدید و تجاوز دشمن زندگی می‌کردند. برای یک دسته از کودکان خاص، جنگ ترسی ویژه به دنبال آورد زیرا مقامات آلمانی در پی یافتن کودکان مخالفان و فرستادن آنها به اردوگاه‌های مرگ بودند. برای بسیاری از کودکان مهم نبود که به کدام طرف جنگ تعلق دارند زیرا جنگ آنها را از آموزش و زندگی عادی و سعادتمندانه بازداشته بود.



رشد و پرورش در ژاپن

به کودکان ژاپنی در مدرسه، برتری کشور آنها و وظیفه آنها به جنگ برای امپراطور آموزش داده می‌شد. با پیشرفت جنگ، اموزش نظامی اجباری شد و تعدادی از کودکان مجبور شدند در نیروی کارگری دانش آموزی کار کنند. در سال ۱۹۴۴ بمب افکن‌های امریکا تقریباً هر روز به شهرهای بزرگ ژاپن حمله می‌کردند. درنتیجه، بیش از ۴۵۰۰۰۰ کودک از شهرهای بزرگ تخلیه شدند و در پی سرنوشتی نامعلوم از خانواده‌های شان جدا گردیدند.

سرگرمی در زمان حمله هوائی

در طول سالهای جنگ، اسباب‌بازی و سرگرمی‌های بسیاری با موضوعات گوناگون مانند بازی با این کارت‌ها ابداع می‌شدند. در طول ساعت‌های طولانی که در پناهگاه های ضد هوائی سپری می‌شد، بازی با کارت، روش همه‌پسند و سرگرمی مناسبی برای گذران اوقات مردم بود.

یک کارت بازی کودکان انگلیسی





ـسی افرادی که در مواقع اضطراری جابجا می‌شدند کارت هائی
ـ گردن خود می‌آویختند که نشان دهنده مقصد آنها بود.

بچه‌های تخلیه شده اجازه داشتند اسباب‌بازی مورد علاقه‌شان را همراه بیاورند.

این کودکان منتظر اتوبوس برای رسیدن به خانه جدیدشان در حومه شهر هستند.

تخلیه شوندگان

در سراسر جهان، جنگ بسیاری از نوباوگان را از خانواده‌های‌شان جدا کرد. در طول حملات هوائی شدید آلمان، کودکان انگلیسی برای در امان ماندن از خطرات احتمالی، به زندگی با خانواده‌هایی غیر از خانواده خودشان در روستاها و یا حتی خارج از کشور مجبور شدند. اگرچه بعضی کودکان از زندگی جدیدشان لذت می‌بردند ولی بسیاری از آنها دچار درد وحشتناک دوری از وطن می‌گردیدند.



عینک محافظ

فیلتر هوا

ماسک ضد گاز «میکی موس»

ماسک‌های جدید

ماسک‌های ضد گاز «میکی موس» برای کودکان انگلیسی ساخته شدند. به کودکان در مدرسه آموزش داده می‌شد که در هر زمان ماسک‌های خود را همراه داشته باشند، روش فوری نصب آنها نیز نمایش داده می‌شد.

کودک پارتیزان مسلح در لنینگراد، روسیه، سال ۱۹۴۳





برای مام میهن

با پیشروی ارتش آلمان در خاک روسیه در سال ۱۹۴۱، بسیاری از کودکان یتیم و آواره شدند. بعضی از نوجوان‌ها به گروه‌های مبارزه کننده با آلمان‌ها پیوستند. کودکان در سنین حدود ده سال در نقل و انتقال پیام مبارزین، تهیه مواد غذائی و حتی با شرکت در عملیات کمین و خرابکاری سهم خود را ادا می‌کردند.



اسباب‌بازی‌های نازی

تبلیغات تمامی جنبه‌های حیات مردم آلمان را تحت تاثیر قرار داده بود. حتی اسباب‌بازی‌هایی مانند این تصویر، تعبیری از تاریخ را آموزش می‌داد که نژاد «آریائی» (موهای بلوند و چشم‌های آبی) و نابودی مخالفان را تجلیل می‌کرد. به کودکان آموزش داده می‌شد که آلمان‌ها نژاد برتر جهان هستند.



در خفا

مانند همه کودکان یهودی، آنه فرانک (۴۵-۱۹۲۹) با آینده وحشتناک دستگیری و گسیل به اردوگاه‌های کار اجباری توسط آلمان‌ها مواجه شد. به مدت دو سال او و خانواده‌اش در یک زیر شیروانی مخفی در هلند پنهان شده بودند. آنه وقایع و خاطرات روزمره‌اش و امید خود برای آینده را می‌نوشت. اما در اوت ۱۹۴۴ به خانواده او خیانت شد. آنه در اثر تیفوس در اردوگاه کار اجباری بلسن در مارس ۱۹۴۵ درگذشت.

بازی کاغذی

در زمان جنگ، در سراسر اروپا تولید اسباب‌بازی به حداقل خود رسیده بود. زیرا بیشتر مواد اولیه برای تولید سلاح و ماشین جنگی مورد استفاده قرار می‌گرفت. درنتیجه، کودکان باید خود را با اسباب‌بازی‌های ساده‌ای سرگرم می‌کردند که از مقوا یا کاغذ ساخته می‌شدند.



حیوانات وحشی ساخته شده از کاغذ

اجبار به پیروی از هیتلر

در ابتدا، عضویت در گروه جوانان هیتلری داوطلبانه بود. اما در سال ۱۹۳۶ تمامی گروه‌های جوان آلمانی منحل شدند و پیوستن به گروه جوانان هیتلری برای تمامی جوانان بین ۱۰ تا ۱۸ سال اجباری شد.



Gesundheitspaß der Hitler-Jugend

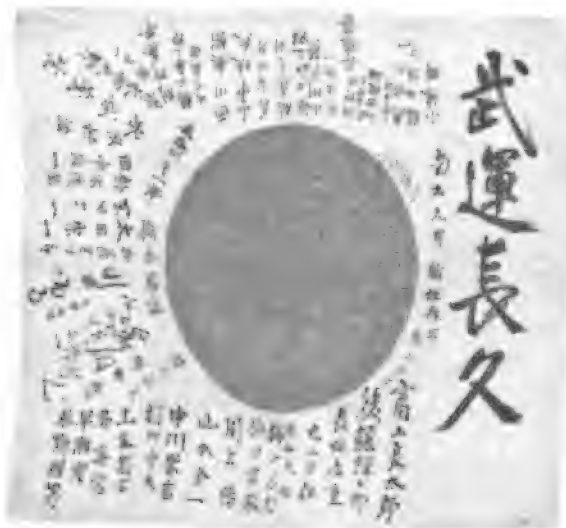
کارت عضویت جوانان هیتلری

نازی‌های جوان

در سال ۱۹۲۶، گروه جوانان هیتلری به عنوان شاخه جوانان پسر حزب نازی تشکیل شد. دختران به اتحادیه دختران آلمان پیوستند. اعضا یونیفورم پوشیده، رژه می‌رفتند و در اردوهای تابستانی حاضر می‌شدند. در سال ۱۹۴۳، جوانان ۱۶ سال به بالا به جنگ فراخوانده شدند. سربازان کم سن و سال تر در مزارع یا تحویل نامه‌ها کمک می‌کردند.

نبرد اقیانوس آرام

پس از حمله غافلگیرانه به پرل هاربر در دسامبر ۱۹۴۱، ژاپن تمامی آسیای جنوب شرقی و جزایر اقیانوس آرام را تسخیر کرد. در مه ۱۹۴۲، ژاپنی‌ها، برمه، مالایا (مالزی فعلی)، هند شرقی، هلند (اندونزی کنونی)، سنگاپور و فیلیپین را مورد حمله قرار دادند و در حال پیشرفت از جزیره‌ای به جزیره دیگر در اقیانوس آرام و به سمت جنوب یعنی استرالیا و به سوی شرق یعنی امریکا بودند. هدف ژاپنی‌ها ایجاد امپراطوری عظیمی از کشورهای مختلف بود تا بتوانند با استفاده از نفت و دیگر مواد خام موجود در آنها، مواد اولیه مورد نیاز برای صنایع نظامی خود را تامین و قدرت مسلط خود در جنگ را تحکیم بخشد. ژاپن به نظر شکست ناپذیر می‌رسید ولی دو نبرد دریائی بزرگ یکی در دریای کورال، مه ۱۹۴۲ و دومی در می‌دوی، در مرکز اقیانوس آرام، ژوئن ۱۹۴۲ پیشرفت آن را متوقف کرد. سد کردن پیشرفت ژاپن برای نیروهای امریکائی، کاری طولانی و پر هزینه بود. هر دو طرف تلفات سنگینی متحمل شدند.



پرچم متبرک شده ژاپن ▲

تمامی خدمه نظامی ژاپن در زمان نبرد با خود پرچم‌های متبرک شده حمل می‌کردند. دوستان و خویشاوندان روی پس زمینه سفید پرچم ژاپن دعا و نیایش می‌نگاشتند. آنها هرگز روی خود خورشید چیزی نمی‌نوشتند زیرا آن را مقدس می‌پنداشتند. بعضی افراد این پرچم‌ها را دور سر خود می‌بستند و برخی دیگر آن را در جیب خود می‌گذاشتند.

بمب افکن‌های نابودگر داگلاس، آماده برای عملیات



▲ ناو هواپیمابر

بمب افکن‌های نابودگر داگلاس در زمان نبرد می‌دوی آماده برخاستن از عرشه ناو اینترپرایز امریکا هستند. نابودگرها، هواپیماهای مسافربری قدیمی و فرسوده‌ای بودند که آمریکائیان بعد از بازسازی در ناوگان هواپیمابر خود از آنها به عنوان بمب افکن استفاده می‌کردند. ثابت شد که آنها رقیب جنگنده‌های سریع ژاپن به نام میتسوبیشی A&M زرو نیستند. هرکدام از این جنگنده‌های ژاپنی به تنهایی می‌توانستند چهار بمب افکن اینترپرایز را یک جا سرنگون سازند. اما در مجموع، ژاپنی‌ها در می‌دوی دستخوش شکست گردیدند

▼ دریای کورال

یک هواپیمای ژاپنی در دریای کورال (شمال شرق استرالیا) غوطه‌ور است. ژاپنی‌ها می‌کوشیدند تا پایگاه‌های موجود در یکی از جزایر را برای انجام حملات هوائی به استرالیا تسخیر کنند ولی ناوگان هوایی امریکا در مه ۱۹۴۲ راه پیشرفت آنها را مسدود ساخت. دریای کورال اولین عرصه نبرد ناوگان‌هایی از هواپیماها بود که در عرصه آسمان به نبرد با یکدیگر پرداختند. آنها از عرشه ناوهای هواپیمابر به پرواز در می‌آمدند و ناوهای دریایی هرگز با یکدیگر روبه‌رو نشدند.

هواپیمای ژاپنی بعد از خسارت دیدن در آسمان روی آب غوطه‌ور شده است





مبارزه برای جزیره گودال کانال ▲

ناو هواپیمابر امریکائی هورنت، طی نبرد سانتاکروز در اکتبر ۱۹۴۲، زیر آتش هواپیماهای ژاپنی قرار می‌گیرد. این نبرد دریائی یکی از چندین نبردی بود که در اطراف گودال کانال (یکی از جزایر سلیمان در شرق گینه‌نو) درگرفت و نیروهای ژاپنی و امریکائی برای کسب کنترل این پایگاه استراتژیک جنگیدند. امریکا سرانجام در فوریه ۱۹۴۳ ژاپنی‌ها را از جزیره بیرون راند ولی شدت مقاومت ژاپنی‌ها نشان داد که آنها چه قدر آماده‌اند تا از سرزمین‌های تازه کسب کرده خود دفاع کنند.



◄ ماموریت‌های انتحاری

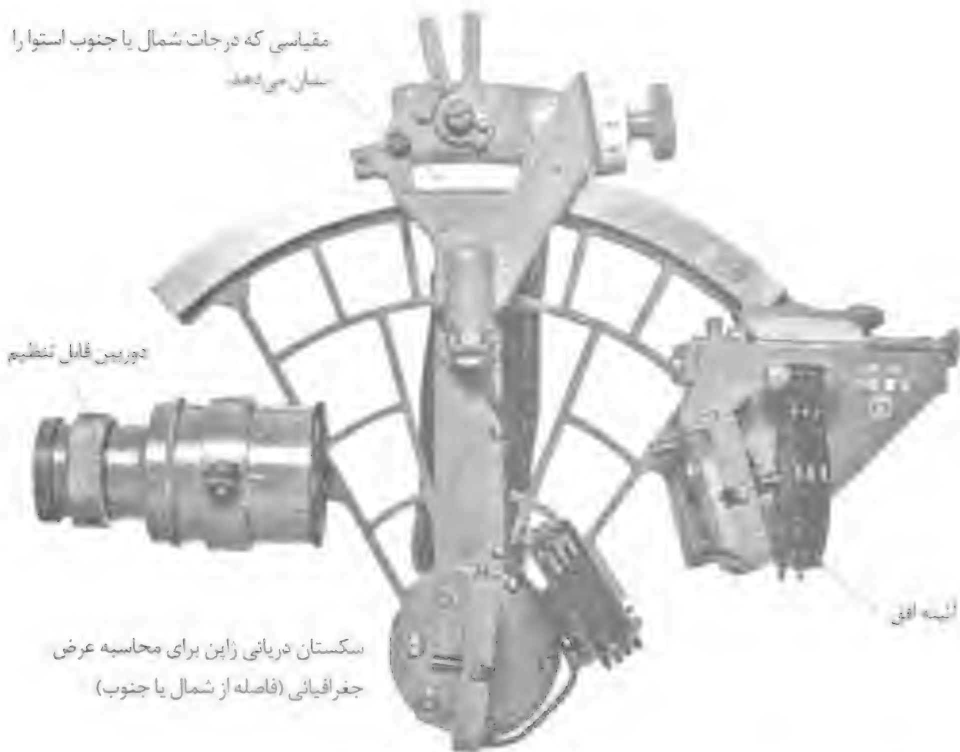
با بالا گرفتن نبرد بر سر فیلیپین در اکتبر ۱۹۴۴، در اقدامی از سردرماندگی، ژاپنی‌ها سلاحی وحشتناک را به کار گرفتند. واحد ویژه خلبانان داوطلب به نام کامیکازها، هواپیماهائی مملو از مواد منفجره را به پرواز درآورده و اگرچه می‌دانستند کشته خواهند شد ولی عمداً هواپیماهای خود را به کشتی‌های جنگی امریکائی می‌کوبیدند تا آنها را غرق کنند. کامیکازها اندک‌شمار نبودند، در ۶ آوریل ۱۹۴۵، ۷۰۰ حمله به ناوگان امریکا مستقر در اوکیناوا انجام شد.

خلبان کامیکاز هاچی‌ماکی را به دور سر می‌بندد



خلبان‌های کامیکاز ◄

خلبان‌های ژاپنی داوطلبانه به پروازهای کامیکاز می‌پیوستند در حالی که می‌دانستند این به معنای مرگ حتمی آنها است. کامیکاز به معنای «نسیم الهی» است. آنها خود را مردان فدایی امپراطور دانسته و این کارشان را نوعی فداکاری با شکوه تصور می‌کردند. برخی دیگر از خلبان‌ها از سنت‌های فداکارانه در ارتش ژاپن الهام می‌گرفتند. آنها هاچی‌ماکی (پیشانی‌بند) جنگجویان خشن سامورائی ژاپن در قرون وسطی را به سر می‌بستند.



سکستان دریائی ژاپن برای محاسبه عرض جغرافیائی (فاصله از شمال یا جنوب)

دستگاه زاویه‌یاب (سکستان) ناوگان ژاپنی

سکستان‌ها برای جهت‌یابی ناوگان ژاپن در اطراف اقیانوس وسیع اطلس اهمیت اساسی داشت. ژاپن پس از بریتانیا و امریکا سومین ناوگان بزرگ جهان را با ۱۰ ناو هواپیمابر، ۱۲ کشتی جنگی سنگین، ۳۶ رزمنا و بیش از ۱۰۰ ناوشکن و یک نیروی هوائی ضد ناو پر قدرت در اختیار داشت.



ماسک پرواز

خلبانان ژاپنی ماسک‌های چرمی به چهره می‌زدند تا از صورت خود در حین پرواز حفاظت کنند. ماسک‌ها آن‌ها را خشن‌تر از شهرتی که در زمان جنگ داشتند، نشان می‌دادند. بعضی از خلبان‌ها که به اسارت متفقین درمی‌آمدند، ترجیح می‌دادند قبل از تسلیم شدن خود را از پای درآورند.

ژاپن در جنگ

در سراسر دوران جنگ جهانی دوم، امپراطوری ژاپن در سه جبهه در حال نبرد بود. در شمال، مبارزان چینی برای رهائی کشورشان از چنگ اشغالگران ژاپنی در حال جنگ بودند. در جنوب و در شرق، امریکا، استرالیا و زلاندنو جزیره به جزیره در اقیانوس آرام به پیش می‌رفتند تا نیروهای ژاپنی را به عقب رانده پایگاه‌های هوائی و دریائی خود را نزدیک ژاپن برقرار سازند. در جنوب غرب، جنگ معروف به «جنگ فراموش شده» در جنگل‌های برمه در جریان بود. در این جبهه ارتش بریتانیا و چیندیت‌ها (واحد رزمی انگلیسی - برمه‌ای) تحت فرمان ماژور ژنرال اوردوینگیت، برای آزادی برمه با ارتش ژاپن می‌جنگیدند. در تمامی این نبردها، بسیاری از سربازان ژاپنی تا سر حد مرگ به نبرد ادامه دادند و به دشمنی قوی و غیر قابل شکست برای حریفان خود تبدیل شدند.



مسلسل سبک استرالیائی

دفاع از استرالیا ▲

نیروهای استرالیائی به شدت درگیر جنگ علیه ژاپن بودند. کشور آنها مستقیماً مورد تهدید توسعه‌طلبی ژاپن در آسیای جنوب شرقی قرار گرفته بود. استرالیا نقش مهمی در جلوگیری از اشغال جزیره پاپوای گینه نو در سال ۱۹۴۲ توسط نیروهای ژاپنی داشت. آنها در کنار نیروهای امریکائی برای آزادسازی گینه‌نو و جزایر دیگر پیکار کردند.



سرباز ژاپنی پرچمی در دست دارد که به خورشید در حال برآمدن معروف بود.

جنگجویان وفادار ◄

بیش از ۱۷۰۰۰۰۰ سرباز ژاپنی از قانون سرباز سال ۱۹۴۲ اطاعت می‌کردند. این قانون مبنی بر قانون بوشیدو (جنگجو) سامورائی‌ها بود. براساس این قانون، سرباز باید کاملا به امپراطور وفادار می‌ماند و وظیفه او این بود که به جای شرم اسارت ترجیح دهد که با مرگ روبه‌رو شود. درنتیجه، سربازان ژاپنی اغلب جنگجویان متعصبی بود که به هر قیمت خود را وقف دستیابی به پیروزی می‌کردند و در هر موقعیتی جان خود را فدا می‌کردند.



سهمیه‌های ساعتی

نیروهای انگلیسی در حال جنگ در اقیانوس آرام و آسیای جنوب شرقی بسته‌های غذائی مانند تصویر سمت راست دریافت می‌کردند. اگرچه غذا از محل نبرد دور بود ولی یک بسته، غذای کافی یک سرباز در طول یک روز را تامین می‌کرد.



تلفن صحرائی ارتش امریکا

ابزار مخابراتی سیار

متحدین و سربازان ژاپنی برای حفظ تماس با فرماندهان و دیگر یگان‌های ارتش خود از تلفن‌های صحرائی استفاده می‌کردند. سرعت پیشرفت ژاپن در آسیای جنوب شرقی و اقیانوس آرام ایجاب می‌کرد که نیروها ابزار مخابراتی کارآمدی برای در جریان قرار دادن ستاد فرماندهی از پیشرفت خود و وضعیت دشمن داشته باشند.



آزادسازی برمه

نبرد تعیین کننده بر سر برمه در جاده بین شهر کوهیما و ایمفال که هر دو دقیقاً در مرز هندوستان قرار دارند، رخ داد. بعد از آن که انگلیسی‌ها در مه ۱۹۴۲ توسط ژاپن از برمه بیرون رانده شدند، از ایمفال به عنوان پایگاهی برای گروه‌بندی و تسلیح مجدد نیروها استفاده کردند. در این نبرد ژاپنی‌ها قصد داشتند ابتدا دست به تهاجم زده و سپس در مارس ۱۹۴۴ به هندوستان تجاوز کنند. اما نیروهای انگلیسی و هندی (سمت راست) پیش دستی کرده و دست به ضد حمله زدند و نیروی ۸۰ هزار نفری ژاپن را شکست دادند. این پیروزی راه را برای آزادسازی خود برمه هموار کرد؛ این هدف سرانجام در مه ۱۹۴۵ به دست آمد.



راه‌آهن تایلند - برمه

کامیون‌های دیزلی که می‌توانستند روی خط آهن یا جاده حرکت کنند از سال ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۳ مورد استفاده ژاپنی‌ها قرار می‌گرفت. ژاپنی‌ها به کمک آنها از تایلند تا برمه‌ای که تازه فتح کرده بودند، راه‌آهن تاسیس کردند. ژاپنی‌ها قصد داشتند با استفاده از این راهها، نیروها و تجهیزات خود را به سرعت در سراسر امپراطوری وسیع خود در شرق آسیا جابه‌جا کنند.



نجات از گرسنگی

این مردان هلندی در سال ۱۹۴۵ از اردوگاه اسرای جنگی ژاپن آزاد شدند که از جمله افراد خوش‌شانس محسوب می‌شدند. حدود یک چهارم از تعداد ۱۰۳ هزار نفر سرباز استرالیائی، امریکائی، انگلیسی و هلندی به اسارت گرفته شده توسط ژاپنی‌ها، تا سال ۱۹۴۴ در اردوگاه‌های اسرا مرده بودند. از این تعداد، ۱۲ هزار نفر در خط آهن تایلند - برمه کار می‌کردند. اسیران آسیائی رنج بیشتری متحمل شدند، حداقل ۱۰۰ هزار نفر فقط در جریان ساخت راه‌آهن مردند.





عینک و شانه دوران درماندگی

در اسارت ژاپنی‌ها

اسیران جنگی در ژاپن مجبور بودند برای تهیه مایحتاج اساسی خود هر روز کار کنند با این حال ژاپنی‌ها مایحتاج اندکی در اختیار آنها می‌گذاشتند. ژاپنی‌ها احترامی برای اسیران قائل نبودند و بسیاری از انها را وامی‌داشتند تا سر حد مرگ برای ساختن راه‌آهن، جاده و پل کار کنند.



▲ **حمله به پل**

راه‌آهن ۴۱۵ کیلومتری تایلند - برمه از جنگل‌ها، کوه‌ها و از کنار رودخانه کوای نوی می‌گذرد. پل‌های خط آهن چنانچه که در عکس فوق دیده می‌شود، توسط اسیران جنگی طراحی و ساخته شدند. هواپیماهای انگلیسی که از هندوستان به پرواز درمی‌آمدند، همیشه پل‌ها را به امید نابودی راه‌آهن و توقف ژاپنی‌ها بمباران می‌کردند.

یادبودی در واسینگتن دی.سی، نشانی از دریانوردانی است که پرچم را در امتی، سوریباجی، آیوجیما، برافراشته نگاه داشته‌اند.

▶ برافراشتن پرچم در آیوجیبا

در فوریه ۱۹۴۵، دریانوردان امریکا به آیوجیبا، جزیره‌ای کوچک در جنوب ژاپن، حمله بردند. ژاپنی‌ها تا آخرین قطره خون از آن دفاع کردند. از ۲۱۰۰۰ سرباز تنها ۲۱۶ نفر به اسارت گرفته شدند. بقیه تا سر حد مرگ جنگیدند. پس از تلفات سنگین در آیوجیما و اوکیناوا، امریکائی‌ها شروع به بمباران سرزمین اصلی ژاپن کردند و سپس دو بمب هسته‌ای روی هیروشیما و ناکازاکی فرو افکندند.

نبرد آتلانتیک

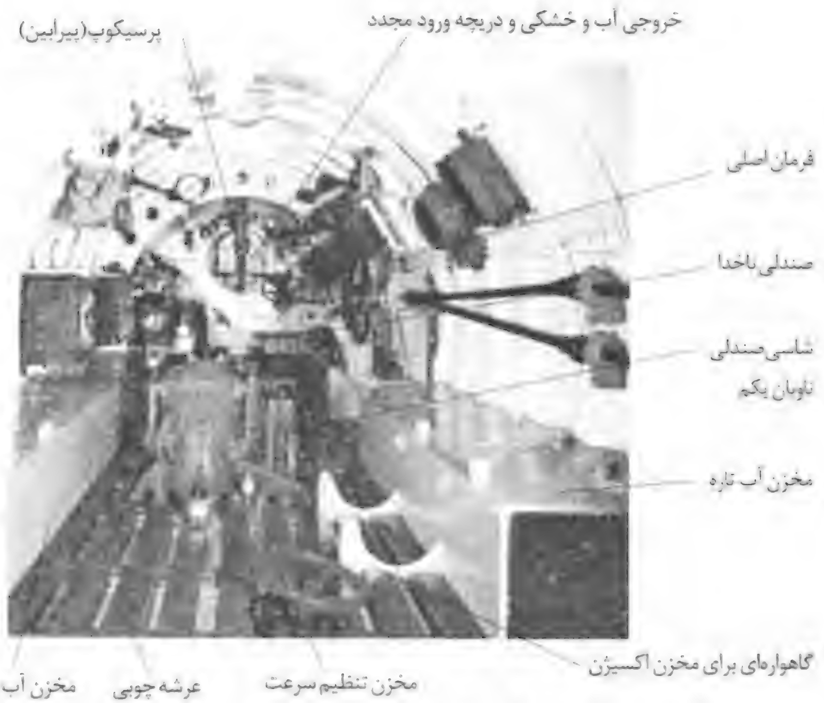
در طی جنگ، پیکاری خشن بین متفقین و آلمان‌ها در آب‌های یخبندان اقیانوس اطلس شمالی درگرفت. هنگامی که دریانوردان متفقین سختی آب و هوا را به جان خریدند تا تجهیزاتی را از امریکا به بندرهای انگلیس بیاورند، زیردریائی‌ها و ناوشکن‌های آلمانی در هر فرصتی به آن‌ها حمله می‌کردند، قدرت ناوگان آلمان در مقایسه با قدرت متفقین اندک بود ولی ناوگان زیردریائی آنها قادر بود ضربات مهلکی به دشمن وارد آورد. در ابتدا، زیردریائی‌ها برتری کسب کردند. آن‌ها در چهار ماهه نخست سال ۱۹۴۱ به تنهائی، دو میلیون تن و در سال ۱۹۴۲، ۵/۴ میلیون تن محموله دریائی متفقین را غرق کردند. اما، استفاده برتر متفقین از سیستم اسکورت، گشت هوائی دوربرد، ناوگان ضد دریائی واکنش سریع، و رادار پیشرفته باعث شد زیردریائی‌ها روز به روز آسیب‌پذیرتر شوند. در میانه سال ۱۹۴۳ با غرق شدن ۹۵ زیردریائی آلمان تنها در سه ماه، متفقین به برتری دست یافتند و اقیانوس اطلس بار دیگر برای کشتی‌های باری امن‌تر گردید.



خیش برای پیروزی

در اثر حملات هوایی آلمان، واردات غذا از خارج به شدت در اثر جنگ اسیب دید. در انگلستان، برای تامین مایحتاج زندگی مانند غذا و سبزیجات، جهاد «خیش برای پیروزی» اعلام شد و از مردم خواسته شد تا در هر جایی که ممکن بود به کشت و زرع بپردازند. هر قطعه از زمین‌های حاصلخیز، از جمله حیاط‌ها و پارک‌ها شخم زده شد و محصولات غذایی کشت گردید. بعد از پیروزی متفقین در نبرد آتلانتیک، امکان واردات محصولات غذایی مجدداً فراهم شد.





در درون یک زیردریائی کوچک ▲

زیردریائی کوچک ایکس کرافت انگلیسی دارای تیمی ۴ نفره بود که طی نبرد آتلانتیک ماموریت‌های متعددی را به انجام می‌رساند. این زیردریائی با کمک مواد منفجره کشتی‌های جنگی تیرپیتز آلمان را در ساحل نروژ در سپتامبر ۱۹۴۳ مورد حمله قرار می‌داد و با موفقیت از کار می‌انداخت. تیرپیتز ثابت کرده بود که تهدیدی بالقوه و بزرگی علیه محموله‌های ارسالی بریتانیا برای روسیه از شمال است.

پرسیکوپ(پیرابین)

بایبر ▼

زیردریائی‌های بایبر آلمانی مجهز به دو اژدرافکن بین سال‌های ۱۹۴۴ و ۱۹۴۵ در سواحل شمال فرانسه و هلند به عملیات نظامی دست می‌زدند. بایبرها حساراتی به محموله‌های متفقین و کشتی‌های حامل نیروهای مهاجم در اروپای غربی در عرض کانال انگلیس وارد می‌آوردند.

درگاه نظارت

سوراخ یدک کشی

کلاهک



«همه ما سلام نظامی دادیم به پرچم احترام گذاشتیم و پریدیم... مانند یک دسته چوب پنبه بیرون پریده و غوطه‌ور در آب کنار یکدیگر شنا می‌کنیم.»

افسر زیردریائی از پیرابین برای تعیین موقعیت کشتی‌های دشمن استفاده می‌کند.

به کمک پرسیکوپ (پیرابین)

سرنشینان زیردریائی های آلمانی در حین گشت‌زنی در زیر سطح دریا، از وسیله ای به نام پرسیکوپ برای ردیابی رفت آمد کشتی‌های متفقین استفاده می‌کردند. آنها از این طریق به راحتی می‌توانستند اهداف مورد نظر خود را انتخاب و سپس توپها و اژدرهای مرگبار خود را به سوی آنها شلیک کنند. اما وقتی زیردریائی ها به هر دلیل در نزدیکی سطح آب یا روی سطح بودند، از هوا به آسانی شناسائی شده و توسط هواپیماهای متفقین نابود می‌شدند.



تنها ۲۰ تن از خدمه این زیردریائی آلمانی که در اثر حمله یک رزم ناو امریکایی در حال غرق شدن است، جان سالم به دربردند. زیردریائی‌ها در زیر آب، در صورت هدفگیری توسط کشتی یا هواپیماهای متفقین، به شدت آسیب‌پذیر بودند. آنها همچنین در روی سطح آب در معرض خطر اصابت بمب، اژدر یا گلوله بودند و در آب‌های کم عمق نیز مین‌ها، خطری جدی برای آنها محسوب می‌شدند. از مجموع ۳۹۰۰۰ خدمه زیر دریایی‌های آلمان تنها ۱۱۰۰۰ نفر از جنگ جان سالم به در بردند.





توپ هدف گیری کرده و آماده شلیک به سوی کشتی‌ها و زیردریائی‌های دشمن است.

یک دریانورد در روی عرشه یک کشتی جنگی که حامل یک محموله بار از اقیانوس اطلس است، مراقب هواپیماهای دشمن می‌باشد.

کاروان کشتی‌ها در اقیانوس اطلس ▲

کشتی‌های تجاری منفرد که از عرض اقیانوس اطلس می‌گذشتند به شدت در برابر حمله زیردریائی‌های آماده شلیک، آسیب‌پذیر بودند. درنتیجه، آن‌ها به صورت کاروان‌های عظیم، تحت حفاظت اسکورتی از رزمناوها و در صورت امکان، پوشش هوائی سفر می‌کردند. این کاروان‌ها مجبور بودند با سرعت کندترین عضو خود حرکت کنند و این باعث می‌شد عبور از اقیانوس اطلس کار خطرناک و زمانبری باشد. دریانوردان بسیاری جان خود را در این کاروان‌ها از دست می‌دادند.

غرق شدن بیسمارک ▼

یکی از بزرگترین کشتی‌های جنگی ناوگان دریایی آلمان کشتی بیسمارک بود که آلمانی‌ها آن را غرق ناشدنی می‌پنداشتند. در ۱۸ مه ۱۹۴۱ این کشتی بزرگ از گینیا در دریای بالتیک به حرکت در آمد. کشتی در شمال ایسلند با نیرویی عظیم در حال حرکت بود که ناو HMS هود انگلیس آن را غرق کرد. قبل از آن در ۲۷ مه یک ناو انگلیسی آن را غافلگیر کرده درهم شکسته بود. تنها ۱۱۵ تن از ۲۲۲۲ سرنشین بیسمارک زنده ماندند.



مجهز به ۸۸ توپ از جمله ۲۰ توپ دوربرد و ۶۸ توپ ضد هوائی
[illegible] بیسمارک

به سوی استالینگراد

در سال ۱۹۴۱ آلمان به اتحاد شوروی تجاوز کرد. آلمان در سه جهت پیشروی نمود. از شمال به سوی لنینگراد، از شرق به سوی مسکو و از جنوب به سوی گندم زارها و چاه‌های نفت اوکرائین و قفقاز. برای رسیدن به موفقیت در جنوب، آلمان‌ها مجبور بودند استالینگراد را تسخیر کنند که در کنار رودخانه ولگا قرار دارد. این شهر برای هیتلر اهمیتی عظیم داشت زیرا بعد از انقلاب کمونیستی نام رهبر شوروی، استالین بر آن نهاده شده و استالینگراد نامیده می‌شد. به دلایلی مشابه، استالین نیز به همین اندازه مصمم به حفظ این شهر بود. نبرد استالینگراد نبردی سهمگین بود و خسارات سنگینی به دو طرف جنگ وارد آمد. از اوایل سال ۱۹۴۳ و بعد از شکست ارتش آلمان در استالینگراد، زمینه نابودی نهائی ارتش مهاجم آلمان و شکست و تسلیم آن، به وجود آمد. ارتش آلمان دیگر شکست‌ناپذیر نبود.



نشان برتری تانک‌های مهاجم آلمانی



در برف ▲

جنگ در اتحاد جماهیر شوروی (روسیه کنونی) در اثر زمستان سرد، برای هر دو طرف رو به وخامت گذارد. با کاهش دمای هوا به نقطه یخبندان، آلمان‌ها دریافتند تجهیزات کافی برای مقابله با سرمای طاقت فرسا را در اختیار ندارند. اما روس‌ها به سرما بیشتر عادت داشتند و با پوشیدن اورکت‌های سفید قابل استتار، زیرپوش‌های ضخیم، کلاه خز و چکمه‌های چرمی، از تجهیزات بهتری برخوردار بودند.



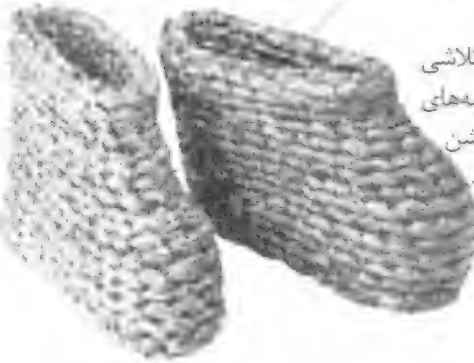
نبرد استالینگراد ▲

نبرد استالینگراد در اوت ۱۹۴۲ آغاز شد. ارتش ششم آلمان از غرب به شهر حمله کرد و مدافعان را به رشته باریکی از ساختمان‌ها و کارخانجات در طول رودخانه ولگا عقب راند. شوروی‌ها در ۱۹ نوامبر به ضد حمله دست زدند و به زودی ارتش ششم را به محاصره درآوردند. آلمان‌ها کوشیدند محاصره را بشکنند ولی در ۲ فوریه ۱۹۴۳ مجبور به تسلیم گردیدند.



مجروحان ◀

در پایان نبرد استالینگراد، حدود ۹۱۰۰۰ سرباز آلمانی مجروح یا اسیر شدند. تعداد کشته شدگان از هر دو سو حدود ۵۰۰۰۰۰ نفر بود. تخمین زده می‌شود ۲ میلیون غیر نظامی اهل استالینگراد جان خود را از دست دادند. شگفت آن که ۱۰۰۰۰ غیر نظامی در حین نبرد در این شهر زندگی می‌کردند و زنده ماندند.



چکمه‌های حصیری که سربازان آلمان در اتحاد شوروی می‌پوشیدند

یخ زده ◀

سربازان آلمانی که در اتحاد شوروی می‌جنگیدند در تلاشی بیهوده برای گرم و خشک نگاه داشتن پاهای خود چکمه‌های حصیری مخصوص در برف تهیه کردند. طی زمستان خشن روسیه، بسیاری از آن‌ها از یخبندان رنج می‌کشیدند. لباس‌های معمولی کافی نبود و چکمه‌های چرمی و سفت آنها تنگ‌تر از آن بود که بتوانند جوراب ضخیم به پا کنند، به علاوه چکمه‌های آنان سوراخ سوراخ بود و برف و باران به داخل ان نفوذ می‌کرد.



سلاح‌های ارتش سرخ

در دوران جنگ هزاران قبضه مسلسل، مانند این ppsh در سال ۱۹۴۱ مورد استفاده ارتش سرخ قرار گرفت. این مسلسل ها در شمارگان زیاد ولی کیفیت پائین و به سرعت تولید می‌شدند تا در نبردهای تن به تن و نزدیک به کار گرفته شوند.



کلت استاندارد

کلت نیمه خودکار ۷/۶۲ میلیمتری تاکارف TT۳۳، سلاح کمری استانداردی بود که به افسران، هوانوردان و خدمه تانک شوروی‌ها داده می‌شد. اگر تانکی از کار می‌افتاد خدمه آن ابزاری برای دفاع از خود در اختیار داشتند.



نارنجک دستی

سربازان شوروی برای توقف پیشرفت دشمن به سوی استالینگراد از نارنجک دستی استفاده می‌کردند. سربازان زخمی گاهی قبل از پرتاب نارنجک ناگزیر بودند با دندان‌های خود ضامن آن را بکشند.



جنگ خانه به خانه

آلمان‌ها و شوروی‌ها در استالینگراد بر سر هر ساختمانی می‌جنگیدند. گاهی دو طرف حتی در دو طبقه مختلف یک ساختمان با هم پیکار می‌کردند. جنگ خانه به خانه وسیع بود و هر کس دست خود را از کف زمین بالا می‌آورد احتمال داشت با آتش دشمن کشته شود.



سواره نظام ارتش سرخ در حین جولان دادن در برف شمشیر خود را نشان می‌دهند

سواره نظام ارتش سرخ ▲

توپخانه ارتش سرخ توسط لشکرهای سواره نظامی پشتیبانی می‌شد که می‌توانستند در طول جبهه به سرعت جابه‌جا شوند. هر دو طرف برای جابه‌جائی توپخانه و واگن‌های مملو از تجهیزات از اسب استفاده می کردند. اما اسب‌ها در زمستان ناکارآمد بودند زیرا به راحتی در گل یا برف فرو می‌ماندند.

بعد از سال ۱۹۴۳، T-۳۴ به لوله توپ ۸۵ میلیمتری مجهز شد.

تانک برتر ◄

تانک T-۳۴ شوروی، طراحی شده در سال ۱۹۳۹، ستون فقرات واحدهای زرهی ارتش سرخ بود. بین سال‌های ۱۹۴۱ و ۱۹۴۵، ۶۹۸۳۹ فروند از آنها ساخته شد. این تانک‌ها حامل پنج نفر بودند، یک فرمانده، دو مسلسل‌چی، یک گلوله‌گذار و یک راننده. اما شرایط داخلی تانک دلچسب نبود. حداکثر سرعت تانک ۳۲ کیلومتر در ساعت بود که می‌توانست ۴۰۰ کیلومتر را بدون سوخت‌گیری حرکت کند. تانک‌های المانی سرعت و برد کمتری داشتند و حریف خوبی برای T-۳۴ شکست‌ناپذیر نبودند.

لوله توپ در یک قسمت دوار قرار داشت

موتور دیزلی T-۳۴ در سرمای سخت به خوبی کار می‌کرد

وزن کلی ۳۲ تن

زنجیرهای پهن برای عبور از نواحی [illegible]

در درون اتحاد شوروی

جنگ تاثیری عظیم بر اتحاد شوروی داشت. اگرچه تقریباً آماده شدن برای جنگ نزدیک دو سال به طول انجامید ولی هیچ چیز نمی‌توانست با مقدار رنجی که از جنگ بر ملت وارد آمد، برابری کند. برای ایمن نگه داشتن صنایع از حمله دشمن، ۱۵۰۰ کارخانه، به طور کامل به صدها مایل آن طرف‌تر یعنی در شرق کوه‌های اورال منتقل شدند. ۶ میلیون کارگر نیز همراه با آن کارخانه‌ها به مناطق جدید انتقال یافتند. میلیونها نفر دیگر به اسارت آلمان‌ها درآمده یا در اردوگاه‌های کار اجباری کشته شدند. حدود ۲۰ میلیون نفر از شهروندان شوروی کشته شدند. با این حال غیر نظامیان برای نجات کشورشان کمر همت بستند و برای پیروزی سخت مقاومت کردند. جنگ به یک پیکار عظیم میهن پرستانه و پر آوازه تبدیل گشت.



جنگجویان مقاومت

پوسترها از اهالی شوروی که در سرزمین‌های تحت اشغال آلمان زندگی می‌کردند درخواست می‌نمود به پارتیزانها و گروه «ضربه بی‌رحمانه به دشمن» بپیوندند. گروه‌های مقاومت که در جنگل‌ها زندگی می‌کردند در کمین محموله‌های آلمانی می‌نشستند و به قرارگاه‌های فرماندهی و خطوط ارتباطی آنها حمله می‌بردند.


ستاره سرخ


پرچم سرخ

مدال‌های ارتش سرخ

مدال‌های مهمی که به سربازان شوروی اعطا می‌شدند نشان قهرمان اتحاد شوروی و نشان پرچم سرخ و ستاره سرخ بودند. استالین نشان کوتوزف و نسوروف را معمول نمود که نام دو ارتشبد سده نوزدهمی بود که حمله لهستانی‌ها، ترک‌ها و فرانسه ناپلئونی را دفع کردند.


برداشت سبزیجات از حیاط کلیسای جامع لنینگراد

غذارسانی به شهر

در دوران محاصره لنینگراد، بزرگترین تهدید علیه اهالی شهر، سرما و گرسنگی بود. هر قطعه زمینی برای کشت سبزیجات خوراکی مانند کلم و سیب زمینی مورد استفاده قرار می‌گرفت. ولی در طول دوران محاصره جیره‌بندی دقیقی اعمال می‌شد. در مجموع، بیش از ۶۳۰۰۰۰ نفر بر اثر سرما و گرسنگی شدید جان باختند.



آب، آب همه جا

در زمستان سال ۱۹۴۱ دمای لنینگراد به ۴۰- درجه سانتیگراد افت نمود. غذا کم شد و ذخایر آب یخ بست. مردم ناچار شدند برف و یخ را برای نوشیدن ذوب کنند. یک فرد محلی به یاد می‌آورد که :

«نمی‌توانستیم حمام کنیم زیرا فقط آن قدر توان داشتیم که برویم و آب برای نوشیدن فراهم کنیم.»


اهالی لنینگراد منازل خود را که در اثر بمب‌های نازی ویران گشته ترک می‌کنند

محاصره لنینگراد

طولانی‌ترین محاصره جنگی، محاصره شهر لنینگراد شوروی بود. سربازان آلمانی با حمایت فنلاندی‌ها، در سپتامبر ۱۹۴۱ شهر را محاصره کردند. کشور فنلاند برای انتقام گرفتن از تجاوز سال قبل شوروی‌ها به نفع آلمان وارد جنگ شده بود. آلمان‌ها بیش از ۱۰۰۰۰۰ بمب و ۲۰۰۰۰۰ گلوله توپ روی لنینگراد فرو ریختند. علی رغم کشته شدن ۲۰۰۰۰۰ غیرنظامی آن‌ها موفق به تسخیر شهر نشدند. سرانجام، ارتش سرخ در ژانویه ۱۹۴۴ یعنی ۸۹۰ روز پس از شروع محاصره، موفق به شکستن محاصره گردید.



ایستگاه متروی مایوکوفسکی در مسکو به عنوان پناهگاه ضد هوائی استفاده می‌شد.

بمباران شدید مسکو ◄

در اکتبر ۱۹۴۱ شهر کمونیستی مسکو به شدت توسط هواپیماهای آلمانی بمباران شد، مردم عادی برای درامان ماندن به ایستگاه های مترو پناه بردند. تعدادی ناگزیر به ترک شهر شده و به روستاهای اطراف رفتند. ارتش آلمان به هر عنوانی می خواست مسکو را فتح کند. اما سرمای شدید و نرسیدن نیروهای پشتیبانی، آنها را از رسیدن به هدفشان نا امید کرد. البته در دسامبر همان سال نیروهای ارتش شوروی به حمله متقابل دست زده و آلمانی ها مجبور به عقب نشینی شدند. و بدین ترتیب پایتخت امپراتوری جدید کمونیستی از خطر سقوط نجات یافت.





در این پوستر ۱۹۴۲ شوروی آمده است:
«به این کارگر نمونه بپیوندید برای جبهه‌ها بیشتر تولید کنید.»

◄ بیشتر تولید کنید!

علی‌رغم وجود تصویر مردی نیرومند روی این پوستر، بیش از نیمی از نیروی کار شوروی در پایان جنگ را زنان تشکیل می‌دادند. غیر نظامیان شوروی در شکست هیتلر نقش عظیمی بازی کردند. آنها در کارخانه‌ها سخت کار می‌کردند تا تولید تسلیحات و تجهیزات جنگی اساسی افزایش یابد.



تک تیراندازان روسی

تک تیراندازان

تک تیراندازان بیشماری از جمله قهرمانان زمان جنگ در ارتش سرخ بودند که وظیفه‌شان شلیک به دشمن بود. استفاده از تک تیراندازان از استالینگراد شروع شد. وقتی یک کمین کننده موفق به کشتن چهل سرباز دشمن می گردید، به او لقب «تک تیرانداز نخبه» داده می شد.



لاهتی فنلاندی ۲۰ میلیمتری، تفنگ ضد تانک L۳۹

جنگ روسیه – فنلاند

بعد از تجاوز آلمان به لهستان در سال ۱۹۳۹، اتحاد شوروی کوشید مرزهای غربی خود را امن نگه دارد. در نوامبر ۱۹۳۹، ارتش شوروی به فنلاند، همسایه غربی خود تجاوز کرد. فنلاندیها با شجاعت بسیار آنها را به عقب راندند ولی در مارس ۱۹۴۰ آنها مجبور به پذیرش پیمان صلح و واگذاری مقداری از سرزمین خود به روسیه شدند. شوروی‌ها، بیش از ۸۰۰۰۰ سرباز خود را از دست دادند در حالی که تلفات فنلاندی‌ها فقط ۲۵۰۰۰ نفر بود. این مساله، ضعف ارتش سرخ را آشکار ساخت.



کوکتل مولوتف

طی جنگ روسیه – فنلاند، سربازان فنلاندی بمب‌های گازی دست ساز به سوی تانک‌های روسی پرتاب می‌کردند. به یاد سیاستمدار روسی ویاچسلاو مولوتف (۱۹۸۶-۱۸۹۰) که فنلاندی‌ها به شدت او را مسئول جنگ می‌شناختند، نام این بمبها را کوکتل مولوتف گذاشته بودند.

نبرد در صحرا

در ژوئن ۱۹۴۰، ایتالیای موسولینی به نفع آلمان وارد جنگ شد و در سپتامبر همان سال از مستعمره خود، لیبی، به خاک مصر لشگر کشید. طی ماه‌های بعد ارتش بریتانیا، ایتالیائی‌ها را درهم شکست و ۱۳۰۰۰۰ سرباز آنها را به اسارت درآورد. آلمان‌ها از ترس سقوط متحد ایتالیائی خود، اقدام به اعزام نیرو به شمال افریقا در فوریه ۱۹۴۱ کردند. برای تقریباً دو سال نبرد در صحرا جریان داشت تا آن که ارتش هشتم بریتانیا به پیروزی قاطعی بر نیروهای افریقائی آلمان در نوامبر ۱۹۴۲ دست یافت. در همان ماه نیروهای امریکا و بریتانیا در الجزایر و مراکش پیاده شدند. آنها به سمت شرق برای محاصره آلمان‌ها که به سوی غرب عقب‌نشینی می‌کردند، پیشروی نمودند. در مه ۱۹۴۳ نیروهای افریقائی آلمان و متحدین ایتالیائی آن‌ها مجبور به تسلیم شدند. بریتانیا و امریکا اکنون می‌توانستند توجه خود را به سوی اروپا معطوف سازند.



عملیات روباه صحرا

ارتشبد اروین رومل (۱۹۴۴-۱۸۹۱) چپ، فرمانده نیروهای افریقائی آلمان به روباه صحرا معروف بود. او قادر بود وضعیت را به سرعت ارزیابی و نقاط ضعف دشمن را «بو بکشد». هم آلمان‌ها و هم بریتانیائی‌ها به او احترام می‌گذاشتند، دلیل بریتانیائی‌ها آن بود که وی با اسرا رفتار خوبی داشت. در سال ۱۹۴۴، رومل بعد از افشای نقش‌اش در توطئه علیه جان هیتلر، دست به خودکشی زد.



نبرد تبروک

بندر مدیترانه‌ای تبروک در شرق لیبی، صحنه چند مورد از خشن ترین نبردهای جنگ صحرا بود. این شهر ابتدا در تصرف ایتالیا بود، سپس بریتانیا در اوایل سال ۱۹۴۱ آن را تصرف نمود. بعدا در همان سال آلمان‌ها آن را به محاصره درآوردند و در ژوئن ۱۹۴۲ کنترل آن را به دست گرفتند. بریتانیا در نوامبر ۱۹۴۱ دوباره آن را آلمان‌ها پس گرفت.

نیروهای بریتانیائی در حال پیشروی در شن‌زار العلمین

نبرد العلمین

در اکتبر ۱۹۴۲، نیروهای افریقائی آلمان به العلمین رسیدند. این شهر ساحلی مهمی بود و دروازه مصر و کانال سوئز (آبراه مهم بین‌المللی کشتیرانی که مدیترانه را به دریای سرخ متصل می‌کند) به شمار می‌آمد. در این جا نیروهای آلمان و ارتش هشتم بریتانیا در مقابل هم قرار گرفتند و سرانجام آلمان‌ها در عرض ۱۲ روز نبرد طاقت‌فرسای توپخانه، تانک و پیاده نظام، دچار شکست شدند. این پیروزی، اولین موفقیت زمینی مهم بریتانیا در برابر ارتش آلمان و نقطه عطفی در جنگ به شمار می‌رفت.



دوربین مخصوص صحرا

نیروهای افریقائی آلمان در سال ۱۹۴۱ برای کمک به ایتالیا در شمال افریقا شکل گرفت. این جا، یکی از اعضای این نیرو از دوربین خرگوشی برای مشاهده دشمن استفاده می‌کند. اگرچه رومل رهبر فوق‌العاده‌ای بود ولی نیروهای مزبور برای تجدید قوا و تجهیزات ناچار به استفاده از مسیر ترابری مدیترانه بودند که مورد حمله انگلیسی‌ها قرار می‌گرفتند.



مین‌یاب بریتانیائی

مین ضد تانک آلمانی

خطر مین

هر دو طرف نبرد، مناطق وسیعی را در اطراف العلمین مین‌گذاری کردند. با حرکت تانک‌ها و توپخانه برای عبور از اطراف مین‌ها، تلفات سنگینی به نیروهای پیشرو وارد می‌آمد. اگرچه بسیاری از مین‌ها در حین و بعد از جنگ کشف شدند ولی تعداد زیادی از مین‌های منفجر نشده هنوز در صحرا زیر خاک وجود دارند.



◄ تهاجم به سیسیل

نیروهای متفقین بعد از تهاجم به جزیره سیسیل در ژوئن ۱۹۴۳ اقدام به آوردن وسایل نقلیه و تجهیزات به ساحل نمودند. آلمان در شمال افریقا شکست خورده و راه برای حمله متفقین به اروپا هموار گشته بود، ولی متفقین هنوز تصور می‌کردند قدرت کافی برای اقدام به حمله مستقیم علیه نیروهای آلمان را ندارند. بنابراین، تصمیم گرفتند به امید خارج کردن ایتالیا از صحنه نبرد به ایتالیا حمله کنند.

یاری کشورهای همسود ◄

برخی از نیروهای زلاندنو و دیگر واحدهای ویژه که در شمال افریقا می‌جنگیدند دستارهائی به سبک لباس‌های عرب برای مقابله با شرایط آب و هوای گرم به سر می‌بستند. واحدهای زلاندنو به ارتش هشتم بریتانیا پیوستند از جمله جنگجویان مائوری (زلاندنوئیان بومی) که در شمال افریقا و ایتالیا جانفشانی کردند.

دستار برای دور ماندن از شن روان و آفتاب



خرگوش‌های نجات‌بخش ▲

رهبر ارتش هشتم بریتانیا در شمال افریقا، ارتشبد مونتگمری (۱۸۸۷-۱۹۷۶)، عکس بالا، بود توجه «مونتی» به حفظ و افزایش روحیه نیروها، ارتش وی را به پیروزی در العلمین رساند. سربازان بخشی از ارتش، یعنی لشگر هفتم زرهی، به خرگوش‌های صحرا معروف شدند.

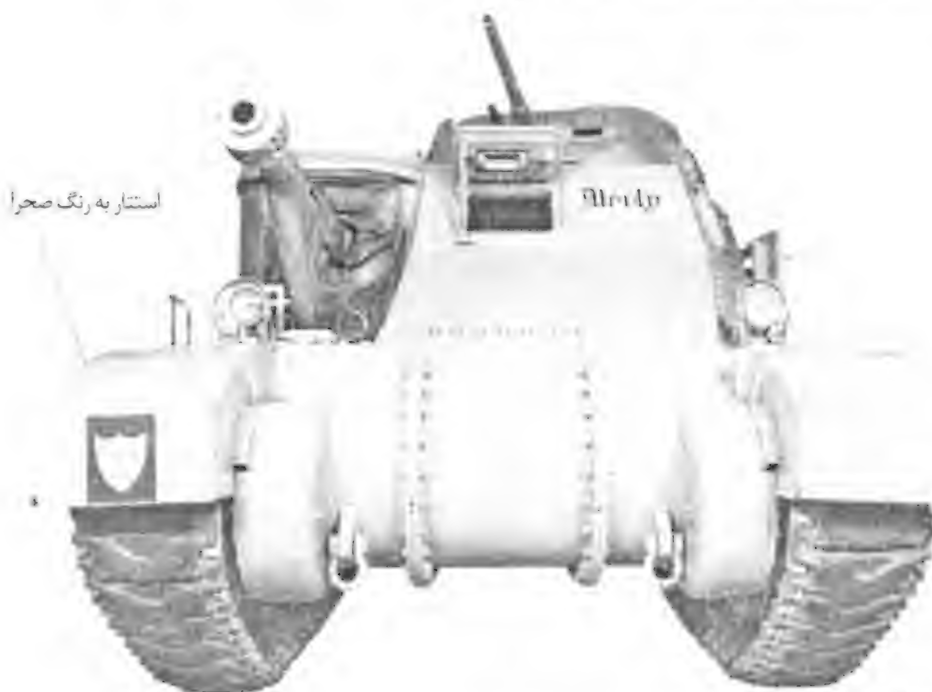


تانک T ۳۴ روسی

تانک ماتیلدا A ۱۲ ساخت انگلستان

جنگ تانک‌ها

در طول جنگ جهانی دوم، تانک‌ها به عنوان زره پوش سنگین در تمامی جبهه‌ها مورد استفاده قرار گرفت. پیشرفت جنگی به یاری تانک مستلزم برقرار ارتباط رادیویی دو سویه، و بکارگیری سیستم تعلیق بهتر بود که قدرت تحرک و قدرت آتش تانک را بهبود می‌بخشید. تانک M ۴ شرمن که بیشتر نیروی متحدین از آن استفاده می‌کردند، در کارخانه‌ها، بیش از سایر تانک‌ها تولید می‌شد.



تانک مونتی

مونتگمری (بنگرید به بالا) تانک ویژه خود را داشت که یک M۳A۳ اهدائی امریکا بود. و از آن برای مشاهده خط مقدم نبرد در شمال افریقا و بعداً در نبرد سیسیل و ایتالیا استفاده می‌کرد. تانک‌های مشابه این، نقش مهمی در شکست ارتش رومل داشتند.

تبلیغات و روحیه

هر دو سوی جنگ، متحدین و متفقین مجبور بودند مردم خود را قانع کنند که در این جنگ ویرانگر حق با آنهاست و طرف آن‌ها پیروز خواهد شد، تلاش در جهت بسط و گسترش این اندیشه و اقناع مردم، احتیاج به تبلیغات داشت و این کار به اندازه مهمات جنگی مهم بود. اما همیشه مرز بین حقیقت و تبلیغات بسیار باریک است. هر دو طرف برای حفظ روحیه جمعیت غیر نظامی در داخل کشور خود و نیروهای در حال نبرد در خارج، افکار عمومی را دستکاری می‌کردند. همچنین از تبلیغات برای شکستن روحیه دشمن نیز استفاده می‌گردید. برخی اعمال تبلیغاتی، خشن و برخی پیچیده بودند. ولی همان‌گونه که ژوزف گوبلز، وزیر تبلیغات آلمان نازی گفت: «یک حکومت خوب بدون تبلیغات خوب نمی‌تواند ادامه حیات بدهد.» از ابزای مانند سینما، رادیو (در دوران جنگ تلویزیون خیلی رواج نداشت)، پخش جزوه و پوستر در میدان نبرد در جهت ربودن دلها و عقل‌ها و القاء اندیشه‌های مورد نظر استفاده می‌شد، همچنین برای روحیه دادن به سربازان دور از وطن، بعضی از بازیگران سینما به نقاط مختلف سفر می‌کردند و برای این نیروها برنامه‌های سرگرم کننده اجرا می‌کردند تا اندکی از درد دروی از میهن انها کاسته شود.



هیتلر به عنوان رهبر

تبلیغات نقش مهمی در موفقیت هیتلر داشت. تبلیغات باعث شد وجهه او از رییس یک دولت به عنوان رهبر برجسته مردم آلمان ارتقا یابد. در اکثر تصاویر پخش شده وی اغلب در محاصره طرفداران آتشین خود قرار دارد و همچون یک سیاستمداری بزرگ و دوراندیش نمایش داده می‌شد که مردم خود را از طریق جنگ، به سروری جهان و پیروزی دشمنان خواهد رساند.



توکیو رز

اوا توگوری داکینو، عمدتاً معروف به توکیو رز، تنها شهروند امریکانی متهم به خیانت بود که مورد عفو قرار گرفت. وی پس از رویداد پرل هاربر در ژاپن به دام افتاد و برنامه رادیوئی اش بر علیه متفقین خاتمه یافت. در آن زمان حدود دوازده برنامه رادیویی به زبان انگلیسی از طرف ژاپن پخش می شد که بسیاری از آنها به تبلیغات ضد امریکانی می‌پرداختند. GIs به تمام آنها لقب کنایه‌آمیز «توکیو رز» را داده بود. پس از جنگ خانم داکیتو به ده سال زندان محکوم شد وی در سال ۱۹۷۷ مورد عفو رئیس جمهور فورد قرار گرفت.

بازوبند آلمانی

چتری برای نشان دادن کاریکاتور سرباز انگلیسی استفاده شده است

یونیفورم و نشان ژاپن

EUROPA

AFRICA

ASIA

کارتونی به نام اردنگی زدن به بریتانیائی‌ها

از سال ۱۹۴۲ انگلیسی‌ها موضوع کارتون‌های ایتالیانی بودند. در یکی از این کارتون‌ها، مدیترانه «دریاچه ای ایتالیائی» نامیده می‌شد که ایتالیایی‌ها تلاش دارند انگلیسی‌ها را از شمال آن یعنی آفریقا بیرون اندازند. در این کارتون، آلمان‌ها مشغول حسین اقدام در اروپا و ژاپنی‌ها در حال بیرون راندن انگلیسی‌ها از آسیا نشان داده می‌شدند. سه قدرت محور یعنی آلمان، ایتالیا و ژاپن دارای هدفی مشترک و ضد انگلیس بودند.



هوانوردان بریتانیائی اعلامیه‌های تبلیغاتی را بار هواپیما می‌کنند

بمباران دشمن با اندیشه‌ها ◄

این اعلامیه‌های ضد نازی به هواپیماهای RAF انگلیسی آورده می‌شوند تا در وین و پراگ به پائین ریخته شوند. طی جنگ، بمب افکن‌های بریتانیائی و امریکائی تقریبا ۶ میلیارد اعلامیه روی اروپای اشغالی فرو ریختند. هدف بعضی از آنها رسیدن به دست غیر نظامیان کشورهای اشغالی و هشدار به آنها علیه همکاری با دشمن بود. برخی دیگر از سربازان دشمن می‌خواستند دست از تلاش بیهوده بردارند و از فرمان مافوق‌های خود سرپیچی کنند یا تسلیم شوند.



قدرت متفقین ▲

اغلب، ساده ترین تصاویر موثرترین ابزار تبلیغاتی هستند. این پوستر که در سال ۱۹۴۳ در امریکا به چاپ رسیده مثال بسیار خوبی است. در این پوستر چهار کشور تشکیل دهنده متفقین در حال تکه تکه کردن علامت صلیب شکسته نازی دیده می‌شوند. یادآوری مداوم این نکته که همکاری و مشارکت کشورهای متحد بر قدرت دولت‌های محور غلبه خواهد کرد در افزایش روحیه مردم حتی در تاریک‌ترین روزهای جنگ کمک زیادی کرد.



ورالین برای دریانوردان هلندی نامه
[illegible] امضا می‌کند

سرگرم کردن نیروها

خواننده بریتانیائی ورالین معروف به «محبوب قلب نیروها» یکی از چندین هنرمندی بود که برای بالا نگه داشتن روحیه نیروها، ترانه اجرا می‌کرد. آوازهای وی، عامه پسند، به روز، آرام و احساسی بوده و موجب تسکین اعصاب درهم شکسته سربازان شده و به آنها اطمینان می‌داد که به زودی به میهن باز خواهند گشت.



خدایان جنگ امریکا

در اعلامیه چینی که در اوایل سال ۱۹۴۵ منتشر شد، آمده است: این خلبان امریکائی به شما کمک کرد تا ژاپنی‌ها را از آسمان چین بیرون برانید... اما او و همکاران چینی‌اش به هنگام مجروح شدن، گم شدن یا گرسنه شدن به کمک شما نیاز دارند. چنین درخواست‌هایی لازم بود تا به روستائیان چینی گفته شود کدام کشور، دوست و کدام دشمن است.



نابودگر سامورائی

در این پوستر از قدرت دولت‌های محور بعد از غرق کردن دو رزمنا بریتانیائی به دست ژاپنی‌ها تجلیل می‌شود. ژاپن که همچون جنگجویی سامورائی به تصویر درآمده است، رزمناوهای HMS شاهزاده ویلز و HMS ریپالز را نابود نمود که در سال ۱۹۴۱ از سنگاپور در برابر حمله ژاپن دفاع می‌کردند.

نسل کشی

یکی از اقدامات رعب‌آوری که در جنگ انجام شد، نسل کشی و تلاش نازی‌ها برای انهدام کامل بعضی از گروه‌های مذهبی در اروپا بود که می‌توان از آن به عنوان تکان دهنده‌ترین وقایع جنگ نام برد. نازی‌ها به شدت ضد نژاد یهود بودند و آنها را به همکاری با دشمن و جاسوسی متهم می‌کردند. بنابراین هزاران یهودی را به اردوگاه‌های کار اجباری فرستادند که در آن جا بسیاری تا سر حد مرگ کار کردند. برخی دیگر مجبور شدند در محلات پست شهرها زندگی کنند. هنگامی که ارتش هیتلر در سال ۱۹۴۱ به روسیه تجاوز کرد، میلیونها یهودی غیر آلمانی تحت کنترل نازی‌ها قرار گرفتند. نازی‌ها برای حل کامل مسئله یهودیان «راه حل نهائی» را طراحی کردند. آنها برای کشتن هزاران تن از یهودیان به صورت روزمره اردوگاه‌های مخصوصی تاسیس کردند. هیچ کس نمی‌داند چه تعداد به این شیوه منهدم شدند. بعضی می‌گویند بیش از ۶ میلیون نفر بدین سان به قتل رسیدند.



برای قرار دادن اجساد در داخل کوره از برانکار استفاده می‌شد

کوره‌های آدم سوزی ◄

لباس، مو، جواهرات و هرگونه دندان طلا از بدن زندانیان مرده جدا می‌شد و سپس آماده سوزاندن می‌گردید. دیگر زندانیان مجبور بودند در سوزاندن مرده‌ها به زندانبانان کمک کنند. در اشویتز، بعضی از زندانیان با منفجر کردن یکی از کوره‌های آدم سوزی، علیه این عمل هراس‌انگیز شورش کردند.



کاسه غذاخوری ◄

این قوطی خالی توسط زندانی یکی از اردوگاه‌ها به عنوان کاسه غذاخوری استفاده می‌شد. زمانی این قوطی حاوی کریستال‌های گاز سیانور بود که در اتاق‌های گاز به صورت گسترده برای کشتار هزاران نفر استفاده می‌گردید.



اندیشه‌های ضد یهود

در این پوستر تصویری نمایش داده می‌شود که در مونیخ آلمان در سال ۱۹۳۷ آن را «یهود ابدی» می‌نامیدند. این یکی از چندین روشی بود که نازی‌ها برای گسترش اندیشه‌های ضد یهود مورد استفاده قرار می‌دادند. آنها با به قدرت رسیدن در سال ۱۹۳۳ محدویت هایی برای تجار یهودی ایجاد کردند. در سال ۱۹۳۵ قوانین نورمبرگ را به تصویب رساندند که طبق آن یهودیان از حقوق شهروندی محروم می‌شدند.

یهودیان در محله پست ورشو در تیررس تفنگ نازی‌ها جمع آوری شده‌اند.



محله پست ورشو

در سال ۱۹۴۰، ۴۴۵۰۰۰ یهودی در ورشو پایتخت لهستان و در یک محله فقیر دیوارکشی شده جمع آوری شدند. سپس این محله کاملا در محاصره نظامی قرار گرفت. شرایط داخل آن وحشتناک بود و بسیاری از بیماری، سرما و گرسنگی جان باختند. در آوریل ۱۹۴۳، نازی‌ها با تانک و هواپیما برای پاکسازی آنها به این محله هجوم آوردند. یهودیان تا حد مرگ مقاومت کردند ولی تنها ۱۰۰ نفر از آنها موفق به فرار گردیدند.



رو به رو شدن با حقیقت

نیروهای متفقین، آلمانی‌های محلی را به درون بعضی از اردوگاه‌ها بردند تا از نزدیک با وحشی‌گری‌هائی که به نام نازیسم انجام شده بود روبه‌رو گردند. با آزاد شدن اردوگاه‌ها به دست نیروهای مهاجم روسیه، انگلیس و امریکا، حقیقت وحشتناک نسل‌کشی آشکار گردید.



ستاره زرد ◄

از سال ۱۹۴۲ بدین سو، یهودیان در اروپای تحت اشغال آلمان مجبور گردیدند ستاره‌ای زرد روی لباس خود بدوزند. بدین سان، شناسائی آنها برای مقامات آسان‌تر می‌شد. کسانی که در اردوگاه به سر می‌بردند نیز چنین لباس‌هائی به تن می‌کردند.





اردوگاه‌های مرگ ▲

نازی‌ها برای نگاهداری کمونیست‌ها، زندانیان سیاسی، کولی‌ها و کسانی که «نامطلوب» می‌دانستند، اردوگاه‌های کار اجباری ایجاد کردند. بسیاری مجبور شدند در نزدیک کارخانه‌ها ساکن و کار کنند. در سال ۱۹۴۲، هشت اردوگاه مرگ به اتاق‌های گاز برای سرعت بخشیدن به کشتار مخالین مجهز شدند. معروف‌ترین آنها اردواگاه آشویتز (عکس بالا و روبرو) و تربلینکا در لهستان بودند.

تصورات اولیه ◄

بسیاری از اسیران و زندانیان که با استفاده از راه‌آهن به اردوگاه‌ها فرستاده شدند تصور نمی‌کردند قرار است در اروپای شرقی کار کنند. به بعضی از قربانیان گفته شده بود که اتاق‌های گاز، حمام برای استحمام می‌باشد.

یک قربانی مجارستانی، یکی از بازماندگان بلسن



شرایط اردوگاه

شرایط داخل اردوگاه‌ها هراس‌انگیز بود. غذا به سختی یافت می‌شد و کسانی که قادر به کار بودند مجبور به انجام کارهای طاقت فرسا در شیفت‌های ۱۲ ساعته بودند. بسیاری از افسرانی که اردوگاه‌ها را اداره می‌کردند از آزار و اذیت زندانیان لذت می‌بردند. بعضی دیگر، معروف تر از همه دکتر ژوزف منگل در آشویتز، روی زندانیان زنده و مرده آزمایش‌های وحشتناکی انجام می‌دادند.

اردوگاه آشویتز در لهستان به عنوان یادگار همیشگی نسل‌کشی تاکنون حفظ شده است.

نگهبانان اس اس در بلسن دستگیر شدند.





مجازات نگهبانان

برای نیروهای متفقین که اردوگاه‌ها را آزاد ساختند، تحمل این واقعیت دهشتناک بسیار دشوار بود. وقتی سربازان امریکائی در آوریل ۱۹۴۵ به داخو وارد شدند، ۱۲۲ نگهبان اس اس آلمانی را در دم اعدام کردند. بعضی از نگهبان‌ها وادار شدند اجساد را دفن کنند. برخی افسران دستگیر و به اتهام جنایت علیه بشریت محاکمه شدند.

حمله روز دی (D - Day)

در سپیده دم ۶ ژوئن ۱۹۴۴ (روز دی)، بزرگترین حمله دریائی تاریخ از سواحل نرماندی فرانسه آغاز شد. عملیات خداوند بزرگ، نامی بود که متفقین برای آغاز حمله از فرانسه بر آن نهاده بودند. این عملیات نتیجه سالها برنامه ریزی دقیق بود. بیش از ۱۵۰۰۰۰ سرباز امریکایی، انگلیسی و کانادائی در عرض کانال انگلیس صف‌آرائی کردند تا پنج پل دریایی برای عبور تجهیزات جنگی ایجاد کنند. تمام خطوط ساحلی در تسخیر دشمن بود. به دلیل آب و هوای نامساعد حمله به تعویق افتاد ولی سرانجام فرمانده کل نیروهای متحد، ژنرال دوایت دی آیزنهاور (۱۹۶۹-۱۸۹۰) مسئولیت خطر پیشروی را به عهده گرفت. آلمان‌ها تهاجمی دورتر و در شرق را انتظار داشتند و بیشتر نیروهای خود را به شرق گسیل کرده و یا در آنجا استحکامات دفاعی ایجاد کرده بودند. عملیات در شب شروع شد چون در آن هنگام، پل‌ها امن به نظر می‌رسیدند و تلفات جانی در حدود ۲۵۰۰ سرباز برای عملیاتی در این مقیاس حداقل تلفات به حساب می‌آمد. آزادسازی اروپای غربی تحت اشغال آلمان آغاز شده بود.



◄ حمله از آسمان

چتربازان در پیاده شدن نیروها در نرماندی نقش مهمی بازی کردند. در اولین ساعات روز دی، چتربازان ارتش امریکا برای حفظ امنیت مواضع حیاتی نیروها، در پشت ساحل یوتا فرود آمدند. در این بین، چتربازان انگلیسی در پشت ساحل شمشیر فرود آمدند و در آن جا باطری (اسم رمز توپخانه) آلمان را از کار انداختند.



بندرهای مولبری ◄

یک افسر نیروی دریائی بریتانیا گفت «اگر نتوانیم بندری را برای استقرار نیروها تسخیر کنیم باید بندری درست کرده و آن را با خود ببریم». درنتیجه، دو بندر شناور با مولبری در بریتانیا ساخته شد. این بندرها دو جاده شناور عظیم فولادی بودند که در عرض کانال قرار داده شدند و ساحل گلد را به ساحل اوماها متصل نمودند.



کارت پستال‌های هوشمند

سرویس‌های اطلاعاتی متفقین از کارت پستال‌های نرماندی برای تهیه تصویری کامل از خط ساحلی، قبل از تهاجم استفاده می‌کردند. نقشه‌ها، عکس‌های هوائی و اطلاعات جاسوسان، دیگر منابع اطلاعاتی آنها بودند.



ساحل «شمشیر» ▲

این نقشه تفصیلی از ساحل «شمشیر»، نشان دهنده ویژگی‌های فیزیکی و خطراتی است که سربازان هنگام پیاده شدن در ساحل با آن روبه‌رو می‌شدند. «شمشیر» نام رمز شرقی‌ترین بخش ساحل بود و مانند سواحل مجاور «جونو» و «گلد» در طوفان حملات نیروهای انگلیسی و کانادائی قرار گرفت. نیروهای امریکائی در سواحل باختری «اوماها» و «یوتا» پیاده شدند.



موتورسیکلت دوچرخه مانند انگلیسی

موتورسیکلت تاشو

موتورسیکلت‌های تاشو برای آسان کردن ترابری نیروهای هوابرد در حال پیاده شدن، در پشت خطوط دشمن فرو افکنده می‌شدند. موتورها سوخت لازم برای طی مسیر ۱۴۴ کیلومتری را داشتند و می‌توانستند با سرعتی بیش از ۴۸ کیلومتر در ساعت حرکت کنند.


خمپاره آماده آتش

◀ عمل انفجاری

با رسیدن به ساحل، متفقین شروع به پیشروی در درون خشکی، مقابله با تک تیراندازها، تانک‌ها و استحکامات مخفی شده در میان علفزارهای نرماندی کردند. پیشروی کند بود اما تا آخر ماه ژوئیه، متفقین تقریباً یک میلیون نیرو در فرانسه پیاده کرده بودند. سپس آنها به سوی شرق یعنی به سمت پاریس حرکت همه جانبه خود را آغاز کردند.

بالون‌های سد کننده برای حفاظت از تجهیزات در برابر حملات هوائی



در ساحل ◀

این منظره از ساحل اوماها روز پس از روز دی، نمونه‌ای از تهاجم به ساحل است که کامیون‌ها، تانک‌ها و نیروهای نظامی به گل می‌نشستند. همین که موج اول سربازان به ساحل می‌رسید آنها شروع به امن کردن ساحل از خطر حمله دشمن می‌کردند. سپس کشتی‌ها شروع به پیاده سازی حجم وسیعی از تجهیزات می‌نمودند.

حمله «اوماها» ▼

سخت‌ترین مکان از پنج مکان پیاده سازی نیروها، ساحل «اوماها» بود. دورتادور این ساحل را تپه‌های بلند احاطه کرده و تنها چند مسیر جاده‌ای در آن وجود داشت که دفاع از آن را مشکل می‌ساخت و حمله به آنجا دشوار بود. نیروهای امریکائی حداقل ۳۰۰۰ نفر تلفات متحمل شدند. اما توانستند تا نیمه شب یک پل ۳ کیلومتری ایجاد کنند.



بمب هسته ای

دو دانشمند، فیزیک دان آلمانی بمب هسته‌ای را در اوایل سال ۱۹۳۸ کشف کردند. آنها هسته اورانیوم را شکافتند و واکنش زنجیره‌ای اتم‌ها، قدرت نهفته عظیمی را آشکار کرد. بعد از ورود امریکا به جنگ در سال ۱۹۴۱ یک تیم از دانشمندان کشورهای مختلف، که بسیاری‌شان از آلمان نازی گریخته بودند، برای تبدیل این کشف به بمب هسته‌ای تلاش کردند، پروژه مانهاتان، نام معروف این عملیات بود که در لوس آلموس، ایالت نیومکزیکو، مستقر بود و رابرت اوپنهایمر، فیزیکدان هسته‌ای (۱۹۶۷-۱۹۰۴) رهبری آن را به عهده داشت. در ژوئیه ۱۹۴۵، این تیم سه بمب هسته‌ای به وجود آورد. اولین بمب با موفقیت در ۱۶ ژوئیه ۱۹۴۵ در صحرای نیومکزیکو آزمایش شد.



بطری ذوب شده در اثر انفجار در هیروشیما

موتورهای قدرتمند دوگانه هواپیمای B-29 را قادر می‌ساختند بمب‌های سنگین را در مسافت‌های طولانی حمل کنند.



انولاگی ▲

بمب افکن غول پیکر امریکائی، معروف به «انولاگی» در ساعات اولیه بامداد ۶ اوت ۱۹۴۵ از زمین برخاست. هواپیما بار خود را روی هیروشیمای ژاپن فرو افکند. این واقعه در ساعت ۸:۱۵ صبح انجام شد.



پسر کوچک بمبی (۳ متری با قطر ۷۱ سانتیمتر بود.

کوچک اما مرگبار ▲

«پسر کوچک» بمب مبتنی بر اورانیوم ۲۳۵، در حدود ۴۰۸۲ کیلوگرم وزن داشت و نام بمبی بود که روی هیروشیما افکنده شد. قدرت انفجار آن ۲۰۰۰ برابر بزرگتر از بزرگترین بمب‌هائی بود که قبلا منفجر شده بودند.

ابر قارچی شکل از فاصله ۵۸۰ کیلومتری قابل مشاهده بود.



تنها مشتی آجر از انفجار بمب در ناکازاکی باقی ماند

بمباران ناکازاکی ◄

در بامداد ۹ اوت ۱۹۴۵، سومین و آخرین بمب هسته‌ای روی جنوب شهر ناکازاکی ژاپن افکنده شد. نام بمب «مرد چاق» بود. این بمب مبتنی بر پلوتونیوم و وزنی معادل ۴۵۳۶ کیلوگرم داشت. هدف اصلی در واقع پایگاه مهم نظامی ژاپن به نام کوکورا بود. اما شرایط بد جوی باعث شد در آخرین لحظه ناکازاکی جایگزین شود. حدود ۷۳۸۸۴ نفر کشته و ۵۱۰۰۰ ساختمان شهر به کلی ویران، یا به شدت خسارت دید.

ابر تا فاصله ۱۰۰۰۰ متری بالا می‌رود



اسیران ژاپنی از تسلیم کشورشان آگاه می‌شوند

تسلیم ژاپن ▲

در ۹ اوت ۱۹۴۵ و در همان روز انفجار ناکازاکی، روسیه با پیشروی در منچوری به ژاپن حمله کرد. در آن شب، شورای عالی جنگ ژاپن به ریاست امپراطور هیروهیتو تشکیل جلسه داد. اما نتوانست در مورد یک برنامه عملی تصمیم‌گیری کند. سپس هیروهیتو مسئولیت را عهده‌دار شد و تقاضای متفقین برای تسلیم ژاپن را پذیرفت. بدین شرط که وی بتواند امپراطوری باقی بماند. روز بعد هیروهیتو در رادیوی ملی ژاپن سخنرانی کرد. این برای اولین بار بود که صدای او شنیده می‌شد و تسلیم ژاپن را به مردم اعلام نمود.

موج انفجار تا ۵۰۰ ام پی اچ (۸۰۰ کی پی اچ) قدرت داشت

هراس بر فراز هیروشیما

بمبی که روی هیروشیما افکنده شد در فاصله ۶۰۰ متری بالای شهر منفجر شد. این بمب نور کورکننده و گرمائی تولید کرد که در اثر انفجار تشعشعات آن تا فاصله ۳/۶۶ کیلومتری منتشر شد و تا ۱۳ کیلومتر مربع، هر ساختمانی را با خاک یکسان نمود. در عرض پنج روز بیش از ۱۳۸۶۶۱ نفر جان باختند.



بازماندگان، جیره اضطراری برنج در دست دارند

بازماندگان

بیش از ۲۰۰۰۰۰ شهروند هیروشیما و ناکازاکی در اثر انفجار هسته‌ای کشته شدند. و بسیاری دیگر از سوختگی‌های شدید و دیگر جراحت‌ها مانند تشعشع‌زدگی آسیب دیدند. اثرات بلندمدت تشعشع مانند سرطان و کم‌خونی، هم روی بازماندگان هم فرزندان آنها باعث شد محاسبه آمار دقیق مرگ‌ها ناممکن شود. اما احتمال می‌رود که فقط در هیروشیما ۱۵۰۰۰۰ نفر در پنج روز اول انفجار در اثر تشعشع جان باخته باشند.

«برقی خیره کننده آسمان را پر کرد... و دنیای اطرافم فرو ریخت و از هم پاشید»

— خطر یک بازمانده هیروشیما



موزه علم و صنعت از اوت ۱۹۴۵ تاکنون دست نخورده مانده است

▲ اگرچه هیروشیما و ناکازاکی بعد از جنگ بازسازی شدند ولی ناحیه مرکزی ویران شده هیروشیما به عنوان یادبود وحشت سلاح‌های هسته‌ای، دست نخورده باقی ماند. از سال ۱۹۵۵ تاکنون هر ساله در هیروشیما کنفرانس بین‌المللی ضد سلاح‌های هسته‌ای برگزار می‌شود.

دما در سطح زمین به ۵۰۰۰ درجه سانتی‌گراد می‌رسد

آزادسازی

آزادسازی اروپا از حاکمیت آلمان و ایتالیا به تلاشی طولانی و خستگی ناپذیر نیاز داشت. از نخستین پاتک نیروهای روسیه در استالینگراد در سال ۱۹۴۲، ارتش سرخ به آرامی ارتش آلمان را به سوی غرب روسیه به عقب رانده بود. جبهه لهستان تا ژانویه ۱۹۴۴ گشوده نشد، اما نبرد در منطقه بالکان تا سال ۱۹۴۵ تداوم یافت. آزادسازی ایتالیا به دست نیروهای متفقین از حاکمیت فاشیسم به همین نسبت کند بود و این در حالی بود که آزادسازی فرانسه تا ژوئن ۱۹۴۴ آغاز نشد. دانمارک، نروژ، و بخش‌هائی از هلند و اتریش تا تسلیم نهایی آلمان در مه ۱۹۴۵ تحت حاکمیت آلمان نازی باقی ماندند. در آسیا، تنها فیلیپین و اکثر بخش‌های برمه و برخی جزایر تا پایان جنگ از سلطه ژاپن خارج شده بود. در همه جا، مردم محلی باید زندگی خود را از سر می‌گرفتند و خسارات ناشی از جنگ را در میان ویرانه‌های منازل خود محاسبه می‌کردند.



پارتیزان‌های ایتالیائی در اقدامی برای آزادسازی میلان

آزاد از فاشیسم ▲

در ژانویه ۱۹۴۵ نیروهای متفقین به سمت شمال ایتالیا پیشروی نمودند؛ از آن جا پارتیزان‌های ارتش مقاومت به آنها یاری می‌رساندند. این پارتیزان‌ها برای سرنگون سازی حکومت پوشالی موسولینی و اخراج آلمان‌ها از ایتالیا می‌جنگیدند. آنها میلان و تورن را آزاد ساختند و مسئول اعدام موسولینی در آوریل ۱۹۴۵ نیز بودند.



آزادسازی پاریس

رهبر فرانسه ژنرال دوگل، در جلو صف راهپیمایان به سوی انتهای خیابان شانزه لیزه در پاریس در ۲۶ اوت ۱۹۴۴ حرکت می‌کند. آلمان‌ها از ۱۴ ژوئن ۱۹۴۰ پاریس را به اشغال درآورده بودند. در ۹ اوت ۱۹۴۴، جنبش مقامت شکل گرفت و نیروهای فرانسه آزاد، شش روز بعد شهر را درنوردیدند. فرمانده آلمان‌ها ژنرال چولتیز تسلیم شد.



سینه‌خیز سربازان روی ویرانه‌های صومعه‌ای در مونت کازینو

سقوط مونت کازینو

چتربازان آلمانی روی آوارهای صومعه مونت کازینو در ایتالیا در سال ۱۹۴۴ با سربازان متفقین وارد جنگ شدند. پس از حمله متفقین و آزادسازی سیسیل در ژوئیه ۱۹۴۲، ایتالیا تسلیم شد. در ماه اکتبر ایتالیا تغییر جهت داد و به آلمان متحد قبلی خود اعلان جنگ نمود. نیروهای آلمانی سپس به ایتالیا سرازیر شدند و متفقین مجبور شدند برای پیشروی خود در تمام طول این کشور به جنگ بپردازند.



دو زن علامتی را در جلو ستاد نازی در ترویز، فرانسه درهم می‌شکنند.

نازی زدائی

با بیرون رانده شدن آلمان‌ها از کشورهای اشغالی توسط متفقین، مردم محلی شروع به زدودن تمامی علائم برجا مانده از حاکمیت قبلی نازی ها نمودند. علائم به زبان آلمانی نابود و نمادهای نازی از ساختمان‌ها حذف شدند و مردم شروع به بازسازی کشورهای ویران شده خود نمودند.



عقاب هیتلر ◄

این عقاب برنزی عظیم در دفتر کار رسمی هیتلر در برلین یا اتاق رایش، نصب شده بود. این دفتر در تسخیر نیروهای روس قرار گرفت و یک افسر ارتش سرخ در سال ۱۹۴۴ آن را به سربازی انگلیسی در برلین داد. در بالهای آن هنوز نشانه‌هائی از اصابت ترکش‌های جنگ در برلین به چشم می‌خورد.

سرباز روسی پرچم سرخ را در بالای ساختمانی در پایتخت آلمان، برلین بالا می‌برد



سقوط برلین ◄

در ۲ مه ۱۹۴۵، دو روز بعد از خودکشی هیتلر، سربازان شوروی برای برافراشتن پرچم سرخ به علامت پیروزی، بر بام رایشتاگ، پارلمان اشغال شده آلمان رفتند. عقب راندن آلمان‌ها از دروازه‌های استالینگراد تا حومه برلین، پایتخت آلمان، دو سال و نیم نبرد بی‌رحمانه زمان برد.

آزادی فرانسه ◄

با آزاد شدن فرانسه، صلیب‌های شکسته نازی پائین آورده شد و جای خود را به پرچم سه رنگ فرانسه داد. آزادسازی فرانسه از روز دی (۶ ژوئن ۱۹۴۴) آغاز شده بود و با پیشروی متفقین به سوی شرق یعنی آلمان در اوایل سال ۱۹۴۵ پایان یافت. نیروهای فرانسه آزاد قبلاً به رهبری دوگل، دولت موقتی را برای بازپس‌گیری فرانسه از چنگ آلمان تاسیس کرده بودند.

یک سرباز در حال کشیدن پرچم نازی پشت سر خود بعد از آزادسازی فرانسه

پیروزی

مراسم تسلیم بی قید و شرط نیروهای آلمانی در ساعت ۲:۴۱ بامداد ۷ مه ۱۹۴۵ در مدرسه کوچک ریمز، شمال فرانسه، انجام شد. سفیرانی از چهار کشور متحد، انگلستان، فرانسه، امریکا و شوروی شاهد این واقعه بودند. مراسم در فردای آن روز یعنی ۸ مه مجددا در برلین تکرار شد که رسما به عنوان روز وی (پیروزی در اروپا) معروف شد. سه ماه بعد، پس از فرو افکندن دو بمب هسته‌ای روی شهرهای هیروشیما و ناکازاکی، ژاپن در ۱۴ اوت تسلیم گردید. مراسم رسمی تسلیم بر روی عرشه رزمناو میسوری امریکا در ۲ سپتامبر ۱۹۴۵، در خلیج توکیو انجام شد. پس از شش سال جنگ بین المللی، سرانجام دنیا به صلح رسیده بود. متفقین برنامه‌های مفصلی برای برخورد با دشمنان پیشین خود آماده کرده بودند، که به سرعت می‌خواستند اجرا کنند و فقط چند روز را صرف برپائی جشن پیروزی کردند.



مردم با ریختن نوار کاغذی فضای جشن در خیابان وال استریت شهر نیویورک را شادمانه‌تر می‌سازند.

روز پیروزی در شهر نیویورک ◄

چند روز پس از تسلیم بی‌قید و شرط نیروهای آلمانی در ۷ مه، دنیا سرانجام بهانه‌ای برای جشن گرفتن در اختیار داشت. در سراسر امریکا، مردم به خیابان‌ها ریختند و جشن‌های خودجوش برگزار کردند. در لندن، نخست‌وزیر بریتانیا، وینستون چرچیل در پیشخوان کاخ باکینگهام همراه با خانواده سلطنتی در برابر مردم شادمان انگلیس حاضر شد. در پاریس و دیگر شهرهای تازه آزاد شده اروپا، جشن‌ها و مهمانی‌های پرشورتری برگزار گردید.

«شرق و غرب به هم رسیده‌اند. این خبری است که کل دنیای متفقین منتظر آن بوده‌اند. نیروهای آزادی‌بخش دست یکدیگر را فشرده‌اند.»

مفسر خبری رادیو امریکا، ۱۹۴۵



آتش بازی در مسکو ▲

مسکو با نمایش آتش بازی و رژه نظامی در میدان سرخ، پیروزی خود بر آلمان را جشن گرفت. علامت‌های جنگی به غنیمت گرفته شده، مانند پرچم‌های آلمان نازی، زیر پای رهبران پیروزمند روسیه افکنده شد.


EXTRAORDINARY ISSUE

Amrita Bazar Patrika

JAPAN QUITS!

روزنامه هندی که به زبان انگلیسی چاپ شده است

◀ تسلیم ژاپنی‌ها

وی-جی (روز پیروزی در ژاپن) در ۱۵ اوت ۱۹۴۵ عاملی برای برگزاری جشن‌های دیگر در سراسر جهان بود. اما اگرچه ژاپن رسماً تسلیم شده بود، بسیاری از نیروهای ژاپنی به جنگ ادامه می‌دادند تا آن که در ماه سپتامبر سرانجام صلح برقرار شد.



◀ صلیب والور

به نظامیان لهستانی که در جنگ شجاعت بسیار نشان داده بودند، نشان صلیب والور اعطا شد. تصویر عقاب بومی لهستان در وسط صلیب به چشم می‌خورد.



سنت جرج قاتل اژدها

صلیب سنت جرج بریتانیا ▲

این نشان را نخستین بار جرج پانزدهم در سال ۱۹۴۰ به کسانی اهدا نمود که در جنگ از خود فداکاری نشان داده بودند. در سال ۱۹۴۲ این نشان به مردم مالتا به افتخار رنج‌های آنان در جنگ اهدا شد.

پیامدها

کشورهای دنیا در سال ۱۹۴۵ با وظیفه‌ای عظیم روبه‌رو بودند. هم طرف‌های پیروز و هم طرف‌های شکست خورده، خسارت‌های وحشتناکی را متحمل شده، و حدود ۵۵ میلیون نفر در صحنه جنگ یا در جبهه میهنی خود جان باخته بودند. بدترین اثرات در اتحاد شوروی با ۲۰ میلیون کشته و یا در لهستان که یک پنجم کل جمعیت پیش از جنگ خود را از دست داد، به چشم می‌خورد. ادعا می‌شود که شش میلیون یهودی جان خود را در هولوکاست از دست دادند. تمام کشورها به جز ایالات متحده امریکا، بعد از جنگ با شهرهای بمباران یا ویران شده یا کارخانه‌ها و کشتزارهای نابود شده، روبه‌رو بودند. رهبران آلمان و ژاپن در برابر دادگاه‌های جنایات جنگی محاکمه شدند و بسیاری از سربازان به مدتهای طولانی در اردوگاه‌های اسرا زندانی شدند. در همه کشورها، بازسازی پس از جنگ کند پیش می‌رفت. هنوز آثار دردناک ناشی از این جنگ وحشتناک در شهرها و حتی روحیات مردم باقی مانده بود و شبح ترس از جنگی ویرانگر و مجدد مردم را می‌ترساند. اما در تمام کشورها، اراده نیرومندی برای گذار از این مرحله و بازسازی ویرانی‌ها به چشم می‌خورد.

سازمان ملل



سازمان ملل یکی از آخرین میراث‌های جنگ بود. نمایندگان ۲۶ کشور از جمله امریکا، شوروی، بریتانیا و چین در ۱ ژانویه ۱۹۴۲ در واشینگتن دیدار کردند. همه طرفها توافق کردند که بدون موافقت دیگر اعضای سازمان ملل با دولتهای محور (ایتالیا، آلمان و ژاپن) صلح نکنند. در اکتبر ۱۹۴۵، سازمان دائمی ملل متحد با ۵۱ عضو تاسیس شد. ایران از جمله اولین اعضای سازمان ملل بود.

ادامه جیره‌بندی

پایان جنگ به معنای پایان کمبودها در سراسر اروپا نبود. تا زمانی که کشاورزی و صنعت بتواند به وضعیت عادی تولید باز گردد، غذا و نیازهای اساسی کماکان با کمبودهای نومید کننده‌ای روبه‌رو بود. نان برای اولین بار در انگلستان در سال ۱۹۴۶ جیره‌بندی شد و سهمیه‌بندی گوشت تا سال ۱۹۴۵ پایان نیافت.



دفترچه سهمیه‌بندی وزارت مواد غذائی انگلستان برای سال‌های ۵۰-۱۹۴۵

خانه‌های پیش ساخته



خانه‌های پیش ساخته در بریتانیا برای اسکان هزاران نفر از مردم بی‌خانمان شده در اثر بمباران مورد استفاده قرار گرفت. مصالح فولادی، آلومینیومی و فایبرگلاس در ابعاد کوچک آماده شده بود و نصب آنها برای ساختن یک سرپناه تنها چند روز زمان نیاز داشت. در دهه ۱۹۴۰ بیش از ۱۵۰۰۰۰ منزل پیش ساخته نصب گردید. گرچه هدف از ساختن آنها، راه حلی موقتی برای اسکان مردم بود ولی بعضی از آنها امروز نیز سرپا باقی مانده‌اند.



بدنه در هم شکسته جنگنده M۱۱۰ سراشمیت متعلق به هس (جانشین هیتلر)

سقوط به زندان منجر می‌شود

در ۱۰ مه ۱۹۴۱، رودلف هس، جانشین رهبر حزب نازی، از آلمان به اسکاتلند پرواز کرد. هواپیمای او سقوط کرد و هس تسلیم شد و ادعا نمود به دنبال صلح بوده است. در جریان دادگاه‌های نورمبرگ، هس به حبس ابد محکوم شد و تا زمان مرگش در سال ۱۹۸۷ در زندان اسپاندو در برلین باقی ماند. دلایل واقعی پرواز هس هرگز کاملاً فاش نگردید.



دور کردن آوارها

در سراسر آلمان، مردم برای بازسازی شهرهای بزرگ و کوچک ویران شده خود تلاش می‌کردند. آنها خانه‌های بمباران شده را تخلیه کرده، آوارها را از جاده‌ها و گذرگاه‌ها زدوده و به بازسازی شهرها یاری رساندند. کار دشوار و ناخوشایند، بود زیرا گاهی آنها با اجساد در حال تجزیه در سرداب‌ها و زیرزمین‌های ساختمان‌ها مواجه می‌شدند.

امریکای ثروتمند



امریکا بعد از جنگ، بسیار قوی‌تر و ثروتمندتر از زمانی که وارد جنگ شده بود، به عنوان قدرتی بین المللی ظهور کرد. به استثنای تعدادی از جزایر اقیانوس آرام که جزو قلمرو این کشور محسوب می‌شد، هیچ نقطه دیگری از آن مورد بمباران یا تجاوز قرار نگرفت و مردم بدون اینکه به فکر بازسازی باشند به سرعت وارد عرصه تولید شده و دولت آمریکا نیز به سرعت کارخنجات تولید وسایل و تجهیزات جنگی را به کارخانه‌های تولید کالاهای مصرفی مورد نیاز تبدیل کرده و با صادرات این کالاها به دیگر کشورهای جنگ رده، درآمد و سود سرشاری بدست آورد. دستمزدها به سرعت افزایش پیدا کرد و بسیاری از امریکائی‌ها به راحتی توانستند از عهده خرید منازل ویلائی در حومه شهر و اتومبیل‌های جدید برآیند.

دادگاه‌های جنایت جنگی



پس از جنگ، بسیاری از مقامات ارشد نازی و ژاپنی به اتهام ارتکاب جنایت‌های جنگی گوناگون به محاکمه کشیده شدند. در نورمبرگ آلمان ۶-۱۹۴۵ دادگاه ۲۲ مقام ارشد نازی توسط دادگاه نظامی بین‌المللی متشکل از قضات امریکائی، فرانسوی، روس و انگلیسی برگزار شد. دوازده تن از ۲۲ متهم به مرگ محکوم شدند. در ژاپن، ژنرال توجو در سال ۱۹۴۸ به مرگ محکوم گردید. دادگاه‌های بعدی مانند دادگاه افسران اردوگاه‌های اسیران نازی در سال ۱۹۴۸ برگزار و سالها ادامه یافت.



پارک صلح هیروشیما

این تندیس یادبود، در پارک صلح شهر هیروشیما واقع است. پارک یادآور صدمات وحشتناکی است که سلاح‌های هسته‌ای در هر جا می‌توانند به مردم وارد آورند. از زمان جنگ تاکنون، کوشندگان صلح در سراسر جهان به اعتراضات خود ادامه داده‌اند تا یقین پیدا کنند دو بمب هسته‌ای افکنده شده روی شهرهای هیروشیما و ناکازاکی، آخرین سلاح‌های هسته‌ای خواهند بود که که دولتها مورد استفاده قرار داده و یا خواهند داد.

آیا می‌دانید؟

رخدادهای کم اهمیت

یک یگان متشکل از ۲۹ تانک آبی - خاکی شرمن از کشتی‌های متفقین در روز حمله به نرماندی (۶ ژوئن ۱۹۴۴) پیاده شد ولی فقط دو تانک موفق به این کار شدند. تانک‌های دیگر در دریاهای ژرف غرق شدند. در سال ۲۰۰۰ غواصان توانستند محل قرار گرفتن اکثر تانک‌ها روی بستر دریا را کشف کنند.

در سال ۱۹۷۴ سربازی ژاپنی به نام هیرو اونادو، از جنگل‌های جزیره لوبانگ اقیانوس آرام بیرون آمد. او هنوز فکر می‌کرد جنگ ادامه دارد و به مدت ۲۹ سال در آن جا مخفی شده بود. غافل از آن که کشورش مدتها پیش تسلیم شده بود.

بعد از جنگ اسباب و اثاثیه های ارزانی با استفاده از کمترین مقدار چوب و دیگر مواد خام ممکن طراحی شد. این نوع اثاثیه‌ها در اصل مورد استفاده تازه عروس و دامادها یا خانواده‌هائی قرار می‌گرفت که همه چیز خود را در حمله هوائی از دست داده بودند.

در سال ۱۹۴۲ برای جمع آوری اعانات و مراقبت از کودکان در یونان جنگ زده، سازمان خیریه اوکتام به وجود آمد. امروزه، این سازمان برای رفع مشکلات کودکان سراسر جهان تلاش می‌کند.

در سال ۲۰۰۳ پیغامی در یک بطری در ساحل سوئد به دست آمد. این پیغام ۶۰ سال قبل توسط یک پناهنده استونیائی که در گوتشکا ساندئون (۱۵۰ کیلومتری سوئد) مخفی شده بود، ارسال گردیده بود. حدود ۲۰۰۰ پناهنده کشورهای بالتیک در طول جنگ در این جزیره پناه جسته بودند.

در جاهائی که فرستنده یا تلفن در دسترس نبود، نظامیان برای ارسال گزارش‌های اضطراری از کبوتر نامه‌بر استفاده می‌کردند. ارتش‌ها دارای کبوترهای ویژه و قفس‌های متحرک نگاهداری از کبوتر بودند.

پیغام آورده شده توسط پست کبوتر



اعضای ارتش هشتم بخش سرویس کبوترهای نامه‌بر

ژاپن و روسیه هرگز بعد از جنگ رسماً به دشمنی‌های خود پایان ندادند. برنامه‌ها برای واداشتن آن دو کشور به امضای پیمان صلح رسمی درسال ۲۰۰۰ به هیچ نتیجه‌ای نرسید. ژاپن خواهان آن است که چهار جزیره در منطقه کوریل، نزدیک به ساحل خود را که روسیه در پایان جنگ به تصرف خود درآورده، به آن کشور بازگردانده شود.



در سال ۱۹۳۹، شیمیدان سوئیسی، پل مولر، کشف کرد که ماده شیمیائی DDT بر اساس ترکیباتی از کلر ضد حشرات است. به یمن اکتشاف او، از DDT برای حفاظت از نیروها در برابر بیماری‌های ناشی از حشرات ناقل در طی جنگ استفاده شد.



شاهزاده الیزابت(راست)



شاهزاده الیزابت، که بعد با مقام ملکه الیزابت دوم تاجگذاری کرد، ملکه بریتانیا سهم خود را در تلاش‌های جنگی ادا نمود. او به واحد خدمات ارضی پشتیبانی پیوست و رانندگی کامیون را به عهده گرفت.



در سال ۱۹۳۵، دولت بریتانیا از مهندس رابرت واتسون وات درخواست کرد روی پروژه «اشعه مرگ» کار کند و با استفاده از امواج رادیوئی قادر به انهدام هواپیماهای دشمن شود. ولی به جای آن، واتسون وات توانست از امواج رادیوئی برای شناسائی هواپیماها استفاده کند، بدین ترتیب رادار یا «شناسائی و ردیابی رادیوئی» متولد شد.



هنگام به پایان رسیدن دوره خدمت، هر سرباز انگلیسی یک دست لباس غیر نظامی دریافت می‌کرد. کت و شلوار، اورکت، پیراهن، دویقه مصنوعی، کلاه، کروات، دو جفت جوراب و یک جفت کفش



سربازی بریتانیائی لباس مرخصی خود را برمی‌دارد



پنیسیلین «داروی شگفت‌انگیز» جان میلیونها سرباز را نجات داد. در سال ۱۹۴۲ این دارو در مقیاس عظیم در خط تولید قرار گرفت.



هر دو سوی جنگ از سگ‌های پیغام‌بر استفاده می‌کردند. ارتش امریکا نیز هفت هنگ از سگ‌های جنگی نیز تربیت کرده بود. آنها به عنوان دیده‌ور یا نگهبان در اقیانوس آرام خدمت می‌کردند.



سرباز آلمانی همراه سگ پیغام رسان خود

Q کدام جاسوس دو جانبه زمان جنگ الهام‌بخش جیمز باند بود؟

A یان فلمینگ، نویسنده، به قدری تحت تاثیر جاسوس اهل یوگسلاوی، دوشکو پوپوف (۱۹۸۱-۱۹۱۲) قرار گرفته بود که شخصیت داستانی مشهور خود به نام ۰۰۷ را براساس زندگی او قرار داد. سازمان اطلاعات آلمانی، آبور، در تابستان ۱۹۴۰ پوپوف را به استخدام درآورد، بدون آن که بداند در واقع وی ضد نازی است. به زودی پوپوف فعالیت جاسوسی خود را برای سازمان اطلاعات انگلستان MI۵ و MI۶ آغاز نمود. آنها برای فریب مدیران آلمانی او، اطلاعات جعلی در اختیار پوپوف نهادند. پوپوف حداقل به پنج زبان سخن می‌گفت و با جوهر نامرئی مخصوص به خود نامه می‌نوشت. همچنین او نخستین جاسوسی بود که از میکروفیلم، یعنی عکس‌های کوچک شده به مقیاس یک نقطه، استفاده کرد. در سال ۱۹۴۱، وی برای ادامه کار به امریکا رفت. وی اطلاعاتی به دست آورد مبنی بر این که ژاپنی‌ها سرگرم برنامه‌ریزی برای حمله به پرل هاربر هستند. ولی متاسفانه FBI هشدارهای او را جدی نگرفت. پوپوف هنگام زندگی در امریکا، در پنتهاوس یک آپارتمان به سر می‌برد و با هنرپیشه‌های زن سینما حشر و نشر داشت و به همین خاطر به داشتن زندگی لاابالی‌گرانه معروف شد. او گزارش زندگی و فعالیت‌های جاسوسی و ضد جاسوسی خود در زمان جنگ در سال ۱۹۷۴ را به رشته تحریر درآورد.

Q

ماژیک چه نقشی در زمان جنگ بازی کرد؟

A

«ماژیک» نام رمز داده شده به گروه رمزنگاران امریکائی بود که سعی می‌کردند دستگاه رمزگذاری ژاپن را از کار بیاندازند. نام دستگاه رمز ژاپنی‌ها، دستگاه مخملی بود که جینسابورو ایتو در سال ۱۹۳۹ آن را اختراع کرده بود. در سال ۱۹۴۰ امریکائی‌ها توانستند توسط شخصی به نام ویلیام فریدمن، رمز دستگاه ژاپنی‌ها را بگشایند. موفقیت آمریکا در نبرد می‌دوی در اقیانوس آرام تا حدی مدیون کاری بود که گروه ماژیک به انجام رساند.

Q

کد سری مورد استفاده دریانوردان امریکا چه بود؟

A

از سال ۱۹۴۲، دریانوردان امریکائی در اقیانوس آرام از زبان بومی سرخپوستان ناواجو به عنوان کد

کیتی هاوک متعلق به اسکادران شماره ۱۱۲ RAF، سال ۱۹۴۳



سری خود استفاده می‌کردند. به این خاطر این زبان انتخاب شد، چون خیلی پیچیده بود و تنها عده اندکی از غیر ناواجوئی‌ها قادر به تکلم این زبان بودند. در زبان سرخپوستان ناواجو هرگز واژگان نظامی وجود نداشت، بنابراین فرمانده هان نظامی به کلمات موجود، معناهای جدیدی می‌دادند. مثلاً کلمه‌ای که به معنی مرغ بود یعنی داه - هه - تی - هی برای هواپیمای جنگنده بکار می‌رفت. حدود ۴۰۰ سرخپوست ناواجو به عنوان گویندگان رمز برای استفاده آموزش داده شده و به استخدام ارتش آمریکا در آمدند. ژاپنی‌ها هرگز موفق به شکستن آن نشدند.

Q کدام طرف نخستین بار از چترباز استفاده کرد؟

A روس‌ها برای اولین بار از چترباز استفاده کردند، آنها در سال ۱۹۳۵ به ناظران نظامی آن را نشان دادند. همچنین آنها این تخصص را به آلمان‌ها آموزش داده بودند. متفقین تا سال ۱۹۴۰ چنین توانائی نداشتند تا آن که در این سال آموزشگاه چتربازی مرکزی، در نزدیکی منچستر انگلستان گشوده شد. سربازانی از تمام کشورهای متحد در آن جا آموزش دیدند و در عرض ۶ ماه حدود ۵۰۰ تن از آنها آماده عملیات بودند.



سربازی در یک بیمارستان صحرائی پیشرفته در حال دریافت خون است

Q کدام پیشرفت پزشکی جان سربازان را نجات داد؟

A بزرگترین نجات‌بخش زندگی، پیدا کردن روش‌های انتقال خون بود. پزشک اتریشی - امریکائی به نام کارل لندشتاینر در اوایل ۱۹۰۱ به وجود گروه‌های خونی مختلف پی برد. ولی برای کاربردی کردن این یافته، باید تحقیقات بیشتری انجام می‌شد. جنگ جهانی دوم اولین نبرد عمده‌ای بود که در آن انتقال خون جان بسیاری را نجات داد.

Q هواپیماهای دارای دندان تیز متعلق به چه کشوری بودند؟

A نیروی هوائی بریتانیا (RAF) روی جنگنده‌های کورتیس کیتی هاوک که در صحرای غربی در شمال افریقا پرواز می‌کردند، دندان کوسه نقاشی می‌کردند. این دندان‌ها به افزایش روحیه خلبان‌ها کمک می‌کرد. زیرا بدین ترتیب آنها احساس شکست‌ناپذیری می‌کردند. کیتی هاوک از وارهاوک امریکا اقتباس شده بود. این جنگنده با سرعتی بیش از ۵۵۲ کیلومتر در ساعت می‌توانست بمب هائی به وزن ۲۲۷ کیلوگرم را حمل کند و البته به مسلسل‌های ۱۲/۷ میلیمتری نیز مجهز بود.



یک چترباز هنگام تمرین

گاه‌شمار جنگ جهانی

از آن جا که جنگ در جبهه‌های بسیار مختلفی جریان داشت نمی‌توان نگاه مختصری به رویدادهای جنگ جهانی دوم به صورت پیوسته و منظم داشت. در این گاه‌شمار تنها برخی از لحظات مهم مورد توجه قرار گرفته‌اند تا تصویر فشرده‌ای از رویدادهای جنگ در اختیار خوانندگان قرار گیرد. اما در این جا، فرصتی برای فهرست کردن تمام وقایع عمده یا حملات وجود ندارد. متاسفانه بسیاری از رویدادهای اساسی به ناچار حذف شده‌اند.

سال ۱۹۳۹

۱ سپتامبر
آلمان به لهستان تجاوز می‌کند.
۳ سپتامبر
انگلیس و فرانسه به آلمان اعلان جنگ می‌دهند.
۲۷ سپتامبر
پایتخت لهستان، ورشو، تسلیم آلمان می‌شود.
۲۸ سپتامبر
آلمان و اتحاد شوروی لهستان را بین خود تقسیم می‌کنند.
۳۰ نوامبر
اتحاد شوروی به فنلاند تجاوز می‌کند.

سال ۱۹۴۰

آوریل – مه
آلمان به دانمارک، نروژ، هلند، بلژیک، لوکزامبورگ و فرانسه تجاوز می‌کند.
۲۶ مه – ۴ ژوئن
با عملیات دینامو بیش از ۳۳۸۰۰۰ نفر از قوای متفقین از بندر دونکرک فرانسه تخلیه می‌شوند.
۱۰ ژوئن
ایتالیا به انگلیس و فرانسه اعلان جنگ می‌دهد.
۱۴ ژوئن
قوای آلمان وارد پاریس پایتخت فرانسه می‌شوند.
۲۱ ژوئن
فرانسه تسلیم می‌شود و آلمان در شمال فرانسه دولت تشکیل می‌دهد.
۱۰ ژوئیه
نبرد بریتانیا آغاز می‌شود.
۷ سپتامبر
بمب افکن‌های آلمانی عملیات بلتیز را علیه شهرهای بریتانیا آغاز می‌کنند.
۱۳ سپتامبر
ایتالیا به مصر تجاوز می‌کند.
۲۷ سپتامبر
آلمان، ایتالیا و ژاپن پیمان سه جانبه امضا می‌کنند.
۱۲ اکتبر
نبرد بریتانیا پایان می‌یابد.



سال ۱۹۴۱

۲۲ ژانویه
نیروهای انگلیسی و استرالیائی بندر توبرک لیبی را

اشغال می‌کنند.

۱ مارس

بلغارستان به دولت‌های محور می‌پیوندد.

۵ آوریل

آلمان به یوگسلاوی و یونان تجاوز می‌کند.

۲۷ مه

بریتانیا رزمناو بیسمارک را غرق می‌کند.

۲۲ ژوئن

عملیات بارباروسا: آلمان به اتحاد شوروی تجاوز می‌کند.

۱۵ سپتامبر

محاصره لنینگراد آغاز می‌شود: آلمان و نیروهای فنلاندی این شهر شوروی را محاصره می‌کنند.

۷ دسامبر

ژاپن در پرل هاربر به امریکا حمله می‌کند و تجاوز به مالایا را آغاز می‌کند.

۸ دسامبر

انگلستان و امریکا به ژاپن اعلان جنگ می‌دهند.

۱۱ دسامبر

آلمان به امریکا اعلان جنگ می‌دهد.

۲۵ دسامبر

هنک کنگ به ژاپنی‌ها تسلیم می‌شود.



سال ۱۹۴۲

۱۵ فوریه

ژاپن سنگاپور را اشغال می‌کند.

ماه مارس

اولین اسیران اردوگاه آشویتز در لهستان با گاز خفه می‌شوند.

۲۸ آوریل - ۸ مه

امریکا پیشرفت ژاپن را در نبرد دریای کورال متوقف می‌سازد.

۶-۴ ژوئن

امریکا ژاپن را در نبرد می‌دوی شکست می‌دهد.

۹ اوت

نبرد برای آزادسازی شهر استالینگراد شوروی آغاز می‌شود.

۲۳ اکتبر - ۲ نوامبر

بریتانیا آلمان را در العلمین، شمال افریقا، شکست می‌دهد.

۸ نوامبر

نیروهای امریکائی و انگلیسی در شمال غربی افریقا پیاده می‌شوند.



سال ۱۹۴۳

۳۱ ژانویه

ارتش آلمان در استالینگراد شکست می‌خورد.

۸ فوریه

امریکا جزیره سلیمان در گواداکانال ژاپن را اشغال می‌کند.

۹ آوریل

نیروهای نازی به محله یهودی نشین ورشو در لهستان

حمله می‌برند.

۱۲ مه

ارتش آلمان در شمال افریقا تسلیم می‌شود.

۹ ژوئیه

نیروهای متفقین به سیسیل ایتالیا حمله می‌کنند.

۲۵ ژوئیه

دیکتاتور ایتالیا، بنیتو موسولینی، سرنگون می‌شود.

۳ سپتامبر

نیروهای متفقین به سرزمین اصلی ایتالیا حمله می‌کنند درنتیجه ایتالیا تسلیم می‌شود.

۱۳ اکتبر

ایتالیا به آلمان اعلان جنگ می‌دهد.

سال ۱۹۴۴

۲۷ ژانویه

در اتحاد شوروی، محاصره لنینگراد بعد از دو سال و سه ماه به پایان می‌رسد.

مارس

ژاپن سعی می‌کند به هندوستان تجاوز کند.

۶ ژوئن

روز دی: نیروهای متفقین در نرماندی فرانسه پیاده می‌شوند و به عمق سرزمین فرانسه نفوذ خود را شروع می‌کنند.

۲۵ اوت

متفقین پایتخت فرانسه، پاریس را آزاد می‌سازند.

۱۷ اکتبر

نیروهای امریکا در فیلیپین پیاده می‌شوند.

سال ۱۹۴۵

۷ مارس

نیروهای انگلستان و امریکا از رودخانه راین آلمان عبور می‌کنند.

۳۰ آوریل

آدولف هیتلر صدراعظم آلمان خودکشی می‌کند.

۷ مه

آلمان بدون قید و شرط تسلیم می‌شود.

۸ مه

روز VE (پیروزی در اروپا).

۶ اوت

امریکا بمب هسته‌ای معروف به «پسر کوچک» را روی شهر هیروشیمای ژاپن فرو می‌اندازد.

۹ اوت

امریکا بمب هسته‌ای معروف به «مرد چاق» را روی شهر ناکازاکی ژاپن فرو می‌افکند.

۱۵ اوت

روز VJ (پیروزی در ژاپن)، ژاپن تسلیم می‌شود.

۲۴ اکتبر

سازمان دائمی ملل متحد بنیانگذاری می‌شود.



بیشتر بدانید

اگر می خواهید بیشتر بدانید هنوز هم خواهید توانست اطلاعات دست اول و جدیدی پیرامون جنگ به دست آورید. اگر مایل به سهیم شدن در خاطرات نسل‌های قدیمی تر هستید می‌توانید در کشورهای مختلف چنین افرادی را پیدا کنید. همچنین گزارش‌های شخصی به صورت آنلاین و کتابهای تخصصی در این مورد وجود دارند. علاوه بر کلکسیونهای جالب، در موزه‌های جنگی مختلف نیز نمایشگاه‌های مستندی وجود دارند که در واقع تاریخ زمان جنگ را زنده می‌سازند. همچنین می‌توانید در مستندهای تلویزیونی وقایع حاشیه‌ای جنگ را ملاحظه کنید و بالاخره فیلم‌های سینمایی تقریباً هر تجربه جنگی، از سوار شدن به زیردریائی تا گریختن از اردوگاه اسیران جنگی را به تصویر کشیده‌اند.



▲ **اتاق کابینه جنگ**

اگر به لندن سفر کنید می‌توانید اتاق‌های کابینه جنگ که نخست‌وزیر وینستون چرچیل و کابینه او را بازدید کنید که از سال ۱۹۴۰ تا پایان جنگ، جلسات هیات وزیران زمان جنگ در آن جا تشکیل می‌شد. اتاق‌ها در زیر زمین یک مجتمع قرار دارند و به همان شکل زمان خود حفاظت شده‌اند تا مردم بتوانند همچون زمانی که جنگ جریان داشت، از آنها بازدید کنند.



◀ **سالگرد روز دی (D)**

سالگردهای رخدادهای جنگ و برای مثال سالگرد روز دی که هر سال ۶ ژوئن برگزار می‌شود، فقط برای یادآوری فداکاری‌های سربازان نیست. در این سالگردها همگان فرصت می‌یابند درباره تاریخ کشورشان و علل وقوع جنگ‌های خانمانسوز تامل کرده و اطلاعات بیشتری به دست آورند.



فیلم‌های جنگی ◄

کارگردان‌ها سعی کرده‌اند نه فقط وحشت‌های ناشی از جنگ، بلکه داستان‌های الهام‌بخشی از شجاعت‌های فردی را نیز به قالب فیلم درآورند. فیلم اسپیلبرگ به نام فهرست شیندلر (۱۹۹۳) داستان واقعی بازرگان آلمانی به نام اسکار شیندلر است که موفق شد جان صدها تن از مخالفین نازی‌ها را با استخدام شان در کارخانه خود از خطر مرگ حتمی نجات دهد.



► یادبودی در مورمانسک

هر کشوری که در جنگ جهانی دوم نقش داشت یادبودهائی ایجاد کرده است تا برخی از جان باختگان در یادها باقی بمانند، این تندیس سیمانی عظیم از سرباز روس به بندر مورمانسک روسیه می‌نگرد. نام سرباز «آلویشا» بود و نمادی از قهرمانان روسیه است.

موزه‌های جنگی ▼

کلکسیون‌های جنگ جهانی دوم در موزه‌ها هنوز هم در حال گسترش هستند، زیرا کماکان وقایع و حقایق بیشتری افشا می‌شوند. موزه سلطنتی جنگ شمال در منچستر انگلستان، از این نمونه‌هاست. که سالن نمایش جدیدی برای کلکسیون موزه ایجاد نموده که قبلاً در ساختمان موزه در لندن قرار داشتند.



موزه سلطنتی جنگ شمال



منورا نماد مهم کشته شدگان جنگ است.

◀ یادبود کوره‌های آدم سوزی

یادبودهای بسیاری به افتخار کسانی که در اردوگاه‌های مرگ آلمان نازی جان باختند، ایجاد شده است. این یادبود در موتوسن، اتریش قرار دارد که حدود ۱۲۵۰۰۰ نفر در آن کشته شدند. این یادبود به شکل منورا (شمعدان) است.



فیلمی جذاب: نهضت مقاومت فرانسه ◀

یکی از تکان دهنده‌ترین قصه‌های نهضت مقاومت فرانسه، فیلم ترن است که در سال ۱۹۶۴ ساخته شد. در این فیلم برت لانکاستر یکی از اعضای نهضت مقاومت فرانسه به عنوان کارگر در راه‌آهن فرانسه تحت اشغال آلمان‌ها شروع به کار می‌کند و می‌کوشد در یک ترن آلمان نازی که مشغول قاچاق آثار هنری به خارج از پاریس است، خرابکاری کند.



ترجمه انگلیسی متن فرانسوی یادبود اوماها

◀ یادبود ساحل اوماها

این یادبود یکی از یادبودهای فراوان نرماندی فرانسه است که به قهرمان‌های روز دی اهدا شده است. در حکاکی آن نوشته شده است «نیروهای متفقین در این ساحل پیاده شدند و نام آن را ساحل اوماها نهادند که اروپا را آزاد ساخت - ۶ ژوئن ۱۹۴۴».



◀ پرچم مقدس ژاپنی‌ها

تمامی ژاپنی‌ها هنگام رفتن به جبهه نبرد با خود پرچم‌هایی حمل می‌کردند. دوستان و خویشاوندان روی قسمت سفید پرچم ژاپن دعا و نیایش می‌نگاشتند. ولی روی خود خورشید (مظهر کشور ژاپن) چیزی نوشته نمی‌شد زیرا این نماد، مقدس تلقی می‌شد. برخی سربازان پرچم را دور سر خود می‌بستند، برخی دیگر آن را در جیب خود می‌گذاشتند و همیشه همراه داشتند.

نقشه‌ای که پایگاه‌های پیاده شدن نیروها در روز دی در فرانسه را نشان می‌دهد



◀ پیاده شدن نیروها در روز دی

واپسین مرحله جنگ در اروپا در ششم ژوئن ۱۹۴۴ (روز دی D) آغاز شد که نیروهای امریکا، انگلیس، و کانادا از راه دریا به ساحل نرماندی در فرانسه تحت اشغال آلمان قدم نهادند. بیش از ۴۰۰۰ کشتی و تجهیزات پیاده سازی نیرو در این کار شرکت داشتند و ۱۵۶۰۰۰ نیرو از کانال انگلیس گذر کردند. نیروهای متحدین از طریق اروپا پیشروی کردند. در ۲۵ اوت، متحدین پاریس را آزاد کرده و تا پایان همان سال آن‌ها کل فرانسه را از آلمان باز پس گرفتند. در ماه آوریل ۱۹۴۵، روسها به برلین وارد شدند. آلمان ماه بعد تسلیم شد. پایان رسمی جنگ در اروپا ششم ماه مه بود که به نام روز وی VE (victory) معروف است. ژاپن تا ۱۵ اوت ۱۹۴۵ به جنگ ادامه داد.



عکس هوایی از خط ساحلی فرانسه



سازمان ملل (UN) ◀

سازمان ملل، واپسین میراث جنگ بود که در ۱۹۴۵ بنیانگذاری شد. هدف سازمان ملل نزدیک‌تر کردن ملل دنیا و حفظ صلح جهانی اعلام شد.



زیردریایی ها ▲

آلمان بزرگ ترین ناوگان زیردریایی را در آغاز جنگ با استفاده از قایق های معروف به قایق های U ساخته بود تا بتواند به صورت گروهی، کشتی های متفقین را شکار کند. همچنین ناوگان آلمان به ساخت زیردریایی های سرنشین به نام بایبر اقدام کرد. این زیردریایی های کوچک در سواحل شمال فرانسه و هلند بین سال های ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۵ عملیات اجرا می کردند و خساراتی به کشتی های تجهیزاتی متفقین وارد آوردند.

پسر کوچک نام بمب اتمی بود که روی هیروشیما افکنده شد



بمب سه متر دراز و ۷۱ سانتیمتر قطر داشت

بمب اتوماتیک ◄

در شش اوت ۱۹۴۵، امریکا روی شهر هیروشیمای ژاپن بمب اتمی افکند و موجب کشته شدن ۷۸۵۰۰ نفر در عرض تنها یک دقیقه گردید. دومین بمب روز ۹ اوت روی ناکازاکی فروافکنده شد و ژاپن پنج روز بعد تسلیم گردید.



یادبود نیروهای امریکایی که در حال بالا بردن پرچم امریکا روی جزیره ایو جیما واقع در اقیانوس آرام هستند

جنگ در اقیانوس آرام

پس از حمله غافلگیرانه به پرل هاربر، ژاپنی ها به برمه، مالایا (مالزی)، هند شرقی هلند (اکنون اندونزی)، سنگاپور، فیلیپین حمله کردند و در عرض اقیانوس آرام، پس از فتح جزیره به جزیره در حال نزدیک شدن به امریکا و استرالیا بودند. ژاپن به نظر شکست ناپذیر می رسید ولی درسال ۱۹۴۲، نیروی دریایی ایالات متحده ژاپنی ها را در دو نبرد عظیم در دریای کورال و در میدوی اقیانوس آرام شکست داد و پیشروی آن ها را سد کرد.

سلاح کشتیهای جنگی ◄

رزمناوها دو سلاح اصلی ضد زیردریایی داشتند. کارت فوق اژدرهایی را نشان می‌دهد که از عرضه به درون آب پرتاب می‌شوند. موشک ها به عمق آب شلیک می شدند و در اعماق دریا موجب نابودی زیردریایی ها می گردیدند.





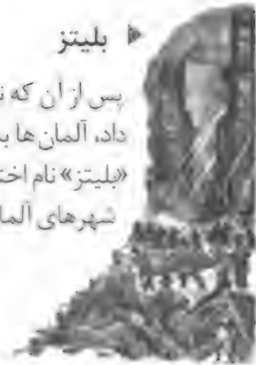
هواپیماهای نیروی هوایی آلمان (لوفتوافه) ▲

هواپیماهای جنگی لوفتوافه عبارتند بودند از مسراشمیت Bf۱۰۹E - دشمن هواپیماهای اسپیت‌فایر انگلیسی در «نبرد بریتانیا» از تیرماه تا مهرماه سال ۱۳۱۹. Bf۱۰۹E موتوری با قدرت ۱۱۵۰ اسب بخار داشت و به چها مسلسل و یک توپ مجهز بود. لوفتوافه همچنین بمب افکنهای دورنیر، هینکل، و یونکر را در اختیار داشت. اشتوکا، ساخت شرکت یونکر، هواپیمای اصلی مورد استفاده در عملیات بلیتکریگ بود. اشتوکا دارای سوت کشهایی بود که هنگام شیرجه زدن از آسمان به صورت عمودی به سمت پایین برای ریختن بمب روی مردم وحشت زده، صدای ناهنجاری تولید می کرد.

◄ سراسر جنگ، بین متحدین و آلمانها در آب‌های یخبندان اقیانوس اطلس شمالی جنگی خشن درگرفت چون زیردریاییها و رزمناوهای آلمانی به کشتی‌های آمریکایی حامل تجهیزات برای انگلستان حمله می کردند. همچنین، در اقیانوس آرام بین ناوگان امریکا و ژاپن نبردهای بزرگی درگرفت. رزمناوهای امریکایی مانند رزمناو آلاباما در دو اقیانوس اطلس و آرام خدمت می کردند.



رزمناو امریکایی آلاباما



بلیتز

پس از آن که نیروی هوایی سلطنتی انگلستان (RAF) لوفتوافه (نیروی هوایی آلمان) را شکست داد، آلمان ها بمباران گسترده شهرهای انگلستان را آغاز کردند که انگلیسی ها نام آن عملیات را «بلیتز» نام اختصاری «بلیتز کریگ» نهادند. متفقین هم از تاکتیکهای بلیتز کریگ استفاده کرده و شهرهای آلمان را مورد حمله قرار دادند که در نتیجه آن هزاران غیر نظامی المانی کشته شدند.

دژ پرنده بوئینگ B-17

دماغه پلاستیکی نورگذران برای نصب دوربین
بمب افکن و کلیدهای آزادسازی بمب

موتور با قدرت ۱۲۰۰ اسب بخار

برجک دایره‌ای با دو مسلسل

چرخهای اصلی

برجک نصب مسلسل زیر کابین خلبان

طول بال ۳۱۶ متری

هواپیماهای نیروی هوایی ارتش امریکا (USAAF) ▲

یکی از بزرگترین بمب افکنهای میان برد در جنگ جهانی دوم، دژ پرنده امریکایی به نام بوئینگ B-۱۷ USAAF بود. دژهای پرنده با آرایش هوایی پرواز می کردند و علیه اهداف آلمان و اروپای تحت اشغال عملیاتی را از ارتفاع زیاد انجام می دادند. این هواپیما مجهز به مسلسل های برونینگ بود و می توانست بمب هایی به وزن ۲۷۲۴ کیلوگرم با خود حمل کند. USAAF همچنین جنگنده (مانند موستانگ P-۵۱)، هواپیماهای ترابری، هواپیماهای دریایی، بمب افکن های شیرجه‌ای و بمب افکن های سنگین از جمله هواپیماهای سوخت رسان B-۲۹ در اختیار داشت.

قنداق چوبی

مگسک عقبی

مگسک جلویی

ماشه

تفنگ انفیلد ◄

تفنگ *لی انفیلد* شماره ۴، تفنگ استاندارد ارتش بریتانیا از سال ۱۹۴۱ بود و به تمام سربازان پیاده انگلیسی تحویل داده شد. سلاح های دیگر عبارت بودند از تپانچه، نارنجک، مسلسل های خودکار، خمپاره، و سلاح های ضد تانک

مگسک عقبی

قنداق چوبی جداشو

خشاب ۲۰ یا ۳۰ تایی

ماشه

تفنگ تامپسون M۱۹۲۸a۱ ◄

به نام «تفنگ تامی» مسلسل استاندارد امریکایی در جنگ جهانی دوم بود که می توانست در یک دقیقه ۸۰۰ گلوله شلیک کند و از یک جعبه خشاب یا یک جعبه گلوله ۵۰ الی ۱۰۰ تایی در آن استفاده می شد.



سرباز انگلیسی سرباز امریکایی سرباز روسی سرباز ایتالیایی سرباز آلمانی سرباز ژاپنی سرباز استرالیایی

▲ **متفقین و قدرتهای محور**

متفقین به کشورهای بریتانیا، استرالیا، زلاند نو، کانادا، و افریقای جنوبی همچنین نیروهای تبعیدی فرانسه و لهستان گفته می شد. متفقین در سال ۱۹۴۱ به دو غول شوروی و ایالات متحده امریکا پیوستند. اتحاد اولیه دولت های محور یعنی آلمان و ایتالیا بعدا شامل کشورهای مجارستان، رومانی، بلغارستان و ژاپن نیز گردید.



▲ **هواپیماهای نیروی هوایی سلطنتی بریتانیا (RAF)**

در آغاز جنگ، اسپیت فایر 1A MK مدرنترین جنگنده RAF بود. این هواپیما می توانست با سرعت بیش از ۵۸۲ کیلومتر در ساعت حرکت کند و در ارتفاع بالا سریع تر و قدرت مانور بیشتری نسبت به رقیب آلمانی خود مسراشمیت Bf۱۰۹E داشت. ازسال ۱۹۴۱، RAF استفاده از اسپیت فایر MK5 را شروع نمود که قدرت بیشتری داشت. RAF از هواپیماهایی مانند جنگنده های هوریکین، بمب افکن های ماسکیتو، و بمب افکن های سنگین هالی فاکس نیز استفاده می کرد.

▶ **آماده شدن برای جنگ**



ماسک ضد گاز تدی



ماسک ضد گاز کودک

همان گونه که آلمان در دهه ۱۹۳۰ به قدرت نظامی خود می افزود، انگلستان و فرانسه نیز برای جنگ آماده می شدند. دولت انگلیس برنامه هایی برای تخلیه کودکان از شهرهای بزرگ به روستاها تهیه کرد و به همه مردم ماسک ضد گاز داده شد. همچنین دولت مردم را تشویق به ایجاد پناهگاه زیرزمینی برای حفاظت از خود در برابر حملات هوایی کرد.

آبی - خاکی : قادر به حرکت در آب و خشکی
آتش‌بس: پایان دشمنی‌ها و جنگ
آتش‌زا: ویژگی بمب، گلوله یا دیگر تجهیزاتی که باعث شعله‌ور شدن اماکن و اشیاء مختلف می‌شوند.
آزادسازی: پایان دادن به اشغال دشمن.
اتاق گاز: فضایی بسته که در آن انسان‌ها با استفاده از گاز کشته می‌شوند.
اتحاد : گروهی از متحدین که اقدام و همکاری مشترک را قبول کرده‌اند. کشورهای متحد گاهی در یک پیمان رسمی اهداف مشترک خود را اعلام می‌کنند.
اتمام حجت یا اولتیماتوم: خواست نهایی یک کشور از کشوری دیگر، که در صورت عدم موافقت کشور دوم با آن، عواقب جدی یا قطع کامل مناسبات را به دنبال خواهد داشت.
اردوگاه کار اجباری: زندان یا اردوگاهی برای زندانیان غیر نظامی. در اردوگاه‌های کار اجباری نازی، مخالفین مذهبی، اهالی شرق اروپا، کولی‌ها و اعضای دیگر گروه‌هایی که دشمن دولت نازی تلقی می‌شدند، زندانی می‌گشتند.
اژدر: موشک زیرآبی و خود جلو برنده که می‌تواند یک کشتی یا زیردریایی را نابود کند.
استتار: همرنگ کردن یا استفاده از الگوهایی که برای یکسان شدن یک شئی یا فرد با محیط پیرامون استفاده می‌شود.
اشغال: دوره زمانی که نیروهای دشمن در سرزمین دیگر مردمان به سر می‌برند.
اطلاعات: اطلاعات یا هرگونه داده که از طریق تجسس‌های نظامی یا سیاسی جمع‌آوری می‌شود.
امپریالیستی: تلاش برای برقراری امپراطوری توسط یک کشور.
انتقال خون: تزریق خون گرفته شده از یک اهداکننده به رگ‌های بیماری که خون از دست داده است.
بالون‌های محافظ : بالونی که با استفاده از کابل‌های قوی مهار می‌شود و برای جلوگیری از ورود جنگنده‌هایی که در ارتفاع پایین پرواز می‌کنند استفاده می‌گردید.
بمب هسته‌ای: سلاحی فوق‌العاده خطرناک و قدرتمند که انرژی آن ناشی از همجوشی هسته‌ای است ـ شکافتن اتم عنصر رادیواکتیو مانند اورانیوم و پلتونیوم
بمب‌های شیمیایی: در جریان جنگ، گازهای سمی برای خفه کردن، کور کردن یا کشتن دشمن به کار می‌رفت. گرچه تمامی طرف‌های جنگ، این نوع گازها را در اختیار داشتند ولی در جنگ جهانی دوم هرگز به صورت عمدی و گسترده از این نوع بمب‌ها استفاده نشد.
پارتیزان: عضو جنبش مقاومت که در سرزمین تحت اشغال دشمن مبارزه می‌کند.
پدافند ضد هوایی: سلاحی که بردی کافی برای شلیک و انهدام هواپیماهای در حال پرواز دشمن را دارد.
پناهگاه حمله هوائی: جائی که در زمان حمله هوائی مردم را از بمباران حفاظت می‌کند، مثلاً یک پناهگاه زیرزمینی
پناه‌گاه زیرزمینی: پناه‌گاهی که در زیر ساختمان یا جایی دیگر برای محافظت در برابر حمله هوایی ساخته می‌شود.
پناهنده: کسی که مجبور به فرار از کشور خود برای رسیدن به امنیت می‌شود.
پنیسیلین: عصاره کپک که از رشد باکتری‌ها جلوگیری می‌کند. خصوصیت ضد باکتری آن را الکساندر فلمینگ از سال ۱۹۲۸ تا ۱۹۴۲ کشف کرد. پنیسیلین در مقیاس عظیم برای درمان سربازان دارای جراحات عمیق مورد استفاده قرار گرفت.



الکساندر فلمینگ با یک بتری دیش از پنی سیلین

پیاده نظام: سربازان پیاده.

پیمان: توافق رسمی بین دو یا چند کشور.

تبلیغات: اطلاعاتی که به قصد متقاعد کردن مردم در مورد یک عقیده به کار می‌رود. این اطلاعات ممکن است به شکل پوستر، پخش رادیویی، یا اعلامیه‌هایی که از هواپیما فرو ریخته می‌شوند، به مردم برسد.

تجسس: عمل جاسوسی

تخلیه: نقل مکان کردن مردم از جایی که خطر جانی برای آنها وجود دارد.

ترخیص: آزاد کردن نیروها بعد از خدمت.

تسلیم: دست کشیدن از اختیارات به نفع طرف برتر.

تشعشع‌زدگی: بیماری ناشی از قرار گرفتن در معرض تشعشع.

توپ: گلوله‌ای انفجاری که مثلا از یک تانک یا خمپاره شلیک می‌شود.

جیره‌بندی یا سهمیه‌بندی: محدود کردن استفاده از اقلامی مثل غذا و لباس در زمان کمبود آنها.

چترباز: سربازی که با استفاده از چتر از هواپیما به زمین فرود می‌آید.

حمله هوائی: بمباران از هوا

خرابکاری: عمل عمدی به قصد انهدام یا ایجاد گسست در کار دشمن.

خمپاره: بمب نیمه سنگین، که معمولا از یک لوله شلیک می‌شود.

دختر کشاورز: زن جوانی که برای کمک به جبهه‌های جنگ معمولا روی مزرعه برای تولید غذا کار می‌کند. زنانی که در این زمینه فعالیت می‌کنند معمولا منابع ارزشمند



ن جوان در یک کارخانه اره کشی

دیگری را با استفاده از مواد خام مثل چوب مورد استفاده قرار داده به تولید سلاح یا چتر برای فرود نظامیان اقدام می‌کنند

دموکراتیک: مبتنی بر اصول دموکراسی، نظام حکومتی که مردم از طریق انتخاب آزادانه نمایندگان خود، ماهیت آن را تعیین می‌کنند.

دیکتاتور: حاکمی که کنترل کامل یک کشور را بدون مجاز کردن آزادی بیان در اختیار می‌گیرد.

رادار: سیستم شناسایی که از طریق ارسال امواج رادیویی، محل اشیاء را مشخص می‌کند. با ارسال امواج و برخورد آنها با شی و بازگشت آنها به رادار، محل آنها ردیابی می‌شود.

رمز مورس: رمزی که با استفاده از کم و زیاد کردن نور یا صدا به سوی طرف مقابل ارسال می‌شود و جایگزین حروف الفبا می‌گردد.

رمز: یک مجموعه کدهای سری که جایگزین حروف یا نمادهای معمولی می‌شوند.

رمزنویس: کسی که به مطالعه، ایجاد یا رمزگشایی کدهای رمزی مشغول است.

رمزنویسی: مطالعه و ایجاد کدهای سری.

روحیه: اعتماد به نفس، هدف یا ایمان داشتن.

زندانیان جنگی POW : حروف اختصاری که بر روی لباسهای اسیران حک می‌شود و به معنی این است که در زمان جنگ دستگیر شده‌اند. اکثر ولی نه همه اسیران معمولا عضو نیروهای مسلح هستند.

شقاوت : عمل شرورانه و هراس‌انگیز

صلیب شکسته: نماد باستانی از یک صلیب که هر طرف آن به سوی راست خمیده شده است. نازی‌ها این نماد را به عنوان نشان حزبی خود برگزیدند.

فاشیست: طرفدار فاشیسم، نظام عقیدتی که مخالف دموکراسی، طرفدار نژادپرستی و حامی دولت قدرتمند و مسلح است.

کاروان محموله دریایی: کشتی‌های تجاری که با حمایت و اسکورت رزمناوها کنار یکدیگر سفر می‌کنند.

کشتی U: زیردریایی آلمانی.

کمونیست: کسی که معتقد به ایدئولوژی کمونیسم است.

کمونیست‌ها مخالف رقابت آزاد در بازار و نظام سرمایه داری هستند و هدف‌شان ایجاد جامعه بی‌طبقه و به رهبری کارگران می‌باشند.
گتو: ناحیه‌ای از شهر که روابط اجتماعی گروه خاصی، در آن اجرا می‌شود.
گروه مقاومت: سازمانی که مخالف نیروی اشغالگری دشمن است، گروه‌های مقاومت در اروپا مخالف نازی‌ها بوده و در سرزمین‌های تحت اشغال آنها اقدام به خرابکاری و اختلال می‌کردند.
گشتاپو: سرویس پلیس مخفی نازی‌ها.
ماسک ضد گاز: وسیله تنفسی که روی صورت نصب می‌شوند به گونه‌ای که دماغ، دهان و چشم‌ها در برابر حمله شیمیایی محافظت می‌شود.



طرح های مختلف از ماسک های ضدگاز در آلمان در سال ۱۹۳۹

محور: نام اتحادی که بین آلمان، ایتالیا و متحدین آنها ایجاد شد.
مسلسل: تفنگی خودکار که گلوله‌ها را پی‌درپی و سریع شلیک می‌کند.
ملزومات: لباس، غذا، سرپناه قابل حمل و وسایل شخصی مورد نیاز هر سرباز که در زمان جنگ در یک کیسه بسته بندی می‌شوند. تمامی اقلام مزبور، با صرفه‌جویی و در حداقل حجم تولید می‌شوند.
مهمات : گلوله و توپ که از سلاح شلیک می‌شود
مین: (۱) محفظه‌ای دارای مواد منفجره (۲) بمبی که در زیرزمین پنهان شده و هنگام قرار گرفتن پای انسان یا چرخ ماشین روی آن منفجر می‌شود (۳) بمب سبک یا شناوری که در دریا قرار داده شده تا سبب انهدام کشتی‌ها و زیردریایی‌ها شود.
مین‌روب: کشتی که مین‌های زیر آب را شناسایی و خارج می‌کند
نارنجک: بمب دستی کوچک که با دست پرتاب می‌شود.
ناسیونالیست یا ملی‌گرا: کسی که به ملی‌گرایی باور دارد. ـ عقیده یا باور به اهمیت و برتری کشور خود.
نژاد پرستی: داشتن عقاید مبتنی بر اعمال تبعیض علیه قوم یا معتقدین به دینی دیگر و تعقیب و آزار آنها
همیاری یا معاونت: کسی یا چیزی که برای کمک یا پشتیبانی مورد نیاز است.
هولوکاست: به قتل عام میلیون‌ها مخالف و دیگر انسان‌ها به دست نازی‌ها گفته می‌شد، امروزه به هر گونه نسل‌کشی و قتل عام مردم بی‌گناه اطلاق می‌شود.



کمربند مهمات اعضای نیروی هوایی آلمان


دانشمندان بزرگ جهان


تاریخ فرهنگ و تمدن مصر


تاریخ فرهنگ و تمدن یونان


اسرار اهرام در جهان باستان
شامل تاریخچه و نحوه ساخت اهرام توسط مصریان، آزتک ها و مایاها


تاریخچه پیدایش خط و نوشتار


آفریقا


تاریخ فرهنگ و تمدن بین النهرین


انقلاب آمریکا


تاریخ فرهنگ و تمدن روسیه

از مجموعه دانستنی ها / جلد ۳۴



کشتی بیسمارک مجهز به ۸۸ توپ از جمله ۲۰ توپ دوربرد و ۶۸ توپ ضد هوائی



عقاب هیتلر

این عقاب برنزی عظیم در دفتر کار رسمی هیتلر در برلین یا اتاق رایش، نصب شده بود. این دفتر در تسخیر نیروهای روس قرار گرفت و یک افسر ارتش سرخ در سال ۱۹۴۴ آن را به سربازی انگلیسی در برلین داد. در بالهای آن هنوز نشانه‌هائی از اصابت ترکش‌های جنگ در برلین به چشم می‌خورد.



دستگاه زاویه یاب (سکستان) ناوگان ژاپنی

سکستان‌ها برای جهت‌یابی ناوگان ژاپن در اطراف اقیانوس وسیع اطلس اهمیت اساسی داشت. ژاپن پس از بریتانیا و امریکا سومین ناوگان بزرگ جهان را با ۱۰ ناو هواپیمابر، ۱۲ کشتی جنگی سنگین، ۳۶ رزمنا و بیش از ۱۰۰ ناوشکن و یک نیروی هوائی ضد ناو پر قدرت در اختیار داشت.



آزادی فرانسه

با آزاد شدن فرانسه، صلیب‌های شکسته نازی پائین آورده شد و جای خود را به پرچم سه رنگ فرانسه داد. آزادسازی فرانسه از روز دی (۶ ژوئن ۱۹۴۴) آغاز شده بود و با پیشروی متفقین به سوی شرق یعنی آلمان در اوایل سال ۱۹۴۵ پایان یافت. نیروهای فرانسه آزاد قبلاً به رهبری دوگل، دولت موقتی را برای بازپس‌گیری فرانسه از چنگ آلمان تاسیس کرده بودند.

انتشارات سیزان

انتشارات آمه

فروش اینترنتی و online از طریق سایت آی آی کتاب www.iiketab.com

ISBN 600-117-052-5

9786001170522

Designer: M.Mirzaei